

راہِ توشہ

راہیان نور

محرم الحرام ۱۴۴۱ھ - ق. ۱۳۹۸ھ - ش.

متون علمی - آموزشی مبلغان







امام خمینی (قدس سره)

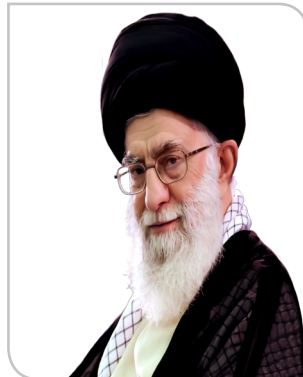
با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و «داغ باطله» بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت.

پیام به ملت مسلمان ایران ۲۱ ذی الحجه ۱۳۹۸

صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۷۵.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله)

همانطور که خود حسین بن علی علیه‌السلام به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد، امروز هم شما به انگیزه یاد، نام و منبر آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید؛ قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی، ولوی و نبوی جمهوری اسلامی، تجسد پیدا کرده است برای مردم بیان کنید. این، جزء بالاترین معارف اسلامی است.



بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۴/۰۳/۰۳

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2752>

ره توشه راهیان نور

متون علمی آموزشی مبلّغان

ویژه محرم الحرام

۱۴۴۱ ه. ق - ۱۳۹۸ ه. ش

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور محرم الحرام ۱۴۴۱ هـ/ق/ ۱۳۹۸ هـ شـ متون علمی - آموزشی مبلغان
 جمعی از نویسندگان: تهیه و تدوین معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی. **مشخصات نشر:** قم:
 مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۸. **مشخصات ظاهری:** ۱۷۶ ص. **شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۵۷-۲-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه: ص ۱۶۵ **موضوع:** اسلام -- تبلیغات -- راهنمای آموزشی
موضوع: Study and teaching -- Missions -- Islam **موضوع:** حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق -- سوگواری‌ها
موضوع: Laments -- Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680 **موضوع:** اسلام -- مطالب گونه‌گون **موضوع:** Islam
 Miscellanea **موضوع:** واقعه کربلا، ۶۱ق. **موضوع:** Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 **شناسه افزوده:** حوزه
 علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی و تبلیغی **شناسه افزوده:** حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات
 اسلامی، بوستان کتاب قم **رده بندی کنگره:** ۱۳۹۸/۶۲/۱۶۲۱ BP **رده بندی دیویی:** ۲۹۷/۰۴۵ شماره کتابشناسی
 ملی: ۵۷۶۴۹۰۰

اعضای هیئت تحریریه

- حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید روستا آزاد
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی
- حجت الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد
- حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی
- حجت الاسلام والمسلمین میر تقی قادری
- حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

◀ تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت
 فرهنگی و تبلیغی

◀ نویسندگان: جمعی از نویسندگان

◀ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

◀ نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

◀ شمارگان: ۹۰۰۰ نسخه

◀ قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

◀ چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

◀ ویراستار: زهرا رضائیان

◀ صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل پور

◀ نمونه خوان: نصرت‌الله نیکزاد

◀ کارشناس اجرایی ره‌توشه: مهدی جباری

◀ مسئول چاپ و نشر: سید محمود کریمی

۷	سخن نخست
۱۱	شایعه مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی
۲۳	راهکارهای افزایش آستانه تحمل مصطفی آزادیان
۳۹	مدیریت زمان از نگاه قرآن زهرا رضائیان
۵۳	نقش دین در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی محمدسبحانی‌نیا
۶۹	خدمت‌رسانی در آموزه‌های اسلامی محمدرضا بهروز
۸۷	آداب توبه و دعا سیدحسین حسینی قمی
۹۹	عزت‌مندی در انقلاب عاشورا و انقلاب اسلامی علیرضا انصاری
۱۱۷	ثبات قدم و استواری در راه حق دکتر ناصر رفیعی محمدی
۱۳۱	تجلی فضایل اخلاقی در کربلا سیدحسین حسینی قمی
۱۴۹	صبر و صابران در کربلا جواد محدثی
۱۶۵	کتابنامه

سخن نخست

قیام امام حسین علیه السلام و یارانش مبارزه با ظلم و جور حاکمانی بود که با شعار اسلام‌گرایی و با رعایت ظواهر و مناسک دینی، با اساس و محتوای آن به مقابله برخاسته بودند. سرور آزادگان در زمانی قیام کرد که از دین جز پوسته باقی نمانده بود. خون امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش برای همیشه تاریخ توانست دین را جاودانه نماید. حماسه حسینی شوری است که همیشه با شعور همراه بوده و از حقارت و ذلت گریزان است.

امام حسین علیه السلام قیام کرد تا حماسه‌ای بیافریند که حریت و آزادگی را در وجود انسان‌های آزاده نهادینه نموده و بر ستم پیشگان و دنیا پرستان بشورد و الگوی مانایی برای آزادگان جهان شود تا در مقابل ظالمان در هر زمان و مکان بایستند و از عزت و کرامت انسانی دفاع کنند.

از آن‌جا که رسالت معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تهیه و انتشار محتوای تبلیغ دینی است، به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، محتوای تبلیغی متناسب با نیاز جامعه، با استفاده از نویسندگان توانمند برای مبلغان متعهد و درد آشنا در نظر گرفته شده است تا با بهره‌گیری از مباحث و شیوه‌های تبلیغی، جامعه تشنه معارف دینی را سیراب نماید. بر این اساس مقالاتی با عناوین متعدد، برای

مبلغان گرامی تدوین شده است تا در ایام محرم در محافل و مجالس عزاداری و منابر وعظ و خطابه از محتوای آن بهره‌برداری نمایند.

با عنایت به گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد به بار نشستن شجره طیبه‌ای هستیم که با خون هزاران شهید آبیاری شده و دستاوردهای ارزنده و ارزشمندی برای مردم ایران و آزادی‌خواهان جهان به ارمغان آورده است. در این راستا رهبر معظم انقلاب، با صدور بیانیه گام دوم، ضمن تبیین افتخارات نظام مقدس جمهوری اسلامی، آینده روشنی برای آن ترسیم نمودند. از این رو شایسته است مبلغان محترم توجه ویژه‌ای به تبیین بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری داشته باشند، چراکه این بیانیه در عین تبیین نقاط پرافتخار جمهوری اسلامی، عهده‌دار ترسیم آینده نورانی این مسیر می‌باشد.

چنان‌که استحضار دارید بخشی از بیانیه شامل تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی است که روشنگری، توضیح و پاسخ‌گویی به شبهات مرتبط با این بخش، از اولویت‌های فعالیت‌های فرهنگی است. در این راستا دو کتاب انقلاب ۴۰ ساله از منشورات معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی و کتاب صعود چهل ساله از منشورات معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی، منابعی متقن و قابل استفاده می‌باشند که متن هر دو کتاب در سایت (<https://www.balagh.ir>) بارگزاری شده و در دسترس همگان قرار گرفته است. بخش دوم بیانیه حاوی توصیه‌های راهبردی است. با توجه به اهمیت راهبردی این بخش، لازم است برخی از محتواهای محافل و مجالس عاشورایی به تبیین و توضیح مبانی توصیه‌ها و لزوم تلاش جهت تحقق عینی آن‌ها اختصاص یابد. به فضل الهی صدور بیانیه با پیروزی‌های سیاسی پرافتخاری در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مقارن شده است که

دوست و دشمن را مجذوب ایستادگی و مقاومت ملت قهرمان ایران ساخته و امید است همواره شاهد نصرت الهی در تحقق توصیه‌های راهبردی رهبری عزیز و فرزانه باشیم.

در پایان، از نویسندگان محترم و تمام کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی این اثر، صادقانه تلاش کردند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

شایعه مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

اشاره

امروزه شایعه به عنوان قوی‌ترین حربه دشمن و مهم‌ترین ابزار جنگ روانی وی در میدان مقابله با نظام اسلامی است. غفلت در این زمینه و کنترل نشدن وسائل ارتباط جمعی، رسانه‌ها و فضای مجازی در برابر شایعات، می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به اعتقاد و اعتماد مردم وارد آورد. واژه‌های «شایعه»، «ارجاف»، «آراجیف»، «اذاعه»، «خبر فاسق» و «خبر نامطمئن» در رابطه با شایعه، در قرآن مطرح شده و خدای متعال نیز در مقابل این گناه کبیره فرمان شدیدترین مجازات را صادر کرده است؛ زیرا خطرات زیانباری برای جامعه اسلامی دارد و امنیت روانی جامعه اسلامی را به هم می‌ریزد.^۱

در این فرصت به اهداف، آثار و راه‌های مقابله با شایعه می‌پردازیم.

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. ر.ک: نساء: ۸۳؛ نور: ۱۹؛ اسراء: ۳۶؛ حجرات: ۶.

الف) تعریف شایعه

شایعه در اصطلاح، به انتشار خبر پنهانی، بی‌اساس و ناروایی که در میان مردم زبان به زبان می‌گردد، اطلاق می‌شود.^۱ دهخدا در تعریف شایعه می‌گوید: «شایعه، خبر بی‌اساسی است که گوینده آن را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند و یا هر موضوع دلخواه - فردی یا اجتماعی - در جامعه نشر می‌دهد».^۲ بنابراین شایعه از گناهان کبیره‌ای همچون دروغ، تهمت، بهتان، غیبت و ... نشأت گرفته و سبب شایع شدن این گناهان در جامعه می‌شود.

ب) اهداف شایعه

شایعات می‌تواند با اهداف و انگیزه‌های مختلفی ساخته شده و پخش شود. برخی از این اهداف و انگیزه‌ها عبارتند از:

۱. ایجاد وحشت

بخشی از شایعات، به منظور ایجاد ترس و وحشت و نگرانی در جامعه تولید و پخش می‌شوند؛ مانند شایعه تخریب سد فرات و تغییر جریان آب فرات در جنگ صفین که معاویه توسط عمروعاص در جامعه راه انداخت تا لشگر کوفه را با این شایعه بترساند.^۳

۲. ترویج بدینی

برخی شایعات برای ترویج بدینی و آزار و اذیت نسبت به اشخاص یا

۱. حسین راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ج ۱، ص ۴۷۰.

۲. علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه؛ ذیل واژه شایعه.

۳. نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین؛ ص ۱۹۰.

گروه‌های محبوب یا مقتدر در جامعه ساخته می‌شود؛ مانند شایعاتی که علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام منتشر می‌شد،^۱ با هدف ایجاد بدبینی بود. همسر عزیز مصر نیز برای مخفی کردن خطایش، نسبت زنا به حضرت یوسف علیه السلام را در جامعه پراکنده کرد تا نسبت به آن حضرت بدبینی ایجاد کند.^۲

۳. ایجاد اختلاف

گاه شایعه برای تفرقه ایجاد کردن میان گروه‌ها و اقوام مختلف است؛ مانند شایع کردن دروغ‌هایی به نام شیعه و دروغ‌هایی به نام اهل سنت تا میان این دو گروه اختلاف ایجاد شود و خط وحدت و مقاومت بشکند. چندی پیش در فضای مجازی شایعه‌ای مبنی بر پس فرستادن خون‌های اهدایی هلال احمر ایران به فلسطین با این توهین زشت که «خون شیعه نجس است»، پخش شد. فضای این شایعه با ناصبی نشان دادن فلسطینی‌ها و سوءاستفاده از حس مذهبی ایرانی‌ها، سعی داشت تا حدودی افکار عمومی را در برهه خود تحت تاثیر قرار دهد و البته داده بود.^۳ شایعه دیگری با همین نیت ایجاد شد که رهبر معظم انقلاب درباره آن فرمود:

از جمله در قضیه غزه - در این جنگ بیست و دو روزه چند ماه قبل - جمهوری اسلامی در همه سطوحش، از رهبری و ریاست جمهوری و مسئولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و

۱. یس: ۶۹.

۲. یوسف: ۲۵.

۳. خبرگزاری فارس؛ «مردم فلسطین دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستند»، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸.

سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان قرار گرفتند. در بحبوحه این حرف‌ها، یک وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می‌کند؛ دائم می‌روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علماء، بعضی از محترمین، که آقا! شما دارید به کی کمک می‌کنید؛ اهل غزه ناصبی‌اند! ناصبی یعنی دشمن اهل‌بیت. یک عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پسغام که آقا، می‌گویند اینها ناصبی‌اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور اینها ناصبی‌اند؟! بله، سنی‌اند؛ اما ناصبی؟! این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند.^۱

۴. فریب افکار عمومی

فریب افکار عمومی برای پنهان‌سازی اهداف واقعی دشمن استفاده می‌شود؛ مانند قرآن به نیزه کردن لشکر شام هنگام شکست و رواج این شایعه که ما اهل قرآنیم، چرا با هم بجنگیم؟^۲

۵. غلبه در جنگ اقتصادی

هدف از این شایعه، ایجاد حالتی از نگرانی و ترس در بازار مالی یا اوضاع اقتصادی کشور به‌ویژه در زمان بحران‌ها و جنگ‌هاست. متأسفانه امروزه دشمنان داخلی و خارجی با این حربه، می‌کوشند تا در

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان؛ ۱۳۸۸/۰۲/۲۳.

<http://farsi.khamenei.ir/video-content?id=۲۷۰۳۴>

۲. ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲، ص ۲۱۰؛ نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین؛ ص

۴۷۸: «...فَلَمَّا أَشْفَوْنَا إِذَا هِيَ الْمَصَاحِفُ قَدْ رُبِّطَتْ عَلَى أَطْرَافِ الرِّمَاحِ...».

جنگ اقتصادی پیش آمده، پیروز میدان باشند؛ برای مثال افزایش روزمره قیمت برخی کالاها، موجب رواج شایعات اقتصادی و تقویت آن توسط دشمن می‌شود. تصور «گران‌تر شدن قیمت کالاها در زمان آینده» باعث افزایش خرید مردم نسبت به روزهای عادی می‌شود. در این میان برخی افراد نیز به محض شنیدن چنین شایعاتی، با هجوم به فروشگاه‌های مواد غذایی، تلاش می‌کنند تا از قافله عقب نمانند و اقلام مورد نظر را خریداری نمایند؛ اگرچه نیازی به آن کالا نیز نداشته باشند.

۶. توجیه اعمال زشت

از دیگر اهداف شایعات، توجیه کار خلافِ خلافکاران است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ذَوُوا الْعُيُوبِ يُجِبُونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ»^۱ افراد آلوده و معیوب، تلاش می‌کنند عیوب دیگران را فاش نمایند تا برای خلاف‌های خویش، راه توجیه فراهم سازند». مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین آقای سید علی اکبر حسینی که در صدا و سیما برنامه «اخلاق در خانواده» داشت، می‌گفت:

روزی شخصی گفت از شما غیبت کرده‌ام، مرا حلال کنید. بعد توضیح داد که وقتی شما از حقوق همسر می‌گفتید، من چون پیش زنم کم آوردم، گفتم حرف‌های این سید را باور نکن. او اصلاً در خانواده‌اش چنان بداخلاق است که حد ندارد و من از همسایه‌های او شنیده‌ام. بعد این دروغ را برای دفاع از خودم گفتم و بین مردم شایع کردم تا تخلف خودم را بپوشانم.

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۰۷، ح ۳۷.

ایشان که به خاطر توفیق در اجرای برنامه «اخلاق در خانواده» مورد غضب دشمن قرار گرفته و از قربانیان شایعات بود، می‌فرمود: در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام نشسته بودم، یکی از زوّار شروع به پرس‌وجو درباره صحت شایعات علیه من کرد. پاسخ دادم: «شایعه، تیری است که دشمن آماده می‌کند و به دست دوستان و مؤمنان می‌دهد و دوست مؤمن در جوار حرم رضوی به قلب انسان فرو می‌کند». ^۱ بنابراین منشأ شایعه، دشمن است؛ اما عامل پخش و به هدف رساندن آن، دوستان هستند.

۷. عقده‌گشایی

حسودان، کینه‌ورزان و انسان‌های شرور - که توان دیدن خوبی‌ها و موفقیت‌های دیگران را ندارند - علیه خوبان شایعه‌پراکنی می‌کنند. امام علی علیه السلام فرموده است: «عَادَةُ اللَّئَامِ وَالْأَعْمَارِ أَذِيَّةُ الْكِرَامِ وَالْأَخْرَافِ عَادَتِ نَاكِسَانٍ وَابِلِهَانٍ، آزار جوانمردان و آزاداندیشان است».

ج) آثار شایعه

اگر چه شایعه‌پراکنی در ظاهر کار بسیار آسانی به نظر می‌رسد و هر کس به راحتی می‌تواند شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی کند، اما آثار سوء و

۱. خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام (ابنا)؛ «اخلاق عملی "حسینی اخلاق در خانواده" در برابر شایعات و ترور شخصیت»؛ ۱۳۹۷/۰۵/۱۰

<http://fa.abna24.com/news۷۳۹۰۵۳>

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ ص ۴۵۸، ح ۱۷. امام علی علیه السلام در حدیث دیگری فرموده است: «الْأَشْرَارُ يَبْغُونَ مَسَاوِي النَّاسِ وَ يَتَرَكُونَ مَحَاسِنَهُمْ؛ اشرار و انسان‌های بدخو از پی بدی‌های مردم هستند و خوبی‌های افراد را نادیده می‌گیرند». عباس قمی؛ *سفینه البحار*؛ ج ۶، ص ۵۷۰.

مخرب و جبران‌ناپذیری را در جامعه به جای می‌گذارد. برخی از آثار زیانبار شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی عبارتند از:

۱. زمینه‌سازی قتل

گاهی پخش شایعه و رد و بدل کردن چند عبارت در ظاهر، موجب ریخته شدن خون بی‌گناهان می‌شود؛ برای مثال پس از حضور نیروهای حشدالشعبی در مناطق سیل‌زده ایران در ایام نوروز ۱۳۹۸ که به منظور امداد رسانی صورت گرفت، برخی سلب‌ریتی‌ها، جریان‌ات سیاسی آلوده و غریزه‌ده، با حضور نیروهای بسیج مردمی عراقی مخالفت کردند. جریان وابسته به ضدانقلاب خارج‌نشین نیز در راستای سیاه‌نمایی علیه حشدالشعبی با شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی به نام یک طلبه (که در عالم واقعیت، هویتی خارجی نداشت)، صفحه‌ای مجازی ساخته و به دروغ ادعا کردند یک روحانی، فتوای «جهاد نکاح» در خدمت حشدالشعبی برای زنان ایرانی را داده است! بعد از پخش این شایعه، بر دامنه انتقادات از حشدالشعبی در فضای مجازی افزوده شد. هنرپیشه‌ای نیز به این دروغ و شایعه جریان وابسته به ضدانقلاب دامن زد و با باز نشر صفحات مربوط، به عقده‌گشایی و تحریک احساسات عمومی پرداخت. رواج این شایعه و تحریک احساسات عمومی سبب شهادت مظلومانه روحانی متعهد حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی قاسمی همدانی گردید.^۱

۲. جابه‌جایی ارزش‌ها

گاهی دشمن به واسطه شایعه، ارزش‌ها را جابه‌جا می‌کند؛ یعنی «معروف» به جای «منکر» و «منکر» به جای «معروف» می‌نشیند تا آنجا

۱. خبرگزاری مشرق‌نیوز؛ «ردپای یک شبکه خزنه در شهادت مظلومانه طلبه همدانی»؛

که امام حسین علیه السلام با آن همه فضایل، «خارجی» و یزید شراب‌خوار و عیاش، «امیرالمؤمنین» لقب می‌گیرد.

در زمان حاضر نیز دشمن بسیار کوشید با رواج شایعات، جای «مظلوم» و «شهید» را با «ظالم» و «ستمگر» و «جلاد» جابه‌جا کند. از همین رو بود که مقام معظم رهبری هشدار داد و فرمود:

مراقب باشیم تا در دهه شصت، جای شهید و جلاد عوض نشود؛ زیرا ملت ایران در دهه شصت مظلوم واقع شد و به دلیل اینکه تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانان آنها به امام علیه السلام و ملت ایران ظلم و خباثت کردند، ملت در موضع دفاع قرار گرفت و در نهایت هم پیروز شد.^۱

(د) روش‌های مقابله

برای کنترل شایعه، می‌توان از شیوه‌های مختلفی استفاده کرد و خطرات این تهدید اجتماعی را کاهش داد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

۱. اطلاع‌رسانی‌های دقیق

مسئولان با عملکرد صحیح و اطلاع‌رسانی‌های دقیق، نقش مهمی در کنترل شایعات دارند و می‌توانند آن را مهار کنند.

۲. مراجعه به منابع مطمئن

عادت دادن مردم به استفاده از منابع مطمئن در مقابل شایعات، نقش مؤثری در کشف حقایق و خنثی‌سازی شایعات دارد و دشمنان را از رسیدن به اهداف شومشان مأیوس می‌گرداند. چنانچه در آیه ۶ سوره

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مراسم بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. ۹۶/۳/۱۴

حجرات تصریح شده است که اگر شخص فاسقی خبر برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید.

۳. آگاهی‌بخشی

آگاه کردن مردم نسبت به رویدادهای اجتماعی و نیز اطلاع‌رسانی سریع و صحیح، زمینه اعتماد متقابل میان دولت و ملت را فراهم می‌کند و ارائه منبع موثق اخبار اجتماعی از سوی دولت، زمینه بسیاری از سوءتفاهمات و اخبار نادرست را از بین می‌برد. برای مثال می‌توان شایعات را در صدا و سیما یا سایت‌ها و رسانه‌ها مطرح نمود و به آنها پاسخ داد. چنانکه هاشم بن عتبّه از همراهان امام علی علیه السلام به شایعه نماز نخواندن حضرت یا شرکت امام در قتل عثمان که در جنگ صفین مطرح شده بود، پاسخ داده و ضمن ایجاد فضا و زمینه آگاهی‌بخشی در برخی افراد، شایعه را نیز تا حدودی خنثی نمود.^۱

۴. تقویت اعتقادات و اخلاق جامعه

با آموزش معارف الهی و سخنان گهربار اهل بیت علیهم السلام می‌توان اعتقادات و اخلاق جامعه را تقویت نمود و تأثیر شایعات را در جامعه کاهش داد.

۵. اجرای حدود الهی

شایعه‌پراکنان، باید به دست قانون سپرده شوند تا طبق حکم خدا و قانون اسلامی با آنان رفتار شود.^۲

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)؛ ج ۵، ص ۴۲؛ نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین؛ ص ۳۵۳.

۲. احزاب: ۶۰ - ۶۲.

۶. پاسخ غیرمستقیم

گاهی پاسخ غیرمستقیم، می‌تواند درمان خوبی برای خشتی کردن شایعه باشد. روش زیبای خطیب مشهور، استاد محمد تقی فلسفی، با شایعه نمونه مناسبی در این زمینه است. ایشان در خاطراتش می‌نویسد:

من زمانی به دلیل سابقه مبارزاتم با حزب توده و نام نبردن از مصدق در منابر، در معرض تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا قرار گرفتم. مخالفین من نامه‌ای اعتراض‌آمیز برای آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله ارسال و به ایشان اعتراض کردند که چرا از فلانی حمایت می‌کنید، در حالی که دخترهایش در کاباره‌ها می‌رقصند! آقای بروجردی از این نامه سراسر تهمت بسیار ناراحت شدند؛ زیرا می‌دانستند که من در آن زمان چهار فرزند پسر و تنها یک دختر دارم که آن هم چهار یا پنج ساله است. ایشان نامه را برایم فرستادند و فرمودند آن طور که صلاح می‌دانید در یکی از سخنرانی‌های خود که از رادیو پخش می‌شود، به نحوی مناسب آن را تکذیب کنید. من که نمی‌خواستم به مردم بگویم چنین نامه‌ای نوشته شده است، موضوع را به گونه‌ای مطرح کردم که کسانی که این شایعه را شنیده‌اند و یا خواهند شنید، به بطلان آن واقف شوند (دیگران هم که این شایعه را شنیده‌اند، باخبر نشوند). در آن منبر گفتم: تربیت فرزند اهمیت بسیار دارد، اما تربیت فرزند دختر و حفظ او از انحراف اخلاقی به مراتب سخت‌تر از تربیت پسر است و این مطلب را من نمی‌توانم آن‌طور که باید درست بفهمم؛ زیرا تنها یک دختر خردسال دارم و می‌دانم مراقبت از دخترانی که به سن بلوغ رسیده و وارد اجتماع شده‌اند، برای پدران و مادران چقدر مشکل است. شما باید این را از والدینی پرسید که دختران در سنین

بلوغ دارند تا واقف به سختی‌ها و مشکلات تربیت آنها گردند...
بدین ترتیب آن شایعه را تکذیب کردم.^۱

هـ) نقش شایعه در ترور شخصیت امام حسین (علیه السلام)

در حماسه عاشورا نیز دشمن از حربه شایعه به طور گسترده بهره برد؛ چنانکه گفته‌اند مظلومیت امام حسین (علیه السلام) از لحاظ ترویج شایعات و ترور شخصیت حضرت، مهم‌تر از شهادت جسم او و پایمال شدن زیر سم اسبان است. دشمن از این ابزار روانی چنان بهره برد که مردم غافل را در مقابل امام حسین (علیه السلام) به نحو گسترده‌ای بسیج کرد. استفاده از شخصیت‌های تأثیرگذار همچون عمر بن سعد، شریح قاضی و ...، رواج شایعات گوناگون و نشر دروغ‌های پی در پی، تأثیر فراوانی در شهادت آن حضرت داشت.

روش دشمن در تمامی جنگ‌های ناجوانمردانه‌اش، بهره‌گیری از حربه خطرناک شایعه‌سازی است. در همین راستا شایعه خارجی^۲ بودن را مطرح کردند و عمرو بن حجاج، خطاب به لشکر نفاق فریاد زد: «لَا تَرْتَابُوا فِي قَتْلِ مَنْ مَرَّقَ مِنَ الدِّينِ وَخَالَفَ الْأَمَامَ»^۳ برای کشتن کسی (حسین) که از دین خارج شده و با امام (یزید) به مخالفت برخاسته، به خود تردیدی راه ندهید».

تأثیر این شایعه تا آنجا بود که در روز روشن و مقابل چشم مردم، اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به کوچه و بازار آوردند و به آنها تهمت «خارجی»

۱. عبدالکریم پاک‌نیا؛ *خاطرات ماندگار از خوبان روزگار*؛ ص ۱۱۱.

۲. «خارجی» یعنی کسی که علیه امام عادل خروج می‌کند.

۳. ابومخنف لوط بن یحیی؛ *وقعة الطف*؛ ص ۲۲۴.

زدند و گفتند: «أَتَوْا بِرَأْسِ خَارِجِيٍّ خَرَجَ عَلَى يَزِيدَ»^۱ سر یکی از خارجی‌ها را که بر یزید خروج کرده است آورده‌اند». این‌گونه بود که دشمن از همه ابزارهای تبلیغاتی خود برای مقابله با حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، استفاده کرد و فضایی را به‌وجود آورد که زمینه را برای کشتن فرزند رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهیا نمود. در حقیقت رسانه‌های مخالف اهل‌بیت علیهم‌السلام، ترور شخصیتی را مقدم بر ترور فیزیکی کرده و موفق به نگارش تاریخی وارونه شده بودند که در آن نامی از امام حسین علیه‌السلام و خانه‌ای که او در آن زاده شده بود، نبود. همه این پیروزی‌های رسانه‌ای برای بنی‌امیه، به یمن سازش خواص خائن و سکوت خواص بی‌بصیرت و بی‌تفاوت بود.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۵، ص ۱۱۴.

راهکارهای افزایش آستانه تحمل

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی آزادیان*

اشاره

یکی از موضوعات مهم روانشناسی بازشناسی، کنترل و مقابله با هیجان‌هاست. امروزه تحمل افراد جامعه، رو به افول بوده و پرخاشگری و ناراحتی‌های روانی گسترش یافته است. شاهد بر این امر، روند رو به رشد آمار طلاق، نزاع‌های خیابانی و افزایش جرم است. اسلام نیز درباره کنترل صحیح خشم، روش‌های علمی و اخلاقی را ارائه نموده و به منظور کاهش ناهنجاری‌ها، افزایش آستانه تحمل را سفارش نموده است؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است: «حَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَ أَلْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ وَ كَظْمِ الْغَيْظِ وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ»^۱ خدایا! مرا به زیور صفات خوب نیکوکاران آراسته کن و لباس زیبای پرهیزگاران را به من بپوشان تا به گسترش عدل و فرو بردن خشم خود و اصلاح میان مردم پس از آتش غیظ پردازم». در

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. علی بن الحسین علیه السلام؛ صحیفه السجادیة؛ ص ۹۶.

این نوشتار، لزوم مدیریت خشم و راهکارهای افزایش آستانه تحمل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) بایستگی مدیریت خشم

اگر چه اسلام در موارد بسیاری، خشم را نکوهش کرده است، اما در مواردی نیز آن را ستوده است؛ زیرا برخی غضب‌ها، هدف مقدسی را دنبال می‌کند و برای رویارویی با کار خلافی به وجود می‌آید. چنین غضبی مقدس است،^۱ اما خشمی که منشأ بسیاری از شرارت‌ها، حوادث تلخ و خسارات فراوان است، خشم ناپسندی است که اسلام آن را نکوهش کرده و به انسان یادآوری می‌کند که باید آن را کنترل کند.

جان مارشال ریو در تقسیم‌بندی خشم می‌نویسد:

خشم اگر چه در بسیاری از موارد مفید نیست، ولی همچون ویژگی‌هایی که در وجود آدمی نهاده شده است، نوع مفید نیز دارد. خشم مفید یا خشم مقدس از نظر تکاملی نیرو را در جهت دفاع از خود یا از کسی که به او عشق می‌ورزیم، بسیج می‌کند؛ دفاعی که ویژگی آن، تحمل و بردباری است.^۲

متأسفانه امروزه با کاهش آستانه تحمل افراد، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش یافته است تا آنجا که ۳۰ درصد از قتل‌ها در جریان نزاع رخ

۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۳، ص ۹۷.

۲. طاهره الهی و دیگران؛ «خشم در نگاه اسلام و روانشناسی؛ کظم غیظ چیست؟ سرکوب خشم یا مدیریت آن»؛ مجله علمی ترویجی معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۹۲، آذر ۱۳۹۲، ص ۳۱ - ۴۶.

می‌دهد. «عصبانیت» دلیل اصلی بسیاری از قتل‌هاست. متهمی می‌گوید: من زنم را کشتم، اما نقشه‌ای برای این کار نداشتم. روز حادثه سر موضوعی ساده با هم مشاجره کردیم. زنم به سمت من حمله کرد و من هم نتوانستم خودم را کنترل کنم. با چاقو و از سر عصبانیت او را کشتم.^۱

برای جلوگیری از چنین جرایمی است که اسلام به افزایش تحمل و سعه صدر سفارش نموده است: «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»^۲ همان‌ها که خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم در می‌گذرند». امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا [خَيْرٍ] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ»^۳ بر شما باد به صبر، شکیبایی ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون تحمل چونان بدن بی‌سر است و ارزشی ندارد». صد هزاران کیمیا حق آفرید کیمیایی همچو صبر آدم ندید^۴

(ب) راهکارهای مدیریت خشم

۱. آموزش مهارت کنترل خشم

یکی از راهکارهای کنترل خشم، آموزش چگونه مهار کردن آن است. مهار خشم، از جمله مهارت‌هایی است که فرد باید در محیط خانواده،

۱. جام جم آنلاین؛ «دست‌هایی که ناخواسته خون‌آلود می‌شود»؛ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱.

<http://jamejamonline.ir/online/۱۶۹۱۴۰۷۵۵۳۳۶۵۸۵۴۴۷۹>

۲. آل عمران: ۱۳۴.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۸۲، ص ۴۸۲.

۴. جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر سوم، بیت ۱۸۵۳.

مدرسه و ... آموزش ببیند تا هنگام برخورد با موقعیت بحرانی، بتواند خشم را مدیریت کند. نتیجه آموزش ندادن چنین مهارتی، چیزی جز تسلط خشم بر قدرت عقل و تفکر نیست. نیم‌نگاهی به پرونده‌های جنایی مختلف، گویای آن است که بیشتر قتل‌ها ناشی از یک لحظه خشم و ناتوانی در کنترل آن است.^۱ متهمی می‌گوید:

روز حادثه، مقتول همراه دوستش در پمپ بنزین بود و پس از سوختگیری، زمانی که می‌خواست از جایگاه خارج شود، به دلیل اینکه خودروی دیگری در پمپ جلویی مشغول سوختگیری بود، با لحن تندی از من که پشت سرش قرار داشتم، خواست مقداری عقب‌تر بروم تا بتواند از پمپ بنزین خارج شود. همین عصبانیت در لحن او باعث شد تا من و همراهانم هم عصبانی شویم و پس از آن درگیری لفظی پیدا کردیم. پس از سوختگیری، خودروی آنها را تعقیب کردیم تا یکی از سرنشینان آن را به قتل رساندیم.^۲

این در حالی است که رهبران دینی ما به دلیل داشتن مهارت، خشم خود را به درستی مدیریت می‌نمودند. درباره کنترل خشم مرحوم کاشف الغطاء می‌گویند:

ایشان روز عید فطر با هزاران نفر نماز عید را در صحن مطهر امیرمؤمنان علیه السلام خواند. فقیری دل شکسته به محضر او آمد و اظهار حاجت کرد و گفت: «چیزی از فطریه به من بده که سخت محتاجم».

۱. پایگاه خبری آفتاب‌نیوز؛ «قتل همسر به دلیل یک لحظه عصبانیت»؛ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳.

<https://aftabnews.ir/fa/news/۵۰۸۰۵۲>

۲. جام جم آنلاین؛ «دست‌هایی که ناخواسته خون‌آلود می‌شود»؛ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱.

<http://jamejamonline.ir/online/۱۶۹۱۴۰۷۵۵۳۳۶۵۸۵۴۴۷۹>

ایشان فرمود: «من تمام فطریه‌ها را به مستحقان آن دادم و اکنون از آن پول چیزی نزد من نیست». نیازمند عصبانی شد و آب دهان خود را به روی آن مرجع بزرگ انداخت. کاشف الغطاء آب دهان آن مرد را به صورت و محاسن خود مالید. آنگاه برخاست و عبا را از دوش خود برداشت و روی به جانب نمازگزاران کرد و گفت: «هر کس مرا دوست دارد، به اندازه وسعش در این عبا پول بریزد». سپس در صف نمازگزاران گشت و برای آن فقیر کمک قابل توجهی از مردم گرفت و به فقیر داد.^۱

۲. شناخت آموزه‌های دینی

علمای اخلاق درباره درمان علمی خشم گفته‌اند: «بهتر است با آسیب‌های خشم و آثار مفید کنترل آن آشنا شویم و این دو امر از طریق آیات و روایات حاصل می‌شود؛ چنانکه در روایات تصریح شده است که غضب، کلید فتنه‌هاست.^۲ امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۳ هیچ بنده‌ای خشم خود را فرو نخورد، مگر اینکه خداوند عزوجل بر عزت او در دنیا و آخرت افزود».

اگر مردم با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا شوند، آمار نزاع و درگیری‌های خیابانی کاهش می‌یابد؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا... غَضِبَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّاسِ» هر کس در هنگام

۱. حسین انصاریان؛ عرفان اسلامی؛ ج ۱۰، ص ۶۰ - ۶۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۰۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۸۴.

۴. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۸، ص ۴۱۷.

خشم مالک نفس خویش باشد، خداوند بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد کرد». در برخی روایات، مدیریت خشم از لذت‌بخش‌ترین لحظاتی است که امامان علیهم‌السلام از آن به عنوان روشنی چشم یاد می‌نمایند. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «پدرم امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: پسر! هیچ چیز مانند عصبانیتی که با صبر پایان می‌پذیرد، چشم پدرت را روشن نمی‌کند».^۱

کنترل خشم امنیت خشم خدا را نیز در پی دارد. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «در کتاب تورات در ضمن مناجات خدای عزوجل با موسی علیه‌السلام آمده است: ای موسی! خشم خود را از کسی که تو را بر او مسلط ساخته‌ام، بازگیر تا خشم خود را از تو بازگیرم».^۲ از سوی دیگر اسلام به منظور جلوگیری از پیامدهای خشم، آن را نکوهش کرده است. امام علی علیه‌السلام فرموده است: «بِئْسَ الْقَرِينُ الْغَضَبُ يُبْذِي الْمَعَايِبَ وَيُذْنِي الشَّرَّ وَيُبَاعِدُ الْخَيْرَ»^۳ خشم، همنشین بسیار بدی است: عیب‌ها را آشکار، بدی‌ها را نزدیک و خوبی‌ها را دور می‌کند». امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده است: «لَيْسَ مِمَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ»^۴ کسی که هنگام خشم خوددار نباشد، از ما نیست». اگر انسان بتواند در آن لحظه خطرناک صبر پیشه کند، شیرینی آن تا آخر عمر در کامش خواهد ماند؛ وگرنه تا آخر زندگی در آتش ندامت خواهد سوخت، همان‌گونه که امروزه برخی در هنگام خشم به عواقب آن نمی‌اندیشند و سپس در حسرت می‌سوزند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی؛ *عیون الحکم و المواعظ*؛ ص ۱۹۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. شناخت پیامدهای خشم

یکی از راهکارهای مهم مدیریت خشم، آشنایی با پیامدهای نزاع است. بسیاری از افراد از پیامد دنیوی و اخروی رفتار و گفتار خود، بی‌خبر یا غافلند و بی‌پروا به ناسزاگویی و زد و خورد می‌پردازند. بیشتر افراد پس از پایان درگیری که با عواقبی چون ضرب و شتم یا قتل عمد مواجه می‌شوند، بشدت پشیمان می‌شوند. طبق برخی گزارش‌ها در سال ۹۵، تعداد ۶ هزار و ۹۲۸ نفر به علت صدمات ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کردند که از این تعداد، ۲ هزار و ۵۹۵ نفر، زن بوده‌اند. تعداد این نزاع‌ها می‌تواند بسیار بیشتر از این عدد باشد؛ زیرا بسیاری از افراد به دلایل مختلف به پزشکی قانونی مراجعه نمی‌کنند. بر اساس آمارهای سازمان اورژانس کشور در سال ۹۵، حدود ۲۷ درصد تماس‌ها به علت نزاع بوده است.^۱

به راستی چرا انسان لحظه‌ای به عواقب خشم نمی‌اندیشد؛ خشمی که اگر کنترل نشود، همچون پرده‌ای عقل را می‌پوشاند، منشأ رفتار و گفتار نابخردانه می‌شود و عواقب جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد.^۲ امام علی علیه السلام فرموده است: «الْعُصْبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ وَيُيْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ»^۳ خشم عقل آدمی را فاسد و انسان را از کار صحیح دور می‌سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «الْعُصْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ»^۴ غضب ایمان را فاسد کند؛ چنانکه سرکه عسل را.

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ «تهران رکورددار نزاع»؛ ۱۳۹۷/۰۵/۳۱

<https://www.irna.ir/news/۸۳۰۰۸۸۸۸>

۲. جام جم آنلاین؛ «دست‌هایی که ناخواسته خون‌آلود می‌شود»؛ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱

<http://jamejamonline.ir/online/۱۶۹۱۴۰۷۵۵۳۳۶۵۸۵۴۴۷۹>

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۷۳.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲ ص ۳۰۲.

۴. آشنایی با سیره معصومین علیهم‌السلام و عالمان دینی

کنترل خشم، از آموزه‌های مهم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برخورد با مصیبت، کینه‌توزی و دشمنی‌ها، خشم خود را مدیریت می‌نمود و حتی در برخورد با سخنان ستیزگرانه دیگران، چنان طبعی دلسوز با آنان مواجه می‌شد. ائمه علیهم‌السلام نیز در برخورد با زخم‌زبان و دشنام‌ها، خشم خود را مدیریت می‌نمودند. در سیره رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نقل از امام علی علیه‌السلام آمده است که آن حضرت هرگز برای امور دنیا عصبانی نمی‌شد؛ اما هر گاه برای حق غضبناک می‌شد، خشمش تمام نمی‌شد تا اینکه حق را یاری کند.^۱

البته کنترل خشم یک‌باره حاصل نمی‌شود و به خردورزی و توجه و روش‌هایی برای جریمه و نذر نیاز دارد؛ چنانکه آیت الله العظمی بروجردی نذر کرده بود که اگر خشم و عصبانیت خود را کنترل نکند، یک سال روزه بگیرد. یک روز، هنگام مباحثه علمی با یکی از شاگردان خود، به خاطر اینکه آن شاگرد مطالب غیرمنطقی و بی‌ارتباط با موضوع بحث می‌گفت، طاقت نیاورد و نسبت به او تنیدی نمود. در اینجا بود که نذرش شکسته شد. آنگاه یک سال روزه گرفت تا نذر خود را ادا کند.^۲

۵. ایمان‌افزایی

یکی دیگر از راه‌های کنترل خشم، ایمان به خداست؛ زیرا انسان مؤمن باور دارد که رخدادهای تلخ و شیرین، در راستای مصلحت بنده است.

۱. احمد نراقی؛ معراج السعاده؛ ص ۲۲۶.

۲. جمعی از نویسندگان؛ زبان بایدها و نبایدها؛ ص ۱۱۴.

مبارزه با رذایل اخلاقی مانند خشم نیز وظیفه هر انسانی است. این باور که خدا همواره ناظر زندگی است، سبب می‌شود آدمی بتواند در برابر رخدادهای ناگوار، صبر کرده و خشم خود را کنترل کند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ»^۱ صبر میوه ایمان است. وقتی انسان در تنگنا قرار می‌گیرد، تنها چیزی که به او آرامش می‌دهد، ذکر خداست: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲. قلبی که به درجه اطمینان رسیده باشد، خشم خویش را مدیریت می‌کند.^۳ چنانکه امام حسین علیه السلام پس از شهادت علی اصغر، خون گلوی او را به آسمان پاشید و فرمود: «هَوْنٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ»^۴ این مصیبت‌ها بر من آسان است؛ زیرا خداوند شاهد آن است.^۵

۶. سکوت

یکی از راه‌های افزایش تحمل، سکوت است، زیرا ممکن است انسان هنگام خشم، حرف‌های غیرمنطقی بزند؛ بنابراین بهتر است سکوت کند. فریاد و دشنام هنگام خشم، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه سبب جبهه‌گیری علیه دیگری شده، دل‌سردی را افزایش می‌دهد. این در حالی است که چند لحظه سکوت می‌تواند مشکلات را حل کند و

۱. علی بن محمد لیشی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۵۰.

۲. رعد: ۲۸.

۳. داوود معماری و رسول زمردی؛ «خشم و مدیریت آن در قرآن کریم»؛ فصلنامه سراج منیر؛ دوره ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۱۵ - ۱۳۶.

۴. ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ ص ۱۱۷.

۵. همان، ص ۱۶۹.

مانع رخدادهای ناگوار شود. از این روست که رسول‌خدا ﷺ فرموده است: «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ».^۱

در روایت آمده است:

روزی یکی از بستگان امام سجاد ﷺ در حضور جمعی، سخنان نامناسبی به امام ﷺ گفت. امام ﷺ سکوت کرد، سپس آن شخص رفت. حضرت به حاضران فرمود: «آنچه را این مرد گفت، شنیدید و من دوست دارم که همراه من بیایید و نزد او برویم، تا جواب او را بدهم». حاضران با امام سجاد ﷺ رهسپار شدند، اما امام ﷺ در راه بارها می‌فرمود: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ».^۲ حاضران فهمیدند که حضرت پاسخ درشت به او نخواهد داد. با آن حضرت حرکت کردند تا به منزل آن مرد رسیدند. او را صدا زدند و او از خانه خارج شد. امام ﷺ به او فرمود: «ای برادر! اگر آنچه به من نسبت دادی در من وجود دارد، از درگاه خدا طلب آمرزش می‌کنم و اگر در من نیست، از خدا می‌خواهم که تو را ببخشد». آن مرد سخت تحت تأثیر امام ﷺ قرار گرفت و بین دو چشم امام ﷺ را بوسید و عرض کرد: «بلکه من سخنی به تو گفتم که در تو نبود و من سزاوار به آن سخن هستم».^۳

به این ترتیب امام سجاد ﷺ درس بردباری و حفظ رابطه خویشاوندی و کنترل خشم را به ما آموخت.

۱. محمد بن محمد شعیری؛ جامع الأخبار؛ ص ۱۶۰.

۲. آل عمران: ۱۳۴.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۴۵.

۷. مدیریت زبان

یکی از روش‌های کنترل خشم، پرهیز از دشنام دادن و توهین کردن است؛ زیرا این امر زمینه بسیاری از نزاع‌ها را فراهم می‌کند. گاهی بدزبانی سرانجام به ضرب و جرح و حتی قتل منجر می‌شود؛ از این روست که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»^۱ با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید». در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «ابوذر غفاری در مواعظش مرتباً می‌گفت: ای طالب علم! این زبان، کلید خیر و شر است. پس همان‌گونه که بر درهم و دینارت قفل و بند می‌نهی، بر زبانت قفل و بند بگذار».^۲

وقتی انسان زبانش را کنترل نماید، به راحتی می‌تواند هر جا که لازم باشد، سکوت کند و آنجا که لازم باشد، سخن بگوید. امام علی علیه السلام فرموده است:

إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَارَاهُ^۳ زبان مؤمن در پس قلب او و قلب منافق از پس زبان اوست؛ زیرا مؤمن هر گاه بخواهد سخنی بگوید، نخست می‌اندیشد و اگر نیک بود، می‌گوید و گرنه پنهانش می‌کند؛ در حالی که منافق آنچه بر زبانش آمد، می‌گوید و نمی‌داند چه به سود او و چه چیز به ضرر اوست.

۱. حجرات: ۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۱۷۶، ص ۲۵۳؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۶۸، ص ۲۹۲.

هم‌چنین فرموده است: «وَلِنْ لِمَنْ غَالَطَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِيَنَّكَ:» با کسی که با تو به درشتی برخورد کند، نرمی کن؛ چون به زودی او هم با تو نرمی خواهد کرد».

طبق آمار پلیس، ۲۴ درصد از درگیری‌ها و نزاع‌ها به علت توهین کردن افراد به یکدیگر است.^۲

۸. عفو و گذشت

عفو و گذشت، از صفات پسندیده‌ای است که خدا آن را از اوصاف مؤمنان معرفی نموده است: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»^۳ کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها خود را دور می‌دارند و چون به خشم می‌آیند، می‌گذرند». رسول‌خدا ﷺ نیز در سفارش به گذشت فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا»^۴ بر شما باد به عفو؛ عفو و گذشت زیاد نمی‌کند مگر عزت را، پس گذشت کنید تا عزیز شوید».

در عصر زعامت مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی^۵ در شبی از شب‌ها که ایشان در نجف اشرف نماز مغرب و عشا را به جماعت می‌خواند، شخصی بین دو نماز فرزند ایشان را به شهادت رساند. این پیرمرد هفتاد ساله وقتی از شهادت فرزند باخبر

۱. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۸۲.

۲. پایگاه خبری تحلیل پارسینه؛ «آمار تکان‌دهنده از نزاع‌های خیابانی در تهران»؛

۱۳۹۴/۰۹/۲۹

<https://www.parsine.com/fa/news/۲۶۶۲۹۵>

۳. شوری: ۳۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۰۸.

شد، به قدری بردباری و صبوری و بزرگواری از خود نشان داد فرمود: «لا حول ولا قوّة إلاّ بالله» و بلند شد، نماز عشا را خواند و قاتل فرزند را هم مورد عفو و بخشش قرار داد.^۱

متأسفانه امروزه برخی هنگام خشم به جای گذشت، در صدد انتقام جویی بر می آیند و آن را امری بزرگ می دانند؛ در حالی که امام صادق علیه السلام کنترل خشم را نشانه بزرگی دانسته و فرموده است: «ثَلَاثُ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ سَيِّدًا كَظُمُ الْغَيْظِ وَالْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ وَالصَّلَاةُ بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ»^۲ سه چیز است که در هر که باشد آقا و سرور است: خشم فرو خوردن، گذشت از بدکردار، کمک و صله رحم با جان و مال. امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «بهترین مردم کسی است که اگر او را به خشم آورند، بردباری نماید و چنانچه به او ظلم شود، ببخشايد و چون به او بدی شود، خوبی کند».^۳

در واقع گذشت، روش درست مقابله با خشم است. بالعکس هر رفتاری که از سر لجبازی صادر شود، سبب تحریک بیشتر خشم طرف مقابل می شود و فرصت های جبرانی را دشوارتر می کند. امام علی علیه السلام فرموده است: «با انسان خشمگین لجبازی نکن؛ زیرا با لجبازی او را تحریک می کنی، ولی به صحت و درستی باز نمی گردانی».^۴

۹. استعانت از عبادت

از دیگر راهکارهای کنترل خشم، استعانت از ذکر و عبادت به ویژه نماز

۱. رضا مختاری؛ سیمای فرزنانگان؛ ص ۲۷۳.

۲. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۱۷.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۸۵.

۴. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۲۷۹.

است. عبادت، سبب منصرف شدن حواس انسان از محرک‌های غضب، توجه به خداوند شده و تفکر در مورد عواقب دنیوی و اخروی غضب و مذمت‌های آن می‌شود. از همین روست که برخی علما اشتغال به ذکر خدا در هنگام غضب را واجب می‌دانند^۱ و مؤمنان همواره جهت تحمل مشکلات و استقامت، به بهره‌جویی از نماز دعوت شده‌اند: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۲ و از صبر و نماز کمک بگیرید و این کار جز برای خاشعان، گران است». امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

هر گاه یکی از شما با غمی از غم‌های دنیا رو به رو شد، وضو بگیرد و به مسجد رفته، دو رکعت نماز بخواند و در حال نماز دعا کند. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: از صبر و نماز کمک بگیرید.^۳
باد خشم و باد شهوت باد آرزو برد او را که نبود اهل نماز^۴

۱۰. تغییر حالت دادن

تغییر محیط و وضعیت، از دیگر روش‌های کنترل خشم است. هنگام خشم باید از محل توقف خارج شد و تغییر حال داد؛ چنانکه در روایات نیز آمده است اگر شخص عصبانی نشسته، بایستد و اگر ایستاده بنشیند و صورت از آن صحنه برگرداند یا دراز بکشد و یا خود را به کار دیگری مشغول نماید. امام باقر (علیه السلام) فرموده است:

۱. سید روح الله موسوی خمینی؛ چهل حدیث؛ ص ۱۴۰.

۲. بقره: ۴۵.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۸۸، ص ۳۴۱.

۴. جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول بیت ۳۷۹۶.

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَمَا يَرْضَى أَبَدًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ فَإِنَّمَا رَجُلٌ غَضِبَ عَلَى قَوْمٍ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ مِنْ قَوْمِهِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ^۱

همانا مرد خشمگین می‌شود تا جایی که هرگز خشم او فرو نمی‌نشیند و خشنود نمی‌گردد و در اثر آن وارد جهنم می‌گردد. پس هر مردی که در حال ایستاده به خشم آمده، بنشیند؛ زیرا در این صورت به زودی پلیدی شیطان بیرون می‌رود و اگر نشسته، باید بایستد.

۱۱. وضو گرفتن

هنگام خشم حرارت بدن انسان بالا می‌رود و موجب سرعت گردش خون و کاهش قدرت تفکر می‌شود. در این مرحله، نوشیدن آب خنک یا شستن صورت با آب سرد، از شدت خشم می‌کاهد، موجب پایین آمدن حرارت بدن می‌شود و انسان فرصت می‌یابد به عواقب ستیزه‌جویی و خشونت‌طلبی بیندیشد. از این روست که در روایات به شستن دست و صورت و رساندن آب بر بدن تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ بِالْمَاءِ عِنْدَ الْغَضَبِ فَإِنَّمَا الْغَضَبُ مِنَ النَّارِ^۲» هنگامی که یکی از شما خشمگین شد، پس وضو بگیرد؛ زیرا غضب از آتش است». شاید سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به این علت است که خشم آتشی است که از درون انسان بر می‌خیزد و آثارش در ظاهر انسان نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که کمتر عضوی از اعضای بدن است که تحت تأثیر آن واقع نشود. از این رو حرارت این آتش، اعضای بدن را فرا می‌گیرد و آنها را می‌آزارد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۰۲.

۲. ورام بن ابی‌فراس؛ تنبیه الخواطر و نزهة الناظر؛ ج ۱، ص ۱۲۳.

مدیریت زمان از نگاه قرآن

زهرا رضائیان*

اشاره

عمر، فرصتی است که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است تا در این فاصله زمانی بتوانند قابلیت‌ها و استعدادهای ذاتی خود را شکوفا سازند و با قرار گرفتن در برابر امتحان‌های الهی، گوهر انسانی خویش را محک بزنند. سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام، بهترین الگوی مدیریت زمان بر اساس آیات قرآن است. در این مجال ارزش وقت و زمان، راهکارهای مدیریت آن و نیز موانعی که در مسیر این مدیریت وجود دارد، از دیدگاه قرآن بررسی می‌شود تا بتوانیم با برنامه‌ریزی صحیح، برنامه‌ای مدون برای لحظه‌های زندگی داشته باشیم.

ارزش وقت از دیدگاه قرآن

ارزش وقت و زمان در اسلام تا آنجاست که خداوند به آن سوگند یاد نموده^۱ و نیز در آیه دیگری فرموده است:

* دانش‌آموخته جامعه الزهراء علیها‌السلام و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتًا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ^۱ [باید ترسید از آن روزی که انسان بیهوده‌گرا] بگوید افسوس بر من از افراط‌کاری و کوتاهی‌هایی که در راه اطاعت خدا نمودم.

وقتی انسان در عرصه محشر نتیجه تفریط‌ها، مسامحه‌کاری‌ها، خلاف‌کاری‌ها و حتی شوخی گرفتن مسائل جدی را در برابر چشم خود می‌بیند، فریاد و احسرتا سر می‌دهد؛ اما دیگر زمان جبران را از دست داده و هرگز به دنیا باز نمی‌گردد تا بتواند از عمری که در اختیارش قرار داده بودند، برای قرب به خدا بهره ببرد.^۲

خداوند در سوره «عصر» پس از سوگند بر وقت و زمان، از زیانکار بودن انسان که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است، سخن به میان آورده؛ زیرا با مدیریت نکردن بزرگ‌ترین سرمایه خود، یعنی عمر و زندگی در دنیا، آن را به بیهودگی هدر داده است.^۳ تنها یک گروه از این اصل کلی استثنا می‌شوند: کسانی که چهار برنامه ایمان، عمل صالح، سفارش یکدیگر به حق و سفارش یکدیگر به صبر را در زندگی خود اجرایی می‌کنند. این چهار ضابطه، برنامه چهار ماده‌ای خوشبختی انسان است که اگر آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کند، در حقیقت با مدیریت کردن لحظات زندگی و برنامه‌ریزی برای آن، عقب‌ماندگی‌هایش جبران شده، مشکلات و نابسامانی‌هایش حل شده و ضعف‌ها و شکست‌هایش به پیروزی بدل می‌شود.^۴

۱. زمر: ۵۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۵۱۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۴. ر.ک: محمد صادقی تهرانی؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة؛ ج ۳۰، ص ۴۴۰ و

۴۴۱؛ حسین خنیفر؛ مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش؛ ص ۶۴ - ۶۰.

مدیریت زمان و چگونگی انجام آن

زمان را می‌توان کنترل کرد؛ زیرا هر ساعت، یک ظرف زمانی است که باید بر حسب اولویت آن را پر نمود. مدیریت زمان، یعنی استفاده بهینه و مفید از زمان، طبق برنامه درست عمل کردن و پرهیز نمودن از کارها و رفتارهای واکنشی، پراکنده و ناسنجیده.

هر فرد باید با برنامه‌ریزی صحیح، کارهای مثبت خود را با تنظیم خاصی بین ساعات شبانه‌روز تقسیم کند و هر ساعت یا هر چند ساعت را برای انجام کاری قرار داده و به این برنامه و نظم ادامه دهد؛ چنانکه خداوند ساعات نماز و روزه را برای مسلمانان تعیین کرده و وجوب رفتار عبادی را مستلزم انجام در یک بستر زمانی خاص و مشخص دانسته است که هر فرد مسلمان باید آن را از نظر زمانی و وقتی محاسبه نموده و سر وقت آن را به انجام برساند.^۱ بنابراین آدمی نیز باید فعالیت‌ها، خواسته‌ها و نیازهای شخصی و خانوادگی خود را برنامه‌ریزی کند تا بتواند با رعایت تعادل میان فعالیت‌های شخصی، اجتماعی و نیازهای خود، زمان خود را مدیریت کند. هم‌چنانکه امام کاظم علیه السلام فرموده است:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمَنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِلْأَمْرِ
الْمَعَايِشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ
يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ^۲
سعی کنید اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم نمایید: زمانی

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۲۱.

۲. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۰۹.

برای مناجات با خدا و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایشان را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن خیرخواه شما هستند و زمانی برای بهره‌مندی از لذت‌های غیر حرام.

راهکارهای مدیریت زمان

الف) برنامه‌ریزی

قرآن برای استفاده بهینه از زمان می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ».^۱ بنا بر این آیه شریفه آدمی باید برای تمامی مراحل زندگی خود برنامه مشخص و مدونی داشته باشد تا از بیکاری که مایه خستگی، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی و نیز حتی مایه فساد و تباهی و ابتلای به انواع گناهان است، نجات یابد.^۲ برنامه‌ریزی در قیام امام حسین علیه السلام بسیار مشهود است. همراه کردن خانواده و اهل‌بیت علیهم السلام با خود و سپردن بخشی از مأموریت قیام به حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام برای رساندن پیام خود به گوش جهانیان و نیز دوراندیشی در شیوه‌های نظامی و آرایش جنگی، نمونه‌های بارز برنامه‌ریزی امام حسین علیه السلام در این قیام بزرگ است.^۳

۱. انشراح: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۷، ص ۱۳۰؛ وهبه زحیلی؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج؛ ج ۳۰، ص ۲۹۸.

۳. ر.ک: نظرعلی کوشکی، «درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین علیه السلام»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ششم، زمستان ۱۳۸۱، ص ۸۱ - ۹۸.

یکی از کسانی که برای تمامی ساعات زندگی خود برنامه داشته است، شهید ثانی است. این عالم وارسته برنامه منظمی برای مطالعه و تحقیق، عبادت و راز و نیاز با خدا، تدریس، رسیدگی به کارهای شخصی و تأمین نیازمندی‌های خانه و پاسخ‌گویی سؤالات مذهبی و شرعی مراجعه‌کنندگان داشته و اوقات شبانه روز خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کرده و از آن استفاده می‌برده که حتی یک لحظه از آن، بیهوده تباه نمی‌شده و به هدر نمی‌رفته است.^۱

(ب) تبعیت از برنامه

هر فردی که خواهان موفقیت است، باید برای تسلط بر لحظات خویش، ضمن داشتن برنامه برای کوچک‌ترین واحد زمان، راهکارهای ارائه شده در برنامه را نیز به دقت اجرا کند. خداوند برای پیشرفت قوم بنی اسرائیل، ابتدا از آنها پیمان گرفت و سپس راهکار رسیدن به آن را برنامه‌ریزی نمود و به آنان فرمود من با شما خواهم بود و شما را حمایت می‌کنم تا به سعادت حقیقی برسید، اما به شرط آنکه از این امور برنامه‌ریزی شده، تبعیت کنید.^۲

تبعیت امام خمینی علیه السلام از برنامه‌های مشخص خود، شهره عام و خاص است. قدم زدن ایشان در ایام جوانی همراه دوستانشان در باغ‌های اطراف قم و مباحثه با یکدیگر، برنامه همیشگی امام علیه السلام بود.

۱. ر.ک: جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم؛ گلشن/ابرار؛ ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. مائده: ۱۲: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ».

نیز ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۴، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

ایشان پس از کسب اجازه از صاحب باغ نزدیک منزل خود، تابستان و زمستان، صبح‌ها در این باغ تا طلوع خورشید قدم می‌زد و تا زمانی که در قم بودند، هیچ‌گاه ترک نشد.^۱

ج) اولویت‌بندی کارها

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مدیریت زمان، تعیین اولویت‌ها و پرداختن به مهم‌ترین کاری است که از اهمیت، کیفیت و کمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که قرآن می‌فرماید: «أَجْعَلْنُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ». ^۲ قرآن ایمان به خدا و آخرت و جهاد در راه خدا را مهم‌تر از آب رساندن به حجاج دانسته است؛ یعنی با اولویت‌بندی کارها، زمان را به درستی مدیریت نمود و ابتدا کارهایی را انجام داد که اهمیت بیشتری دارند. اگر انسان به کاری بپردازد که در اولویت نیست، در حقیقت زمان در اختیارش را ضایع کرده است.^۳

برای بهره‌وری بیشتر از زمان، باید کارهای مهم را از کارهای غیر مهم جدا کرد و انجام کارهای مهم را در اولویت قرار داد؛ زیرا موجب بالا رفتن کارایی برنامه روزانه و به تبع آن فعالیت‌های سالانه و جلوگیری از هدر رفتن زمان می‌شود. بار بازرگان چو در آب افتد دست اندر کاله بهتر زند

۱. علی دوانی؛ امام خمینی (ره) در آینه خاطره‌ها؛ ص ۵۶.

۲. توبه: ۱۹.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

چون که چیزی فوت خواهد شد در آب ترک کمتر گوی و بهتر را بیاب^۱

د) انجام به موقع کارها

یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در مدیریت زمان، به موقع انجام دادن کارها و پرهیز از شتاب زدگی و نیز سستی در انجام آن‌هاست. آیاتی که درباره قوانین الهی نازل شده، برای هر یک از اعمال عبادی زمان خاصی را مشخص کرده است، مانند زمان مشخص روزه گرفتن و زمان دقیق افطار و سحر، زمان دقیق ادای نمازهای واجب و ...، تا آن عمل در همان زمان انجام شود و بدین وسیله به پیروان خود دستور داده است که از زمان خود به صورت بهینه استفاده کرده و برنامه مدون و مشخصی را برای زندگی خود داشته باشند. انجام دادن کار پیش از زمان مناسب برای انجام آن و نیز سستی و کوتاهی در انجام کار در زمان مشخص شده، سبب به وجود آمدن مشکلات و خسارات بسیاری می‌شود. امام علی علیه السلام نیز به مالک اشتر دستور می‌دهد برای رسیدن به نتیجه مطلوب، هر کاری را در زمان خودش انجام دهد و در انجام کارها، سستی نکند.^۲

زمان‌شناسی و انجام دادن کار در زمان مناسب، انسان را زودتر به سر منزل مقصود می‌رساند؛ زیرا فرصت‌ها به سرعت از دست می‌روند و بازگشت به فرصت‌ها و امکان عمل مجدد، تقریباً غیرممکن است. از همین روست که امام حسین علیه السلام فرموده است: «نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ».^۳ از این سخن امام علیه السلام به دست می‌آید که در

۱. جلال‌الدین محمد مولوی؛ مثنوی معنوی، دفتر ۲، بیت ۱۵۰۸.

۲. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ نامه ۵۳.

۳. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۲، ص ۲۹.

بهره‌برداری از فرصت‌های خوب باید شتاب کرد و برای رسیدن به اهداف عالیه بر یکدیگر سبقت گرفت».

هـ) تداوم کار

یکی از ویژگی‌های فاخر کارآفرینان، استواری، استحکام، تداوم و شکست‌ناپذیری است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که خداوند درباره استواری و استقامت در انجام کار خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ».^۱ مهم‌تر از خود عمل، تداوم بخشیدن به آن است؛ زیرا ادامه و استمرار آن از آنجا که با موانع، سختی‌ها، کارشکنی‌ها، یأس‌آفرینی‌ها و وسوسه‌های شیطانی همراه است، اهمیت بیشتری دارد. خداوند نیز فرموده است: «قُرْؤَةً أَعْيُنٍ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».^۲ مداومت بر اعمال شایسته در دنیا، دارای ارج و پاداشی چشمگیر در پیشگاه الهی است.^۳ نماز اول وقت ظهر عاشورای امام حسین (علیه‌السلام) در آن شرایط سخت و نفس‌گیر، ضمن بیان اهمیت اقامه نماز اول وقت حتی در شرایط سخت میدان کارزار، بیانگر اهمیت و ارزش تداوم عمل صالح در نگاه آن امام همام می‌باشد.

پشتکار مثال‌زدنی علامه طباطبایی (رحمه‌الله) در انجام برنامه مشخص شده‌ای که برای خود چیده بودند، سبب تألیف یکی از بزرگ‌ترین تفاسیر قرآن با نام «المیزان فی تفسیر القرآن» شد. شکیبایی، تداوم در

۱. شوری: ۱۵.

۲. سجده: ۱۷.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۷، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

انجام کار و نظم علامه تا آنجا بود که میز کارش تا زمان رحلت برپا و همه چیز آماده ادامه مطالعه و بحث و نگارش بود.^۱

موانع مدیریت زمان

الف) استفاده نامناسب از فضای مجازی و رسانه‌ها

امروزه با پیشرفت تکنولوژی، لوازمی به زندگی انسان‌ها اضافه شده است که زمان بسیاری از عمر آدمی را به خود مشغول می‌کند. بی‌هدفی در استفاده از رسانه‌های اینترنتی، قاتل مهم فرصت‌هاست. حضور بیش از ۲۰ میلیون نفر ایرانی در شبکه اجتماعی تلگرام و استفاده بیش از ۹ ساعت از این شبکه‌ها، تماشای بیش از ۶۶/۵ درصد تلویزیون در روز، تماشای بیش از ۳۱/۴ درصد ماهواره در روز و متأسفانه اختصاص تنها ۱۲/۵ دقیقه در روز به مطالعه و عدم مطالعه کتب غیردرسی توسط ۵۹ درصد از مردم کشور، بیانگر آسیب جدی‌ای است که توسط این فضا و عدم مدیریت استفاده از آن در جامعه امروز ایرانی به وجود آمده است.^۲ امروزه سهم گفتگوی همسران با یکدیگر و با فرزندان بسیار کم شده است. زن و شوهر احتیاج دارند با یکدیگر و با فرزندان‌شان در مورد مسایل روزمره گفتگو داشته باشند، ولی استفاده از شبکه‌های مجازی سبب دوری اعضای خانواده از یکدیگر و رها شدن فرزندان در عالمی دیگر شده

۱. حسین خنیفر؛ مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش، ص ۲۰۷.

۲. ر.ک: مشرق‌نیوز؛ «آمار وضعیت کتابخوانی از زبان آقای وزیر»؛ ۱۳۹۷/۰۹/۰۳،

<https://www.mashreghnews.ir/news/۹۱۳۶۵۲>

مجله اینترنتی مددکاری اجتماعی ایران؛ «نگاهی کوتاه به آمار و ارقام آسیب‌های فضای

مجازی»؛ ۱۳۹۵/۰۴/۲۹. <http://www.socialwork2010.ir>

است. کاربری کنترل نشده فضای مجازی موجب شده نوجوانان، منزوی و دچار افت اخلاقی و پرخاشگری شوند و دیگر پدر و مادر را به عنوان دوست و رفیق خود ندانند و نیز تمایل به جنس مخالف داشته باشند.

ب) غفلت

یکی از عواملی که سبب درک نکردن ارزش عمر گرانبهاست، غفلت است که موجب خسران دنیا و آخرت می‌شود؛ زیرا غفلت ابتدا آدمی را به سوی هواپرستی و سپس مسیر انحراف از حق می‌کشاند و بدین سان سبب سقوط انسان می‌شود.^۱ هیچ انسانی دو نوبت به دنیا نمی‌آید تا یک بار امور جهان را آزمایش کند و دیگر بار تجربیات خود را به کار بندد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعُمْرُ أَنْفَاسٌ مُعَدَّدَةٌ»^۲ عمر، بازدم‌های شمرده شده و محدود است». هر نفسی که آدمی می‌کشد، در حقیقت پاره‌ای از عمر خود را سپری کرده است. مکن عمر ضایع به افسوس و حیف

که فرصت عزیز است و الوقت، سیف^۳

امام حسین علیه السلام در خطبه‌ای که صبح عاشورا خواند، فرمود: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ»^۴ [ای جمعیتی که در مقابل من جمع شده‌اید] شیطان قلب‌هایتان را تسخیر کرده که خدا را فراموش

۱. ر.ک: کهف: ۲۸؛ محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ج ۵، ص ۱۶۴.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۴۰.

۳. مصلح بن عبدالله؛ سعدی شیرازی؛ بوستان؛ باب نهم.

۴. محمد بن محمد مفید؛ مناسک المزار؛ ص ۹۳.

کرده‌اید». علت رویارویی سی هزار نفر با امام حسین علیه السلام، اعراض از یاد خدا بود. کسی که از یاد خدا غافل شده باشد، حق‌پذیر نیست و نمی‌تواند حق و باطل را از یکدیگر تشخیص دهد. عمر سعد و تمام کسانی که در لشکر وی مقابل امام علیه السلام ایستادند، بنا بر آیه شریفه قرآن خدا را فراموش کرده^۱ و اسیر هوا و هوس خود شده بودند که مقابل امام علیه السلام ایستادند.

ج) کسالت و تنبلی

سستی و تنبلی، عامل مهمی در سوءمدیریت زمان و نوعی بیماری است که لحظات عمر را تباه می‌کند: «أَفَةُ التَّجَحُّجِ الْكَسَلُ»^۲ آفت [و نابود کننده] کامیابی [و رسیدن به هدف]، سستی [و تنبلی] است». زشتی این صفت تا آنجاست که قرآن آن را از صفات منافقین دانسته است:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا

كُسَالَى يُزَاغُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا^۳ منافقان با خدا نیرنگ

می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند، با کسالت برخیزند، با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.

یکی از معضلات و چالش‌های امروز مردم و نسل جوان که برای آینده خود راه‌های نرفته زیادی را پیش‌رو دارند، تنبلی و سستی و بی‌ارادگی نسبت به برنامه‌هاست. ریشه این معضل از آنجایی آغاز می‌شود که این‌گونه افراد معمولاً هدفمند زندگی نمی‌کنند و برای

۱. حشر: ۱۹.

۲. علی بن محمد لثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۱۸۱.

۳. نساء: ۱۴۲.

زندگی و وقت خود، اهداف بلندمدت و میان‌مدت ندارند؛ به همین دلیل دچار چنین مشکلی می‌شوند. علاوه بر آن افراد عادی با قرار گرفتن در شرایط سخت و دشوار دچار سستی و تنبلی می‌شوند و برنامه‌های روزانه خود را به درستی انجام نمی‌دهند. حال آنکه امام حسین علیه السلام و یارانش در شب عاشورا و در شرایط سخت و دشوار به عبادت و دعا پرداختند، همچنین حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت نماز شب را ترک ننمود.

(د) عجله و شتاب

اگر چه سبقت در کار خیر و سرعت داشتن در آن، از صفات پسندیده، یکی از دستورات قرآن است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱ و کوتاهی و سستی در انجام آن، سبب تسلط شیطان بر آدمی و ترک عمل خیر می‌شود؛^۲ اما عجله و شتاب در انجام دیگر کارها بدون بررسی جوانب آن و آماده کردن زمینه و مقدمات آن، از صفات رذیله به شمار می‌آید: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^۳ و انسان [همان‌گونه که] خیر را فرا می‌خواند [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است». انسان عجل‌نمی‌تواند زمان‌بندی درست و صحیحی در مسائل داشته باشد؛ از این رو دچار مشکلات بسیاری می‌شود.^۴

در روایت نیز آمده است که مردی نزد رسول‌خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله! مرا سفارشی فرما و اندرزی ده. حضرت فرمود: اگر بگویم، تو اندرپذیر هستی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله این سؤال را سه بار از مرد

۱. مائده: ۴۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. اسراء: ۱۱.

۴. محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ج ۵، ص ۲۶.

پرسید و آن مرد در هر سه نوبت عرض کرد: آری یا رسول‌الله! سپس حضرت فرمود:

سفارش من به تو این است که هر گاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و فرجام آن کار بیاندیش [عجله نکن]. اگر عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر عاقبتش گمراهی است، از آن در گذر.^۱

هـ) تأخیر در انجام کارها

فرصت‌سوزی و کار امروز را به فردا انداختن، یکی از آفت‌های از دادن فرصت‌هاست. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از یارانش می‌نویسد: «باقی‌مانده عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس‌فردا؛ همانا پیش از تو کسانی هلاک شدند که روی آرزوها و تأخیر انداختن کارها ایستادند تا ناگهان امر خدا فرا رسید، در حالی که آنان غافل بودند».^۲

طرماح بن حکم یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام بود و در مسیری که امام به سوی کربلا و کوفه می‌رفت، با حضرت ملاقات کرد. در مقابل دعوت امام برای یاری‌اش، از آن حضرت جدا شد تا کارهایش را سر و سامان داده و سفارش‌های مالی‌اش را به سرانجام برساند، سپس به امام پیوندد؛ اما وقتی بازگشت که امام به شهادت رسیده و فرصت یاری امام را از دست داده بود.^۳

به فتراک ارهمی بندی خدا را زود صیدم کن
که آفت‌هاست در تاخیر و طالب را زیان دارد^۴

۱. حسن بن محمد دیلمی؛ اعلام‌الدین؛ ص ۲۳۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۳۶.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۶۹.

۴. شمس‌الدین محمد؛ حافظ شیرازی؛ دیوان غزلیات؛ به کوشش خطیب رهبر، غزل ۱۲۰، ص ۱۶۲.

نقش دین در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا*

اشاره

انحراف و ناهنجاری، سابقه دیرینه‌ای در زندگی بشر دارد. جوامع بشری همواره شاهد فرو رفتن افرادی در گرداب ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و تجارب تلخی از آسیب‌های آن در هدر رفتن سرمایه‌ها و نابسامانی خود و اجتماع دارند. بدین سبب، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حقوق‌دانان با توجه به تخصص‌های خود، راهکارهایی برای مقابله و پیشگیری از انحرافات به جوامع ارائه می‌دهند. نکته قابل تأمل آن است که آیا در این مقوله، دین هم می‌تواند نقشی ایفا نماید و آیا می‌توان از اهرم دین برای این امر بهره برد؟ لازم است قبل از تبیین رویکرد دینی به انحرافات اجتماعی، تصویر درستی از مفهوم ناهنجار اجتماعی ارائه شود.

معنای ناهنجار

واژه نابهنجار در برابر بهنجار قرار دارد. فرد بهنجار، کسی است که با

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش هم‌سازی داشته باشد.^۱ در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها را الگوهای استاندارد شده رفتار می‌گویند. این الگوها نشان‌دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب جامعه است.^۲ بنابراین هنجارهای اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان باید چه بگوید و از گفتن چه چیزهایی اجتناب ورزد، چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. از این رو هر کس سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد.^۳ قوانین، شیوه لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن، از جمله هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند.^۴

در روان‌شناسی اجتماعی، شخصی نابهنجار خوانده می‌شود که با ضوابط اجتماعی فرهنگی محیط پیرامون خود، سازگاری نیافته باشد و در روان‌پزشکی، کسی نابهنجار تلقی می‌شود که با خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش هم‌ساز نباشد.^۵

با توجه به اینکه جامعه مورد بحث، جامعه اسلامی است، بی‌گمان مقصود از ناهنجاری در این نوشتار، رفتاری است که بر خلاف انتظارات و هنجارهای مسلمانان باشد. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه‌های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می‌شود.

۱. باقر ساروخانی؛ درآمدي بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی؛ ج ۱، ص ۱.

۲. هدایت‌الله ستوده؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی؛ ص ۱۹.

۳. محمدحسین فرجاد؛ آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات؛ ص ۱۱-۱۲.

۴. همان، ص ۱۹.

۵. باقر ساروخانی؛ درآمدي بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی؛ ج ۱، ص ۱.

دین و ناهنجاری اجتماعی

اسلام به عنوان اجتماعی‌ترین دین، برنامه‌ای جامع در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی ارائه کرده است. بدیهی است آموزه‌های دینی هر اندازه ناب، الهام‌بخش و اثرگذار باشند، تا زمانی که به درستی فهم نشوند و به شایستگی در عمل نیایند، نمی‌توانند نقشی بیافرینند و اثری بر جای نهند. در این نوشتار به مواردی از کارکرد دین در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی اشاره می‌کنیم:

۱. حوزه فردی

مکتب‌های بشری معمولاً پشتوانه اخلاق را وجدان معرفی می‌کنند، اما تردیدی نیست که قدرت تمایلات نفسانی در انسان تا حدی است که وجدان معمولاً به تنهایی قادر به استقامت در برابر آنها نیست. تجربه‌های تلخ بی‌شمار، گویای آن است که انسان به راحتی وجدان خویش را تخریب کرده و ندای آن را به کلی از بین می‌برد، مگر اینکه نیروی وجدان، به نیروی برتر دیگری همچون ایمان به خدا و قیامت مجهز باشد. مهم‌ترین راهکارهای اسلام در حوزه فردی عبارتند از:

الف) خداباوری

از جمله آموزه‌های دینی، پذیرش خداوندی است که همه چیز در قدرت اوست. اعتقاد به خداوندی حاضر و ناظر بر خلوت و جلوت آدمی، عامل بازدارنده بسیار مهمی به شمار می‌آید. اگر این رهکارها در حوزه فردی استفاده شود، در عرصه‌های دیگر نیز جرم کاهش می‌یابد. قرآن مجید در موارد متعددی به این مسئله مهم اشاره کرده است:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

حَبْلِ الْوَرِيدِ: ^۱ ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم که نفس او چه

وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ او به او نزدیک‌تریم.

یار نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»: ^۲ خداوند همیشه

بر شما نگهبان است». وقتی این خدا‌باوری به مرز تقوا برسد، مصونیت

اجتماعی را به همراه می‌آورد. امام علی علیه السلام از تقوا به عنوان حرز ^۳ و

سپر و دژ محکم ^۴ یاد کرده است. آیا انسانی که شخصیت‌اش که با

چنین نگرشی شکل گرفته باشد، به آسانی به ناهنجاری‌ها تن می‌دهد؟

کدام دولت و حکومتی می‌تواند چنین نظارتی بر افراد جامعه داشته

باشد؟

نماز یکی از راهکارهای دین برای برون‌رفت از آسیب‌های

اجتماعی است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»: نماز را

برپا دار که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد». بر اساس این

آیه، خداوند اقامه نماز را به طور قطع و یقین، به عنوان عامل پیشگیری

از فحشا و منکرات معرفی کرده است. اگر چه نهی از فحشا و منکر،

سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت

شرایط، اثر بازدارندگی دارد. چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره جوان

۱. ق: ۱۶.

۲. نساء: ۱.

۳. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۱۹۱.

۴. همان، خطبه ۱۵۶.

۵. عنکبوت: ۴۵.

نمازخوانی که مرتکب گناه می‌شد، فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَّا فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ تَابَ»^۱ یک روز نمازش او را از گناه باز می‌دارد». چیزی هم نگذشت که آن جوان توبه کرد. رسم عاشق نیست با یک دل، دو دلبر داشتن

یا ز جانان یا ز جان بایست دل بر داشتن

نماز، سرعت‌گیر بزرگی است که حرکت شیطان‌ها را کند می‌کند و آنان را به خشم می‌آورد. این دشمن قسم‌خورده و ایادی او، تمام تلاش خود می‌کشند مانع «اقامه نماز» شوند تا راه‌های پیروی از هوی و هوس هموار شود: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا»^۲ آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی سزای گمراهی خود را خواهند دید».

(ب) معادباوری

اعتقاد به معاد با کارکردهایی که در فرد و جامعه دارد، می‌تواند مانع بسیاری از انحراف‌های جامعه شود. وجود ۱۴۰۰ آیه درباره معاد، بیانگر اهمیت این مسأله است. کسی که به روز قیامت اعتقاد داشته باشد، می‌داند رفتارش رنگ ابدی به خود می‌گیرد؛ بنابراین در برابر مسائل زندگی فردی و اجتماعی، احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. از نگاه قرآن نه تنها ایمان و یقین قطعی به روز قیامت، برای تربیت انسان کافی است؛ بلکه ظن و گمان به آن نیز اثر عمیقی دارد: «أَلَا يَظُنُّ

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۲. مریم: ۵۹.

اولئِكَ اَنْتُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ^۱ آیا این کم‌فروشان گمان نمی‌کنند در روز بزرگی برانگیخته خواهند شد؟».

۲. حوزه خانوادگی

محققان اجتماعی بر این باورند که جامعه، متشکل از خانواده‌هاست و سلامت و سعادت جامعه، به سلامت و پویایی نظام خانواده بستگی دارد. بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری برخی از عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی‌توجهی، بی‌موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته‌اند. در حقیقت از نظر آنان، والدین ایشان در بزهکاری‌شان نقش داشته‌اند.^۲ بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، بیانگر آن است که عمده عوامل سرقت توسط سارقان، «بدرفتاری، بداخلاقی، بی‌تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» بوده است.^۳ قربانیان اصلی عملکرد نامطلوب خانواده‌ها، کودکان و نوجوانانند. بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد بد و نامناسب خانواده، مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی ناسازگاری نوجوانان است. طلاق به عنوان پدیده‌ای شوم، می‌تواند به انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی‌گری، ولگردی و ... منجر شود. یکی از مسئولان، طلاق را عامل اصلی بروز ۷۰ درصد آسیب‌های اجتماعی دانسته است.^۴

۱. مطففین: ۷ - ۵.

۲. مجله زن روز، ش ۱۷۲۳، ص ۱۴.

۳. علی اصغر قربان حسینی؛ جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت؛ ص ۳۱.

۴. جام‌جم آنلاین؛ «طلاق، ریشه پیدایش آسیب‌های اجتماعی»؛ ۱۳۹۰/۰۱/۲۸.

نقش دین در تحکیم روابط خانواده

از دیدگاه قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر، معاشرت به معروف است: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ و با ایشان [زنان] به شایستگی رفتار کنید». معاشرت به شیوه‌ای معروف، نیکو و شایسته می‌تواند بسیاری از مشکلات زندگی را مرتفع کند. معروف، یعنی هر چیزی که قرآن، روایات، عقل و عرف آن را به رسمیت شناخته و بپسندد.

یکی از اصولی که قرآن کریم در حوزه خانواده مورد توجه قرار داده است، اصل «حکمیت» است. حکمیت یا داوری، ویژه مواردی است که در روابط خانوادگی، تفاهم جای خود را به شقاق و اختلاف داده است:

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»^۲ و اگر از جدایی میان زن و شوهر بیم دارید، پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است».

بنا بر توصیه قرآن، به جای مراجعه زوجین به دادگاه و حل موضوع از طریق رسیدگی‌های قضایی، بهتر است با انتخاب داورانی از میان بستگان طرفین، در رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش اقدام نمود.

۱. روم: ۲۱.

۲. نساء: ۳۵.

۳. حوزه اقتصادی

یکی از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان، فقر است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده؛ بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر تنها منحصر به پیامدهای خود فقر نیست؛ بلکه مشکلات این مسأله اجتماعی، زمانی شدت می‌یابد که بستر ساز انحرافات می‌گردد. امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَلُمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ»^۱ فرزندم انسانی را که به دنبال کسب روزی خویش است، ملامت مکن؛ زیرا کسی که هیچ ندارد، لغزش‌هایش بسیار خواهد بود». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «غَنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ»^۲ ثروتی که تو را از ظلم و ستم باز دارد، بهتر از فقری است که تو را به گناه و زشتی وا دارد». در حقیقت فقر، جاده‌ای است که می‌تواند رونده خویش را به دامان کفر رهنمون سازد.

نقش دین در فقرزدایی

در آموزه‌های دینی، راهکارهایی برای درمان فقر بیان شده است که می‌توان آنها را به دو بخش راهکارهای موقت و مقدماتی و راهکارهای بنیادین و ریشه‌ای تقسیم کرد.

الف) تغییر نگرش نسبت به ثروت

از نظر قرآن، نخستین گام برای فقرزدایی و پیشگیری از ناهنجاری

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۹، ص ۴۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۷۲.

حاصل از آن، تغییر فرهنگی و اجتماعی جامعه است؛ زیرا تا زمانی که جامعه به درک درستی از حقیقت رزق الهی نرسد، نمی‌تواند به فقرزدایی اقدام کند. اموال ملک شخصی نیست؛ بلکه امانتی در دست انسان است، چنانکه خداوند می‌فرماید: «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۱ آنچه روزی ایشان کردیم». بنابراین صاحب مال نباید بر سائل و محروم متنی بگذارد؛ بلکه با احترام، مالش را به کسانی بدهد که در واقع شریکان اویند: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۲ آن کسانی که در اموال ایشان، حقی مشخص و معلوم برای سائل و محروم است». بر این اساس بود که بزرگان به حمایت از فقیران توجه خاص داشتند.

روزی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی ناچار شد لحاف خویش را در معرض فروش قرار دهد تا از این راه مقداری از نیازمندی‌های بسیار ضروری وی رفع شود. هم‌زمان با این کار، فردی مستمند به وی مراجعه کرد و وضعیت نابهنجار زندگی خویش را بازگو ساخت و دست حاجت به سوی او دراز کرد. شنیدن وضع اسفبار این مرد، روح حساس و ظریف آیت الله اصفهانی را آزد و او را متأثر کرد. از این رو، مبلغی را که از بابت فروش لحاف به دست آورده بود، به این شخص مستمند واگذار کرد.^۳

۱. نحل: ۵۶؛ فاطر: ۲۹.

۲. معارج: ۲۴ و ۲۵.

۳. معصومه عبدالحسینی؛ «سیره رفتاری علما در کمک به محرومان»؛ مجله طوبی؛ تیر

۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۸۳ - ۸۶.

ب) تأکید بر توزیع عادلانه ثروت جامعه

یکی از مهم‌ترین راهکارهای فقرزدایی که در آیات قرآن بیان شده است، توزیع عادلانه ثروت عمومی جامعه است. انفال، زکات و صدقات دیگر که در اختیار نهادهای نظام سیاسی ولایی است، باید برای پر کردن شکاف طبقاتی و اصلاح وضعیت اقتصادی جامعه به کار گرفته شود:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ^۱

آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

ج) تأکید بر انفاق و صدقه

از آنجا که ثروت عمومی نمی‌تواند به تنهایی شکاف طبقاتی را کاهش دهد، بر انفاق و صدقه تأکید شده است؛ زیرا وقتی هر کسی بخشی از مال خود را به سائل و فقیر بدهد، میزان ثروت شخص چنان افزایش نمی‌یابد که شکاف طبقاتی نابهنجار پدید آید. از همین روست که قرآن بر صدقات و انفاق تأکید کرده است. بنا بر آیات قرآن وقتی پرده‌ها کنار می‌رود و محتضر، مرگ را می‌بیند، در می‌یابد مهم‌ترین کار پس از نماز، صدقه و انفاق کردن است؛ از این رو خواستار تأخیر مرگ برای انجام این عمل بزرگ عبادی می‌شود:

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ^۱ از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا! چرا [مرگ] مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا [در راه خدا] صدقه دهم و از صالحان باشم؟!

آیت الله خزعلی در خاطرات خود آورده است:

شبی نزد شهید نواب صفوی رحمته الله علیه سی هزار تومان پول برده بودند تا برای خود خانه‌ای تهیه کند. به او گفته بودند که این مبلغ نه سهم سادات و نه سهم امام و نه از وجوهات دیگر است؛ بلکه هدیه‌ای از ما به شما برای خرید یک باب منزل شخصی برای خودتان است تا از اجاره‌نشینی رها شوید. شهید نواب رحمته الله علیه پاسخ داده بود که اگر پول را به این شرط می‌دهید، نمی‌پذیریم؛ ولی اگر بدون شرط بدهید و مرا آزاد بگذارید، خواهم پذیرفت. شخص اهداکننده، پول را بدون شرط تسلیم او نمود. ایشان همان شب پول را میان بیوه‌زنان، یتیمان و محرومین و پابرهنگانی که قبلاً آنان را می‌شناخت، توزیع کرد. گره‌گشایی و رفع نیاز محرومان، از خصوصیات بارز این شهید راه حق بود.^۲

یکی از بزرگان می‌گوید: «به یاد دارم زمانی یکی از طلاب بیمار شد. شیخ عبدالکریم شخصاً دارویش را تهیه کرد و به منزل او برد و

۱. منافقون: ۱۰.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا؛ «نواب صفوی، آذرخشی در ظلمت»؛ مبلغان؛ دی و بهمن ۱۳۸۲، شماره ۴۹، ص ۲۷ - ۴۰.

به خانواده‌اش دستور داد که آن را آماده سازند. سپس خودش دارو را به حجره آن طلبه برد و حتی به خادمش نیز نداد که ببرد.^۱

(د) تأکید بر کار و تولید

شاهراه اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، بیکاری است و حل آن، بسیاری از مشکلات اجتماعی، روانی، اقتصادی جامعه را برطرف می‌کند. افزایش اختلالات روانی، افزایش اختلافات خانوادگی، به‌وجود آمدن مشکلات مالی، کاهش رضایت‌مندی از زندگی مشترک، تنش در روابط زناشویی، افزایش اضطراب و استرس، کاهش عزت نفس و احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه و احساس حقارت، از جمله تبعات منفی بیکاری در خانواده‌های ایرانی است. وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره کسب و کار فردی سؤال می‌کرد؛ اگر می‌فهمید شغلی ندارد، می‌فرمود: «از چشم من افتاد» و در عیش می‌فرمود: «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ، يَعْيشُ بِدِينِهِ»^۲ برای آنکه اگر مؤمن شغلی نداشته باشد، زندگی خود را به وسیله دینش اداره می‌کند (دین‌فروشی می‌کند).

اسلام به عنوان دینی جامع و جاویدان، برای اقتصاد و کسب و کار، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است تا جایی که کسب و کار را زمینه‌ساز عبادات صحیح و از ارکان قبولی توبه و بخشش الهی معرفی کرده است.

۱. معصومه عبدالحسینی؛ «سیره رفتاری علما در کمک به محرومان»؛ مجله طوبی؛ تیر

۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۸۳-۸۶.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۹.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ»^۱ خداوند کسی را که دارای یک حرفه است و بدان اشتغال دارد و امانت‌دار است، دوست دارد».

۴. حوزه اجتماعی

اگر چه رایج‌ترین نوع فقر در بعد اقتصادی آن مطرح است؛ به گونه‌ای که با شنیدن واژه فقر، سریعاً این عرصه به ذهن متبادر می‌شود، اما بعد دیگر فقر یعنی فقر فرهنگی بسیار عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از فقر اقتصادی است. مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی، جهل و نادانی است؛ زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به طور طبیعی قادر نخواهد بود در اوضاع زندگی خود، تغییر و تحولی ایجاد نماید. امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ»^۲ هیچ بی‌نیازی مانند عقل و هیچ فقری مانند نادانی نیست».

امروزه فقر فرهنگی به شکل‌های مختلفی در جامعه ظهور و بروز دارد. در سال‌های اخیر شاهد حرکت‌های موازی و نمایشی ماشین‌های گران‌قیمت در خیابان‌ها و تخلیه هیجان‌های نادرست هستیم که ناشی از فقر فکری، فرهنگی و رفتاری است؛ چرا که تصور می‌کنند همه مشکلات فقط با پول حل می‌شود و چون پول دارند، می‌توانند ساده‌ترین قانون را نیز رعایت نکنند و فراتر از قانون باشند. چنین

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۱۱۳.

۲. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۵۴.

افراد، مرفه اقتصادی و فقیر فرهنگی هستند. زندگی تجملاتی دارند، اما حقوق شهروندی را نمی‌دانند. لباس مارک می‌پوشند، اما رکیک‌ترین الفاظ بر زبان‌شان جاری است. ماشین‌های لوکس سوار می‌شوند، اما نه تنها قوانین رانندگی را نمی‌دانند؛ بلکه آشغال خود را نیز به بیرون پرتاب می‌کنند.

راه‌حل دین، امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم امت‌های پیشین را به دلیل جلوگیری نکردن از منکرات و فساد، نکوهش کرده است:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ: 'پس چرا از میان امت‌های قبل از شما [که به عذاب الهی هلاک شدند] گروهی باقی نماندند تا از فساد در زمین جلوگیری کنند، مگر خیلی از آنها که ما نجاتشان دادیم.

راه‌حل مشکلات فرهنگی، مهندسی فرهنگی است تا با همان ابزاری که دشمن، فرهنگ را خالی از محتوا کرده است؛ آن را احیا و به مسیر اصلی برگرداند. رسالت اساسی امر به معروف و نهی از منکر، استقرار ارزش‌ها و هنجارهای دینی و انسانی است. نقش محوری و اساسی نخبگان جامعه در این بخش، غیر قابل انکار است. در قیام تاریخی عاشورا، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) هدف از قیام خود را «اصلاح امت» و اراده خود را «امر به معروف و نهی از منکر» اعلام نمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّى أُرِيدُ أَنْ أُمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

أَسِيرَ سِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي».^۱ این بیان امام علیه السلام در آن شرایط، ضمن بیان خطیر بودن این نهاد، شیوه اجرایی آن را نیز در شدیدترین حالت آن و در مبارزه با بارزترین منکرات، به تصویر کشیده است.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴، ص ۳۳۰: «من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم. من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. می‌خواهم مطابق سیره جدم رسول‌خدا و پدرم علی بن ابی‌طالب رفتار نمایم».

خدمت‌رسانی در آموزه‌های اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا بهروز*

اشاره

یکی از موضوعات شایسته واکاوی، خدمت به مردم است؛ زیرا در عصر حاضر انسان‌ها بیشتر از هر زمان دیگری مورد ستم قرار گرفته‌اند. کشتارهای دسته‌جمعی توسط استکبار، شاهد بر این مدعاست؛ در حالی که انسان در اسلام جایگاه بلندی دارد تا آنجا که سازوکارهایی برای حفظ جان و کرامتش ارائه شده است. خدمت‌رسانی، یکی از این سازوکارهاست که خود، نعمتی الهی به شمار می‌آید؛ چنانچه امام حسین علیه السلام فرموده است:

إِعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ: 'همانا نیازمندی‌های مردم به شما، از نعمت‌های خدا بر شماست. بنابراین از این نعمت‌ها دلگیر نشوید.'

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۱۲۱.

رسول‌خدا ﷺ نیز فرموده است: «بلندپایه‌ترین مردم در روز رستاخیز، کسی است که از همه بیشتر برای خیرخواهی بنده خدا قدم برداشته است».^۱

الف) اهمیت خدمت‌رسانی

در اهمیت خدمت‌رسانی، همین بس که امام سجاد علیه‌السلام عرضه داشت: «... آنان را توفیق ده که ناتوانان خود را یاری کنند و حاجت ایشان را برآورند و به یاری ستم‌دیدگان برخیزند».^۲ پیامبر ﷺ نیز خدمت را در کنار ایمان به خدا قرار داده است که حاکی از اهمیت آن است: «خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ، الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ...»^۳ ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان او، دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست». در آیات قرآن نیز «انفاق» در کنار ایمان به غیب و نماز ذکر شده است: «...الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ».^۴ در آیات متعدد دیگر نیز خدمت‌رسانی با واژه‌هایی همچون «احسان»، «اکرام»، «انفاق»، «انعام»، «ایثار»، «ایتاء»، «باقیات الصالحات»، «برّ» و «تعاون» ذکر شده است.

اهمیت خدمت‌رسانی تا آنجاست که روزی امام حسین علیه‌السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامة بن زید رفت. او در بستر بیماری با آه و زاری، مکرر می‌گفت: «ای وای از دست غم و اندوه!». حضرت از او

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۲۰۸.

۲. علی بن الحسین، امام چهارم علیه‌السلام؛ الصحيفة السجادية؛ ص ۱۲۴.

۳. ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۴.

۴. بقره: ۳

پرسید: «چه اندوهی داری؟» اسامه گفت: «بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، وجودم را فرا گرفته است». امام فرمود: «ناراحت نباش! من بدهی‌های تو را پرداخت می‌کنم». اسامه گفت: «می‌ترسم قبل از پرداخت بدهی‌هایم بمیرم». حضرت فرمود: «من تمام بدهی‌هایت را قبل از مرگ تو می‌پردازم». امام همچنان که وعده داده بود، قبل از مرگ اسامه تمام قرض‌های وی را پرداخت.^۱

سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی
به گوش ارغوان، آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی

ب) حوزه‌های خدمت‌رسانی

در منظومه فکری اسلام خدمت‌رسانی در تمام عرصه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، بین‌المللی و ... نمود پیدا می‌کند و هر کار خیری مانند غذا دادن، سیراب و شاد کردن دیگران، از نمونه‌های خدمت‌رسانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «از بهترین کارها نزد خداوند، سیراب کردن جگرهای تشنه و سیر کردن شکم‌های گرسنه است».^۲

۱. حوزه خانوادگی

یکی از مصادیق مهم خدمت‌رسانی، خدمت به اعضای خانواده است. اگر سرپرست خانواده زمینه خوشحالی و تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده را فراهم نماید، مهم‌ترین خدمت را انجام داده است تا

۱. محمد بن محمد مفید؛ الاختصاص؛ ص ۲۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۳۶۹.

آنجا که از آن به عنوان جهاد یاد شده است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ آن که خانواده خویش را روزی می‌دهد، مانند مجاهد در راه خداست». امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَغْظَمَ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۲ هر که از فضل خدا آن را می‌جوید که خانواده‌اش را تأمین کند، پاداشی برتر از جهادگر در راه خدا دارد». هم‌چنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

امام سجاد علیه السلام صبح زود برای طلب روزی از منزل خارج می‌شدند. روزی کسی پرسید: کجا تشریف می‌برید؟ فرمودند: می‌روم تا به خانواده‌ام صدقه بدهم. آن شخص با تعجب پرسید: صدقه به خانواده؟ فرمودند: «مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ صَدَقَةً عَلَيْهِ»^۳ هر کسی برای کسب حلال برود و برای طلب مال و روزی حلال برای همسر و خانواده‌اش حرکت کند، مصداق صدقه از جانب خدای سبحان است.

یکی از شاگردان آیت‌الله احمدی میانجی می‌گوید:

روزی از دفتر یکی از مراجع تماس گرفتند که شما (آیت‌الله میانجی) تشریف بیاورید برای حج و مسائل پاسخگویی مشرف شوید، اما ایشان نپذیرفتند و گفتند که من عذر دارم، فرزندشان گفت شما چرا مشرف نمی‌شوید، ایشان گفتند که مادر شما مریض است و

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۸۸.

۲. همان.

۳. محمد بن حسن حر عاملی؛ *وسائل الشیعه*؛ ج ۱۷، ص ۶۷.

نمی‌تواند کارهایش را انجام دهد من باید کنار ایشان باشم و به او کمک کنم برخی کارها را ممکن است که از شما خجالت بکشند، در واقع ایشان خدمت به همسر را مهم‌تر از حج می‌دانستند.^۱

۲. حوزه اجتماعی

در آموزه‌های دینی، مؤمنان از نظر مهرورزی نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هر گاه عضوی از آن دچار درد می‌شود، سایر اعضا همدردی خود را با آن ابراز می‌کنند و به کمکش می‌شتابند. از سوی دیگر افراد جامعه نسبت به هم حقوق متقابل دارند؛ از این رو هر کدام از اینان نباید نسبت به نیازهای همدیگر بی‌تفاوت باشند. امام صادق علیه السلام فرموده است:

يَحْقُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ^۲ مسلمانان موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت به نیازمندان، کوشا و جدی باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند؛ به هنگام گرفتاری و نیاز، یار و یاور هم باشند.

امام رضا علیه السلام نیز فرموده است: «خدا در زمین، بندگانی دارد که در رفع نیازهای مردم می‌کوشند. اینان روز قیامت ایمن و آسوده‌اند. هر کس که مؤمنی خوشحال کند، خداوند در روز قیامت، قلب او را شاد خواهد کرد».^۳

۱. <https://www.yjc.ir/fa/news/۶۴۰۵۳۴۶>

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۱۷۴.

۳. همان؛ ص ۱۹۷.

همدردی و کمک‌رسانی مردم نسبت به آسیب‌دیدگان، برخاسته از همین آموزه‌های دینی است؛ چنانچه در زلزله سال ۱۳۹۶ در سرپل ذهاب و سیل گلستان، خوزستان و خرم‌آباد، این همدردی و کمک‌رسانی به اوج خود رسید. این امر بسیار ارزشمند و مصداق کلام امام رضا علیه السلام است که فرمود: «مردم عائله و جیره‌خواران خداوندند. محبوب‌ترین مخلوقات نزد خدا، کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند».^۱

گفتنی است که خدمت، اختصاص به کمک مالی ندارد؛ بلکه واسطه شدن برای حل مشکل، برخورد شایسته با ارباب‌رجوع و حتی غم‌زدایی از چهره‌های پریشان، نوعی خدمت است. امام کاظم علیه السلام فرمود: «پایان کارهایتان این است که چقدر مشکلات مردم را حل کرده‌اید و اگر مشکل مردم را حل نکنی، هیچ عملی از تو قبول نخواهد شد. پس اگر می‌خواهید در روز قیامت به ما برسید، به برادران دینی خود کمک کنید؛ روز قیامت جایتان پیش ماست».^۲

متأسفانه امروزه برخی پرسنل ادارات نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنند؛ بلکه مشکل‌افزایی نیز می‌نمایند. چنین افرادی باید این حدیث را مد نظر داشته باشند که رحم خداوند با رحم به بندگان او، گره خورده است؛ چنانکه در روایتی آمده است: «هر کس سر از قبر بر می‌دارد و می‌گوید: خدایا! به من رحم کن. جواب می‌آید: اگر در دنیا به دیگران رحم کردید در قیامت رحمت من شامل حال شما

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۷۱، ص ۳۰۷.

۲. همان؛ ج ۷۲، ص ۳۷۹.

می‌شود».^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «کسی که برای طلب حاجت خود نزد برادر مؤمن خود رود و او خود را از وی مخفی کند، تا زنده است پیوسته مشمول لعنت و نفرین خدا شود».^۲ اما اگر کسی مشکلی را حل کرد، مشمول این حدیث می‌شود: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسَنَتْ عَوَاقِبُهُ وَ سَهَّلَتْ لَهُ طُرُقُهُ»^۳ هر کس به مردم نیکی کند، عاقبتش نیکو می‌شود و کارهایش به آسانی انجام می‌گیرد».

۳. حوزه اقتصادی

یکی از عرصه‌های مهم خدمت‌رسانی، گره‌گشایی در امر ازدواج جوانان است. در جامعه امروزی نیکوکاران بسیاری هستند و شمار قابل توجهی از مدارس کشور نیز توسط خیرین مدرسه‌ساز ساخته شده است، اما در امر ازدواج، کمک کردن این افراد بسیار کم‌رنگ است. کمک به ازدواج جوانان، سیره اهل‌بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فردی نزد پدرم آمد. پدرم از او پرسید: آیا زن داری؟ او گفت: خیر، پدرم در مورد فضیلت ازدواج و همسر داشتن با او صحبت کرد و به او هفت دینار طلا داد تا ازدواج کند».^۴ افراد ثروتمند و خیر می‌توانند برای مسکن جوانان که مشکل اصلی آنان برای ازدواج است، ساختمان‌هایی مناسب بسازند.

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۷، ص ۱۲۱: «يُنَادِي كُلُّ مَنْ يَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ، اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِيْ».

فَيَجِئُيَوْنَ: لَيْنٌ رَجَمْتُمْ فِي الدُّنْيَا لَتَرْحَمُوْنَ الْيَوْمَ».

۲. محمد بن محمد مفید؛ الاختصاص؛ ص ۳۱.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۴۳۶.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۰، ص ۱۹.

در نظر گرفتن تسهیلات و قرض‌الحسنه، کمک به خانواده‌ها در امر خرید جهیزیه، برپایی مجالس عروسی و یا ساختن سالن‌های ویژه عروسی در سطح شهر، از دیگر اموری است که خیرین می‌توانند با انجام آنها گره از مشکل ازدواج جوانان باز کنند. تشکیل مجمع خیرین ازدواج جهت انسجام‌بخشی، تقویت فعالیت‌ها و استفاده از توانمندی‌های خیرین کشور، کمک به راه‌اندازی کانون‌های پیوند و ... می‌تواند حمایت‌های مردمی را در این زمینه تقویت کند.^۱

درباره شیخ جعفر کاشف الغطا نوشته‌اند که تا جایی به مستمندان رسیدگی می‌کرد و در رفع مشکلات آنان فعال بود که گاه دیده می‌شد هر چه داشت، انفاق کرده و وقتی دستش از همه جا دستش می‌شد، خانه مسکونی خویش را رهن می‌گذاشت و پولش را به فقرا می‌بخشید.^۲

در شرایط کنونی اگر چه مشکل اقتصادی جوانان بسیار اهمیت دارد، اما نباید فراموش کرد که متأسفانه طیف وسیعی دیگر از مردم نیز با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

اسلام، مال و ثروت (نعمت مادی) را مایه استواری جامعه و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی می‌داند و فرد یا گروهی که فاقد مال هستند، از آن جهت فقیرند که ستون فقرات اقتصادی آنها شکسته و قوام و مقاومت ندارند؛ از همین رو قرآن کریم به مال اهمیت داده و آن را مایه و پایه قوام و قیام انسان‌ها دانسته است. مال، به منزله خون در عروق جامعه است.^۳

۱. جمعی از نویسندگان؛ سیمای خانواده در اسلام؛ ص ۵۸.

۲. رضا مختاری؛ سیمای فرزندان؛ ص ۲۸۹.

۳. عبدالله جوادی آملی؛ مفاتیح الحیاة؛ ص ۵۷۱.

از این رو برای حل این مشکل، قرض دادن و دستگیری مالی، بهترین گزینه است؛ چنانچه خداوند بارها ما را به دادن وام قرض‌الحسنه سفارش کرده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^۱ کیست که به خدا وام نیکو دهد تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و برای او پاداش پر ارزشی است». وام، به معنای انفاق است که انسان با خدا معامله می‌کند و خدا چند برابر پاداش آن را خواهد داد.

معلی بن خنیس می‌گوید که امام صادق علیه السلام در تاریکی شب روانه ظله بنی ساعده^۲ شد. من به دنبال حضرت رفتم که ناگهان، چیزی از دستش افتاد. سپس گفت: «بسم الله، اللَّهُمَّ رُدِّ عَلَيْنَا»: «به نام خدا، خدایا به ما برگردان». من نزدیک حضرت رفتم و سلام کردم. حضرت فرمود: «معلی هستی؟» عرض کردم: «آری، فدایت شوم». فرمود: «با دست بگرد [چون شب تاریک بود] هر چه یافتی، به من بده». من نان‌هایی پخش شده را یافتم و هر چه پیدا کردم، به حضرت دادم. در نتیجه یک کیسه نان شد. عرض کردم: «اجازه می‌دهید من آن را حمل کنم؟» فرمود: «لا، اَنَا أُولَىٰ بِكَ مِنْكَ»: «نه، بهتر است که من آن را حمل کنم». سپس همراه هم رفتیم تا به ظله بنی ساعده رسیدیم و به گروهی که در خواب بودند، برخوردیم. حضرت برای هر یک از آنان، یک یا دو قرص نان گذاشت و تا آخرین نفر، این عمل را انجام داد.^۳

۱. حدید: ۱۱. نیز رک: بقره: ۲۴۵؛ مائده: ۱۲؛ تغابن: ۱۷؛ مزمل: ۲۰.

۲. محل سکونت فقرا.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۸.

نقل کرده‌اند که در نزدیکی خانه حاج میرزا علی آقا قاضی رحمته‌الله، میوه‌فروش فقیری بود. مرحوم قاضی همیشه میوه‌ها و سبزیجات پلاسیده وی را می‌خریده و مصرف می‌کرده است. روزی یکی از شاگردان او از جدا کردن کاهوهای نامرغوب توسط ایشان می‌پرسد. ایشان می‌گوید:

آقا جان! این مرد فروشنده، شخص فقیری است. گاه‌گاهی به او کمک می‌کنم و نمی‌خواهم به او چیزی بلاعوض داده شود تا آبرویش از بین برود و در ضمن، خدای ناخواسته به مجانی گرفتن هم عادت کند. برای ما هم فرقی نمی‌کند که کاهوی لطیف و نازک بخوریم یا از این کاهوها!^۱

در شرح حال شیخ انصاری رحمته‌الله آمده است که ایشان کمک به فقرا را جزء رسالت خود می‌دانست و با لباس مبدل به در خانه آنان می‌رفت. از افراد مختلف نقل شده است که در یکی از محلات دزفول، مستمند عاجزی بود که شیخ، هر شب شام خود را به آن فقیر می‌داد و با شکم گرسنه می‌خوابید. یکی از علما می‌گوید:

نزد شیخ انصاری رفتم و برای سید فاضلی که مستمند بود و همسرش بیمار شده بود، کمک خواستم. شیخ گفت: «چیزی ندارم، جز مبلغی برای نماز و روزه استیجاری. خوب است دو سال عبادت استیجاری به او بدهم». گفتم: «این مرد از خانواده شریفی است و تا کنون چنین کارهایی نکرده است». شیخ تأملی کرد و گفت: «پس من

۱. ر.ک: رضا مختاری؛ سیمای فرزندگان؛ ص ۲۸۰-۲۸۱.

خودم دو سال عبادت به جا می‌آورم و اجرتش را به شما می‌دهم که
به آن سیّد بدهید!» و چنین کرد.^۱
تا توانی به جهان، خدمت محتاجان کن

به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی^۲

در مقابل خدمت به مردم، خیانت است. فردی که مایحتاج مردم را
احتکار می‌کند، در حقیقت به مردم خیانت کرده و بنا بر روایات فرد
محتکر، ملعون^۳ است و نتیجه عمل خود را در دنیا می‌بیند.

به چشم خویش دیدم در گذرگاه که زد بر جان موری، مرغی راه
هنوز از صید، منقارش نپرداخت که مرغ دیگر آمد، کار او ساخت
چو بد کردی، مشو ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات^۴

بی‌تردید امروزه که با جنگ اقتصادی دشمن روبه‌رو هستیم، احتکار
و گران‌فروشی خیانت به جامعه است و مکافات را در پی دارد. نمونه
زیر، شاهد این ادعاست. دکتر مرتضی عبدالوهابی می‌گوید:

در بیمارستان فیروزآبادی، دستیار دکتر مظفری بودم. روزی دکتر
مظفری صدایم کرد و پیرمردی را نشان داد که باید پایش را به علت
عفونت قطع می‌کردیم. دکتر گفت که این بار من نظارت می‌کنم و
شما عمل می‌کنید. به مچ پای بیمار اشاره کردم که یعنی از اینجا قطع
کنم؟ دکتر گفت: برو بالاتر! بالای مچ را نشان دادم و دکتر گفت: برو

۱. رضا مختاری؛ سیمای فرز/نگان؛ ص ۲۹۱.

۲. <http://pajuhesh.irc.ir/product/note/show/id/۹۹۶۹>

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۱۶۵.

۴. خمسه نظامی گنجه‌ای، خسرو و شیرین، بخش ۱۱۹، اندرز و ختم کتاب.

بالاترا! بالای زانو را نشان دادم و دکتر گفت: برو بالاترا! تا اینکه وقتی به بالای ران رسیدم، دکتر گفت که از اینجا ببر. لحن و عبارت «برو بالاترا» خاطره بسیار تلخی را در من زنده می‌کرد؛ زیرا در دوران کودکی هم‌زمان با اشغال ایران توسط متفقین، در محله پامنار زندگی می‌کردیم. قحطی شده بود... عده‌ای از خدا بی‌خبر با احتکار، از گرسنگی مردم سودجویی می‌کردند. شبی پدرم دستم را گرفت تا در خانه همسایه‌مان که دلال بود و گندم و جو می‌فروخت، برویم و کمی از او گندم یا جو بخریم تا از گرسنگی نمیریم. پدرم هر قیمتی که می‌گفت، همسایه دلال ما با لحن خاصی می‌گفت: برو بالاترا... برو بالاترا... بعد از به هوش آمدن پیرمرد برای دیدنش رفتم. چقدر آشنا بود. وقتی از حال و روزش پرسیدم، گفت: بچه پامنار بودم. گندم و جو می‌فروختم. خیلی سال پیش، قبل از اینکه در شاه‌عبدالعظیم ساکن بشوم. دیگر تحمل بقیه صحبت‌هایش را نداشتم. خود را به حیاط بیمارستان رساندم. من باور داشتم که از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو؛ اما به هیچ وجه انتظار نداشتم که چنین مکافاتی را به چشمم ببینم.^۱

۴. حوزه سیاسی

الف) عرصه داخلی

خدمت‌رسانی پیش از آنکه رسالت افراد جامعه اسلامی باشد، وظیفه حاکمیت اسلامی است؛ زیرا هم سرمایه کلان در اختیار متولیان نظام

۱. <https://www.ettelaat.com/mobile/?p=۷۵۰۰۴&device=phone>.

است و هم به مشکلات اداری و حکومت‌داری مسلط است. بر این اساس حاکم اسلامی همچون مادری دلسوز و پدری مهربان، باید دغدغه اصلی‌اش گره‌گشایی از مشکلات مردم باشد. رسول‌خدا ﷺ فرمود: «وَحُسْنُ الْوِلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»^۱ مردم را به خوبی سرپرستی کند، همچون پدری مهربان». از سوی دیگر امام حسین ﷺ خودداری از رسیدگی به محرومان را از بدترین صفات حاکمان می‌دانست و همواره می‌فرمود:

شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ الْجُبْنُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَالْقِسْوَةُ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَ الْبُخْلُ عِنْدَ الْإِعْطَاءِ؛^۲ بدترین صفات حاکمان، ترس از دشمنان، قساوت بر ضعیفان و خودداری از بخشش در موقع عطا می‌باشد.

همچنین امام حسین ﷺ، قبل از هلاکت معاویه، در سرزمین منا به مسئولان جامعه اسلامی و عالمان که در خدمت‌رسانی به محرومان کوتاهی می‌کنند، هشدار داد:

فَأَمَّا حَقَّ الضُّعَفَاءِ فَضَيِّعْتُمْ وَأَمَّا حَقَّكُمْ بَرَّعْتُمْ فَلَا مَالًا بَدَلْتُمُوهُ وَلَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِلَّذِي خَلَقَهَا وَلَا عَشِيرَةً عَادَيْتُمُوهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ أَنْتُمْ تَتَمَنَّوْنَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَ مُجَاوَزَةَ رُسُلِهِ وَأَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؛^۳ [شما ای بزرگان و مسئولان جامعه!] حق ضعیفان را پایمال نمودید و آنچه را که حق خود تصور می‌کردید طلب کردید ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۱۸۹.

۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۳۸.

بستگان خود برای رضای خدا بریدید. آیا [اعمال زشت] بهشت خداوند و همجواری پیامبران او را آرزو می‌کنید و با این حال می‌خواهید از عذاب خدا در امان بمانید؟!

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

دولت واقعاً باید با تمام قدرت، آن‌طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین؛ مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمؤمنین علیه السلام باید این‌طور باشد.^۱

بر این اساس مسئولان باید خود را خدمتگزار مردم بدانند، نه سروران؛ زیرا مردم ولی‌نعمت و صاحبان اصلی انقلاب هستند، همچنان که امام خمینی علیه السلام فرمود:

ما هر چه خدمت بکنیم به این ملت، کم خدمت کرده‌ایم؛ برای اینکه این ملت بود که همه این گرفتاری‌ها به دست او رفع شد... ما باید خدمتگزار باشیم، واقعاً خدمتگزار باشیم و هر چه خدمت بکنیم، باز کم است... این، هر کس در هر مقامی که هست، خدمت بکند.^۲

متأسفانه امروزه برخی مدیران با اختلاس‌های میلیاردی و بی‌توجهی به مردم، به امانت خیانت می‌کنند، غافل از اینکه این مسئولیت، امانتی بر دوش آنان است؛ همچنان که امام علی علیه السلام خطاب به یکی از کارگزاران خود فرمود: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي

۱. روح الله خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۱۵۹.

۲. همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۶.

عُنُقِكَ أَمَانَةً: ^۱ همانا مسئولیت تو، شکار نیست؛ بلکه بار امانتی در گردن توست». اختلاس و خیانت برخی مسئولان، سبب ارتکاب ناهنجاری توسط دیگر افراد جامعه می‌شود؛ زیرا رفتار و گفتار اینان در افراد جامعه تأثیر دارد.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی

بر آورند غلامان او درخت از بیخ ^۲

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فَلَيْسَتْ تَصْلُحَ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ: ^۳ مردم جز با صلاح والیان، اصلاح نمی‌شوند و والیان جز با راستکرداری و درستکاری مردم، در مسیر صلاح قرار نمی‌گیرند.

(ب) عرصه بین‌المللی

خدمت‌رسانی در عرصه بین‌المللی نیز امری ضروری است؛ بدین معنا که اگر در هر نقطه جهان افراد مسلمان، مانند مردم فلسطین نیاز به کمک داشته باشند، مسلمانان باید آنان را یاری نمایند. امام علی علیه السلام فرموده است: «از خدا بترسید، در حق بندگان و بلادش؛ زیرا شما حتی در برابر مکان‌ها و چهارپایان مسئول هستید». ^۴ این حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه و آله ناظر بر این امر است که فرمود:

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغة؛ ج ۱۴، نامه ۵، ص ۳۳.

۲. سعدی مصلح بن عبدالله؛ کلیات سعدی، باب ۱، ح ۱۹، ص ۵۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۳۵۳.

۴. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبة ۱۶۷، ص ۲۴۲.

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا
لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۱ کسی که در هر صبحگاهی به امور
مسلمانان همت نگمارد و در اندیشه کارهای آنان نباشد، از آنها
نیست؛ و کسی که بشنود مردی فریاد می‌زند و کمک می‌طلبد و به
او کمک نکند، مسلمان نیست.

اهمیت رعایت حقوق مسلمانان تا آنجاست که اگر کسی آن را
رعایت نکند، از دین خارج می‌شود.

عبدالاعلی در مدینه به محضر امام صادق علیه السلام وارد شد و سؤالات کتبی
را خدمت امام داد و سؤال شفاهی را نیز مطرح نمود، اما برخلاف
انتظار او امام به همه سؤالات غیر از حقوق مسلمان درباره مسلمان
جواب داد. عبدالاعلی آن روز چیزی نگفت و بیرون رفت. امام علیه السلام در
روزهای دیگر هم کلامی درباره این موضوع نگفت. عبدالاعلی برای
خروج از مدینه و خداحافظی، به محضر امام علیه السلام رفت و مجدداً سؤال
خود را طرح و عرض کرد: «یا بن رسول‌الله! سؤال آن روز من بی‌جواب
ماند». امام علیه السلام فرمود: «من عمداً جواب ندادم؛ زیرا می‌ترسم حقیقت را
بگویم و شما عمل نکنید و از دین خدا خارج گردید». آن‌گاه امام علیه السلام
فرمود:

همانا از جمله سخت‌ترین تکالیف الهی درباره بندگان، سه چیز
است: یکی رعایت عدل و انصاف میان خود و دیگران، آن اندازه که
با برادر مسلمان خود آن‌چنان رفتار کند که دوست دارد او با خودش

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۶۳.

چنان کند. دیگر اینکه مال خود را از برادران مسلمان مضایقه نکند و با آنها به مواسات رفتار کند. سوم در همه حال به یاد خدا باشد.^۱ بر اساس این روایت، کمک به مسلمانان داخل و خارج کشور، مهم‌ترین خدمت است که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۴۷۰.

آداب استغفار و دعا

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی*

اشاره

آیات و روایات بسیاری درباره استغفار و پذیرش توبه انسان‌ها وجود دارد که محتوای این آیات و روایات، به انسان امیدواری می‌دهد و او را از ناامیدی از درگاه خداوند نهی می‌کند. در این مجال به بیان برخی از روایات درباره حقیقت استغفار و توبه، آداب آن و نیز آداب دعا می‌پردازیم.

حقیقت استغفار و شرایط آن

اگر چه خواندن نماز و دعای توبه و انجام دادن غسل آن خوب است، اما شرط پذیرش توبه و استغفار نیست. شرط توبه و استغفار، پشیمانی است؛ چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَا مِنْ عَبْدٍ أَذْنَبَ ذَنْبًا فَتَنِمَ عَلَيْهِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْفِرَ»^۱ خداوند [انسان گنهکار

* نخبه تبلیغی حوزه علمیه قم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۴۲۷.

پشیمان را] می‌بخشد، پیش از آنکه طلب بخشش کند». بنا بر این حدیث شریف، همین که انسان پشیمان شود، خداوند او را می‌آمرزد؛ حتی قبل از اینکه استغفار کند.

توبه سه گروه پذیرفته نمی‌شود

امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی^۱ سه گروه از افراد را نام برده است که خداوند استغفار و توبه آنان را نمی‌پذیرد:

گروه اول: کسانی که بعد از توبه، باز هم به خداوند بدگمان هستند و از رحمت خدا نا امیدند: «وَاللَّهُ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَبْدًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءٍ ظَنَّهُ وَتَقْصِيرِهِ فِي رَجَائِهِ لِلَّهِ: [کسی که] سوء ظن به خدا [داشته باشد و] از رحمت خدا نا امید [باشد]». کسی که از گناه توبه کند، اما باز هم فکر کند که شاید خدا مرا نیامرزد.

گروه دوم: انسان‌هایی که بد اخلاق هستند: «سُوءِ خُلُقِهِ: [و به سبب] بد اخلاقی‌اش». زیرا اگر انسان بد اخلاق، ریشه‌های بد اخلاقی را در وجودش نابود نکند، توبه و استغفارش حقیقی نیست؛ با توجه به این که پشیمانی از انجام گناه، شرط توبه و استغفار واقعی است. وقتی انسان بد اخلاق استغفار می‌کند و هم‌چنان به بد اخلاقی خود ادامه می‌دهد؛ معلوم می‌شود از بد اخلاقی خود پشیمان نشده و ریشه‌های بد اخلاقی در وجودش هم‌چنان پا برجاست. انسان بد دل، بد زبان و

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶، ص ۲۸: «وَاللَّهُ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِرٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حَسَنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَبْدًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ وَ تَقْصِيرِهِ فِي رَجَائِهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ».

حسود که به همه سوءظن دارد تا زمانی که ریشه بد دلی، بدزبانی، حسادت، کینه و سوءظن را در وجودش نابود نکند، مورد بخشش خداوند قرار نمی‌گیرد؛ زیرا دوباره به آنها مبتلا خواهد شد.

تکبر، ریشه گناهان بسیاری است. چنانکه قرآن تکبر را علت سجده نکردن شیطان به آدم و نافرمانی‌اش از امر الهی و خروج از بهشت معرفی کرده است. وقتی فرد بد اخلاق، ریشه‌های بد خلقی را از وجودش ریشه‌کن نکند؛ یعنی هنوز می‌خواهد متکبر و بد دل باشد، هنوز حسود و بد زبان است و تا زمانی که این صفات و رذایل اخلاقی ریشه‌کن نشود، توبه و استغفارش بی‌فایده است؛ زیرا اگر چه فرد بد اخلاق به ظاهر توبه و استغفار می‌کند، اما دوباره همین رذایل در رفتار و گفتارش متجلی می‌شود.

گروه سوم: کسانی که غیبت می‌کنند: «وَاعْتَبِیْهِ الْمُؤْمِنِیْنَ: [و به علت] غیبت کردن از مؤمنان». انسانی که توبه و استغفار می‌کند، اما دوباره مرتکب گناه غیبت می‌شود، در واقع توبه و استغفار و تمام حسناتش را به یک غیبت از بین می‌برد.

عطر استغفار

امیرمؤمنان علیه السلام درباره استغفار و توبه می‌فرماید: «تَعَطَّرُوا بِالْاِسْتِغْفَارِ لَا تَقْضَحْکُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ»^۱ با آمرزش خواهی و استغفار خود را معطر کنید تا بوی گناهان شما را رسوا نکند.

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶، ص ۲۲؛ محمد بن حسن طوسی؛ الأمالی؛

عبادات حافظ توبه و استغفار

عبادت و بندگی خدا، می‌تواند عامل حفظ توبه و استغفار شود. فردی به امام جواد علیه السلام نامه نوشت و عرض کرد: «عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: چیزی را به من یاد دهید که با انجامش، در دنیا و آخرت با شما باشم». حضرت در پاسخ نوشت: «أَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَرَطَّبَ شَفَتَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ»^۱ سوره (انا انزلناه) را زیاد تلاوت کن و لبانت را به استغفار تر کن». انس با قرآن، سبب حفظ انسان از گناه می‌شود. انسان مأنوس با قرآن نه بدزبانی می‌کند و نه مرتکب گناه زشت غیبت می‌شود.

در روایت دیگری، شخصی از امام هادی علیه السلام می‌پرسد چند بار سوره قدر را بخوانم؟ امام علیه السلام می‌فرماید: روزی ۱۰۰ بار بخوان.^۲ در حالات مرحوم آیت الله غروی اصفهانی آمده است که ایشان دائم الذکر بوده‌اند. روزی یکی از شاگردانش از ایشان سؤال می‌کند چه می‌گویید که تمام نمی‌شود؟ در جواب فرموده بود: «خوب است آدم روزی ۱۰۰۰ مرتبه سوره قدر را بخواند». اگر چه خواندن روزی ۱۰۰۰ مرتبه سوره قدر، زمینه و مقدمات، لازم دارد و اگر کسی بدون این مقدمات، به انجام این کار مشغول شود، به زودی از آن خسته شده و آن را رها خواهد کرد.

۱. محمد بن علی صدوق؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۱۶۵: «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَالَ فَكَتَبَ بِحُطِّ أَغْرِقْهُ أَكْثَرُ مِنْ تِلَاوَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَرَطَّبَ شَفَتَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ».

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۲، ص ۳۲۸؛ محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۱۶.

اقبال و ادبار دل

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنْفَلُوا وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ»^۱ برای دل‌ها روی کرد و پشت کردی هست. اگر دل نشاطی داشت آن را به انجام مستحبات وادارید و اگر آمادگی نداشت به انجام واجبات اکتفا کنید؛ یعنی اگر انسان حال عبادت دارد، مستحبات را هم انجام دهد. دعا خواندن، نماز مستحبی خواندن و حتی شرکت در مجلس امام حسین علیه السلام باید همراه با نشاط باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «دَعِ الطَّوْفَ وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ»^۲ تا تشنه طواف هستی، از طواف فاصله بگیر؛ یعنی انسان نباید آنقدر طواف کند که از آن خسته شود. برخی افراد، تا آن اندازه در طواف کردن زیاده روی می کنند که در حین طواف بسیار خسته هستند، حتی گاهی خوابشان می آید. حس و حال ندارند، اما هم چنان طواف می کنند. چنین طوافی هیچ حس لذتی به آدمی نمی دهد.

نشاط در عبادت

فردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «چرا از نماز شب لذت نمی بریم؟! چرا هیچ وقت در نماز شب نشاط نداریم؟». امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ فَيُحَرِّمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا حُرِّمَ صَلَاةُ اللَّيْلِ حُرِّمَ بِهَا الرِّزْقُ»^۳ مرد دروغ می گوید، پس به خاطر آن دروغگویی از نماز

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۳، ص ۴۵۴؛ محمد بن حسین الشریف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت [۳۱۸] ۳۱۲، ص ۵۳۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۸، ص ۶۳۰.

۳. محمد بن حسن حر عاملی؛ *وسائل الشیعة*؛ ج ۸، ص ۱۶۰؛ محمد بن علی صدوق؛ *علل الشرائع*؛ ج ۲، ص ۳۶۲.

شب محروم می‌شود. هنگامی که از نماز شب محروم شد، به خاطر ترک آن از روزی هم محروم می‌شود». آزادی زبان به گونه‌ای که انسان هر چه دلش خواست بر آن جاری کند، نشاط و حال خوشی برای نماز شب باقی نمی‌گذارد. از طرفی زیاد شدن گناهان زبان، سبب از بین رفتن حس و حال عبادت در وجود انسان، قضا شدن نماز صبح و یا بیدار شدن به سختی و خواندن نماز با کسلی و بی‌حالی می‌شود. هر چه مراقبت انسان در پرهیز از ارتکاب گناه بیشتر باشد، حس و حال و نشاط در عبادت نیز بیشتر می‌شود.

نماز توبه

اگر چه پذیرش استغفار و توبه از جانب پروردگار، قید خاصی ندارد، اما در برخی روایات به نماز توبه اشاره شده است که موجب کمال توبه خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرموده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْفُتِلْ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غَفَرَهُ»^۱ هر کس چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت، ۵۰ بار سوره توحید را بخواند، روی از قبله بر نمی‌گرداند، مگر آنکه هر گناهی که میان او و خداوند است، بخشیده شود». اگرچه بنا بر این روایت، خداوند همه گناهان فرد را می‌بخشد، اما حفظ این پاکی و بخشش بسیار مهم است. از این رو باید از گناه و حتی زمینه‌های گناه به شدت پرهیز نمود؛ زیرا شیطان همیشه و در هر حال در کمین انسان است.

۱. محمد بن علی صدوق؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۴۰.

وسوسه شیطان

حضرت موسی کلیم الله ﷺ چهل شب در میقات، مهمان ویژه خداوند بود.^۱ ابلیس ملعون به سراغ موسی ﷺ رفت؛ زمانی که موسی ﷺ مشغول راز و نیاز با پروردگارش بود. [در این میان] فرشته‌ای از فرشتگان به ابلیس گفت: وای بر تو! چه امیدی به او بسته‌ای؟ او در حال مناجات با خداوند خویش است. گفت: همان امیدی که به پدرش (آدم ﷺ) داشتم، در حالی که پدرش در بهشت بود.^۲ برای رهایی از شر شیطان، باید زمینه‌های گناه را از بین برد. فضای مجازی، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، دوستان ناباب و هر آنچه را که ما را به سمت شیطان می‌کشاند، باید از خود دور کرد و بر خود مسلط شد.

زمینه‌های استجاب دعا

۱. دستگیری از نیازمندان

دستگیری از نیازمندان و برطرف کردن مشکلات آنها، یکی از زمینه‌های استجاب دعاست. رسول خدا ﷺ فرموده است: «مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ، وَأَنْ تُكْشَفَ كُزْبَتُهُ، فَلْيَقْرِجْ عَنْ مُعْسِرٍ»^۳ هر که می‌خواهد دعایش مستجاب شود و غمش برطرف شود، گرفتاری انسان گرفتاری

۱. اعراف: ۱۴۲: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً».

۲. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۴۲: «حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُتَمَرِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ جَاءَ إِبْلِيسَ لَعْنَهُ اللَّهُ إِلْسَى مُوسَى ﷺ وَهُوَ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَقَالَ لَهُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَيْلَكَ مَا تَرْجُو مِنْهُ - وَهُوَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَقَالَ أَرْجُو مِنْهُ مَا رَجَوْتُ مِنْ أَبِيهِ آدَمَ وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ».

۳. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۷۵۹.

را بر طرف کند». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «پدرم امام باقر علیه السلام وقتی حاجتی را از خدا طلب می‌کرد، ابتدا صدقه می‌داد و سپس دعا می‌کرد».^۱

همان‌گونه که رحم کردن به مردم، سبب نزول رحمت الهی بر انسان می‌شود؛ برطرف کردن نیاز دیگران و برآورده نمودن حاجات‌شان، سبب می‌شود خداوند حاجات آدمی را برآورده کند. چنانکه در روایتی نیز آمده است: «در روز قیامت هر کس سر از قبر بر می‌دارد و می‌گوید: خدایا به من رحم کن. به او جواب می‌دهند: اگر در دنیا به دیگران رحم کردید، در قیامت رحمت من شامل حال شما می‌شود».^۲

اهمیت دستگیری از نیازمندان تا آنجاست که امیرمؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه فرموده است: «مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَ التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ»^۳ یکی از کفاره‌های گناهان بزرگ، رسیدن به فریاد دادخواهان و برطرف کردن غم اندوهگینان است».

۲. همراهی اهل خانه

یکی دیگر از عوامل استجابت دعا، دعا کردن همراه اهل خانه و به‌ویژه فرزندان خردسال است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پدرم امام باقر علیه السلام

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۳۲۰: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ، وَ سَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ، وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ، وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ».

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷، ص ۱۲۱: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَنَادِي كُلُّ مَنْ يَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَيَجَابُونَ لَيْنَ رَحْمَتِكَ فِي الدُّنْيَا لَتَرْحَمُنَّ الْيَوْمَ».

۳. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۲۴، ص ۴۷۲؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص ۳۷۳.

وقتی غصه‌ای داشت و می‌خواست دعایی کند، زنان و کودکان را دور خودش جمع می‌کرد، سپس دعا می‌کرد و آنان آمین می‌گفتند.^۱ رسول‌خدا ﷺ نیز فرموده است: «دُعَاءُ أَطْفَالِ أُمَّتِي مُسْتَجَابٌ»^۲ دعای کودکان امت من، مستجاب است». پاک بودن قلب فرزندان خردسال و آلوده نشدن به گناه، استجابت دعا را حتمی می‌کند. از هیمن روست که یکی از علمای بزرگ می‌فرمود: «اولیای خدا بعد از ۶۰ سال به مقام خاص می‌رسند، اما بچه‌ها چون پاک و معصوم هستند، دعایشان در کودکی مانند دعای اولیاءالله مستجاب است».

۳. رعایت حق الناس

زیر دین دیگران بودن و حق دیگران را بر گردن داشتن، سبب می‌شود دعا به استجابت نرسد. چنانکه در روایت آمده است: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطَيِّبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ»^۳ هر کس بخواهد دعایش مستجاب شود، باید کسب خود را حلال کند و حق مردم را بپردازد».

مرحوم آیت الله العظمی اراکی رحمه الله می‌فرمود: «روزی فردی، دل کسی را شکست. از قضا همین فرد مشکلی داشت. به کربلا رفت تا با توسل به علمدار کربلا، مشککش را برطرف کند. شب در خواب علمدار کربلا

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۴۸۷: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَفْرَجَ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَقْنُوا».

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۰، ص ۳۵۷: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دُعَاءُ أَطْفَالِ أُمَّتِي مُسْتَجَابٌ مَا لَمْ يَمَارِقُوا الدُّنُوبَ».

۳. همان؛ ص ۳۲۱: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطَيِّبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءَ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ».

به او فرمود: برای چه به اینجا آمدی؟ گفت: همه پزشکان مرا نا امید کردند. آمدم به شما متوسل شوم. حضرت به او فرمود: اگر صبح بیایی حرم، مکافات می‌کنم! آن فرد تعجب کرد. علت را پرسید، حضرت فرمود: دلی را شکستی. اول آن دلشکسته را راضی کن، بعد من شفایت می‌دهم.^۱

۴. طلب دعای خیر از دیگران

به هیچ انسانی نباید به دیده تحقیر نگریست و او را کوچک شمرد. چه بسیار انسان‌هایی که اگرچه به ظاهر مقام و جایگاه خاصی ندارند، اما دعایشان مستجاب می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «به دعای هیچ کس به چشم حقارت نگاه نکنید».^۲
هیچ کافر را به خواری مگیرید که مسلمان مردنش باشد امید^۳

۵. خیرات برای درگذشتگان

پسر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله صاحب مفاتیح الجنان می‌گفت: پدرم از دنیا رفت، ما می‌خواستیم برایش خیرات بدهیم؛ اما دستمان تنگ بود و چیزی نداشتیم که خیرات کنیم. شب‌های جمعه در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام کنار قبر پدرمان، آب سرد و گوارا به دست زائران می‌دادیم. یک شب جمعه نرفتیم. شب پدرم را در خواب دیدم، به من فرمود: علی، تشنه‌ام! من خواستم بروم آب بیاورم، فرمود: از آن آبی که شب‌های جمعه کنار قبرم می‌دادی، می‌خواهم.

۱. ر.ک: رضا استادی؛ آئینه صدق و صفا. (شرح حال آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی)

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۰، ص ۲۹۴: «لَا تَسْخَرُوا دَعْوَةَ آخِرِ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لِلْيَهُودِيِّ فَيَكُمُ وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ فِي نَفْسِهِ».

۳. جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی، دفتر شش، بیت ۲۴۵۱.

اهمیت دعای خیر در حق آدمی تا آنجاست که حاج شیخ عباس قمی رحمه الله فرموده بود: «اگر غذایی یا استخوانی را مقابل سگ می‌اندازید، به نیت ما بیاندازید. ما آنقدر محتاجیم، این هم به ما می‌رسد».

قیامت، عرصه ظهور ماهیت انسان‌ها

عرصه قیامت، عرصه بروز و ظهور واقعیت‌های وجودی انسان‌هاست. در روز قیامت است که مشخص می‌شود چه کسی فقیر و چه کسی غنی است. امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «الْفَقْرُ وَالْغِنَى بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ^۱؛ توانگری و بی‌نوایی، پس از عرضه مردم به درگاه خداوند معلوم می‌شود». انسان هوشمند، کسی است که در این دنیا، بار آخرت خویش را ببندد. برطرف کردن نیاز نیازمندان و دعای خیر آنان، رفع مشکلات مردم و حتی خیرات در میان مردم، موجب استجاب دعا و تهیه توشه‌ای برای آخرت است. چنانکه در روایت آمده است: «ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ^۲؛ به آنها که در زمین هستند، رحم کند تا آنان که در آسمان هستند، به تو رحم کنند».

۱. محمد بن علی کراجکی؛ کنز الفوائد؛ ج ۲، ص ۱۹۴: «وَرُوِيَ أَنَّ الْمَاءَ صُبَّ عَلَى صَخْرَةٍ فَوُجِدَ عَلَيْهَا مَكْتُوبًا إِنَّمَا يَبْقَى الْفَقْرُ وَالْغِنَى بَعْدَ الْمَوْضِعِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۴۵۲، ص ۵۵۵.

۲. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲، ص ۳۸۵؛ ابن ابی جمهور؛ عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۱، ص ۳۶۱: «وَقَالَ عليه السلام الرَّاغِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ».

عزت‌مندی در انقلاب عاشورا و انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

عزت‌بخشی و عزت‌آفرینی، از مهم‌ترین اهداف بلند انبیا و جانشینان آنان است و عبارت معروف «هیهات منا الذله» امام حسین علیه السلام در تارک این پرچم پر افتخار می‌درخشد. انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» شکل گرفت و جامعه عزتمند حسینی را به نمایش گذاشت. امام خمینی رحمه الله انقلاب اسلامی را به عنوان پرتوی از عاشورا^۱ معرفی کرده و مانند امام حسین علیه السلام فریاد برآورد:

هیهات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول‌خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله ...

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۲۲.

ساکت بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.^۱

الف) واژه‌شناسی

۱. عزت

عِزّت مقابل ذِلّت، به معنای سربلندی، سرافرازی و گرامی شدن،^۲ عظمت، بزرگواری و ارجمندی است^۳ که از «أَرْضٌ عُزَّازٌ» به معنای زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است. عزت حالتی است که انسان را از مغلوب شدن باز می‌دارد.^۴ در قرآن نیز واژه «عزت» به همان معنای لغوی به کار رفته و منظور از آن در اینجا، عزت فردی و عزت اجتماعی است.

۲. جامعه عزتمند

عاشورا درس زیست عزتمندانه برای همه انسان‌هاست، زیرا فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» ابی‌عبدالله علیه‌السلام پیامی برای همهٔ عصرهاست. امام حسین علیه‌السلام به همگان آموخت در جامعه‌ای که دین، ارزش و رهبر عادل، حاکم نباشد؛ مرگ در آن، بهتر از زندگی است: «لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا».^۵

۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

۲. محمد معین؛ فرهنگ فارسی معین؛ ج ۲، ص ۲۲۹۸.

۳. علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه؛ ج ۱۰، ص ۱۳۹۸۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ قرآن کریم؛ ص ۵۶۳.

۵. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۴۵.

هنگام حرکت امام از مکه به سوی مدینه محمد بن حنفیه که از قصد امام علیه السلام آگاه شد به گفت‌وگو با حضرت پرداخت. براساس برخی نقل‌ها، وی از امام حسین علیه السلام خواست تا می‌تواند در بیعت با یزید کوتاهی کند و در این فرصت نمایندگانی به شهرهای مختلف بفرستد، اگر توفیقی به دست آورد، اقدام کند؛ در غیر این صورت با ماندن در مدینه مشکلی برای او پیش نخواهد آمد.

امام حسین علیه السلام در باره پیشنهاد محمد حنفیه، مبنی نرفتن به سوی کوفه فرمود: «يَا أَخِي وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ مَلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ»^۱، برادر به خدا قسم اگر هیچ پناگاه و مسکنی نباشد، هرگز دست بیعت با یزید نخواهم داد. اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم

باید ز جان گذشت، کزین زندگی چه سود؟^۲

امام حسین علیه السلام درصدد ایجاد جامعه عزتمند بود؛ اگر چه در ظاهر موفق به تشکیل آن نشد، اما شاخصه‌های جامعه عزتمند، مانند فرهنگ ستم‌ستیزی را نهادینه کرد. از این رو بود که فرمود: «وَإِنْ تَغْلِبَ فَغَيْرُ مُغْلِبِينَ»^۳ و اگر شکست بخوریم [و کشته شویم] شکست نخورده‌ایم که ما را شکستی نیست».

بنابراین جامعه عزتمند اسلامی، جامعه‌ای متشکل از خداباوری، اسلام‌محوری، ارزش‌مداری، استقلال، عزت، عدالت و کرامت انسانی

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۲. محمود اکبرزاده؛ حسین علیه السلام پیشوای انسان‌ها؛ ص ۲۷.

۳. ابن نما حلی؛ منیر الأحزان؛ ص ۵۵.

است که در آن، عزت اصلی از آن خداست: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۱ و عزت رسول خدا ﷺ و مؤمنان، ریشه در عزت خدا دارد: «وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲. از دیگر شاخصه‌های این جامعه، نه‌راسیدن مردم از دشمنان‌شان و مرگ است؛ زیرا دل‌هایشان به قدرت خدا و وجود رسول اکرم ﷺ و مؤمنان گرم است. مؤمن پیوسته سازش‌ناپذیر است و در همه شرایط، عزت خود را حفظ می‌کند و مرگ را بر ذلت ترجیح می‌دهد؛ زیرا این راه و رسم را از اهل بیت پیامبر ﷺ آموخته است که هیچ‌گاه تن به ذلت نداده‌اند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: «وَمَنْ أَقَرَّ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۳ هر که پذیرای ذلت شود، از خاندان ما نیست».

یکی از افسران مأمور اجرای اعدام شهید صفوی گفته است:

نواب صفوی با کرامت و بزرگواری خود، احترامش را به من تحمیل کرد. من هنوز هم هر گاه صدای آژیر آمبولانس‌ها را می‌شنوم، بدنم می‌لرزد و به یاد شب شهادت نواب می‌افتم که نواب با عشق و سوز و صلابت خاصی به یارانش می‌گفت: خلیلم، مظفرم، محمدم عجله کنید، غسل شهادت کنید. جدهام حضرت زهراى مرضیه عليها السلام منتظر ماست.^۴

۱. نساء: ۱۳۹.

۲. بقره: ۲۰۹.

۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۸.

۴. عبدالکریم پاک‌نیا؛ «نواب صفوی، آذرخشی در ظلمت»؛ مجله مبلغان، دی و بهمن

۱۳۸۲، شماره ۴۹.

جامعه عزتمند ایران اسلامی، یک مصداق از عزتمندی جامعه حسینی است؛ جامعه‌ای که امام خمینی علیه السلام با شعار احیای هویت اسلامی و سربلندی ایران اسلامی قیام نمود تا بتواند عزت از دست رفته ایران را احیا کند. اکنون مقام معظم رهبری، مسیر عزت نظام اسلامی را با شجاعت ادامه داده و انقلاب اسلامی را اینگونه توصیف کرده است: «تنها انقلابی است که یک چله پُر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و از کرامت خود و اصالت شعارهایش، صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است».^۱

ب) راهکارهای حفظ جامعه عزتمند

حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان عزتمندی جامعه را حفظ کرد؟ در این خصوص راهکارهای متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. عزت‌خواهی الهی

در جامعه مؤمنانه، مؤمن هرگز ذلت نمی‌پذیرد؛ زیرا عزت‌خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر انسان را از عزت نفسش جدا کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ ... وَالْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا».^۲

۱. بیانیه گام دوم انقلاب.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۶۴.

خداوند عزیز و شکوهمند، تمام امور مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده است که ذلیل باشد». بر این اساس عزت‌خواهی از غیر خدا، ذلت است: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا»^۱. چنانکه امام علی علیه السلام فرمود: «الْعَزِيزُ بِغَيْرِ اللَّهِ ذَلِيلٌ»^۲.

متأسفانه امروزه ذلت، گریبانگیر حاکمان برخی کشورهای اسلامی شده؛ به گونه‌ای که بدون اجازه رهبران کفر، آب از گلویشان پایین نمی‌رود و کشوری مانند عربستان، عزت و اقتدار خود را در حمایت صاحبان قدرت جستجو می‌نماید. این در حالی است که طبق آموزه‌های قرآن، قبول سرپرستی منافقان، ظالمان و کافران، موجب ذلت است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»^۳ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آن‌هاست.

۲. پابندی به اسلام و ارزش‌های اسلامی

درباره اهداف قیام امام حسین علیه السلام، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی هدف امام علیه السلام را امر به معروف و نهی از منکر، برخی دعوت مردم و برخی دیگر تشکیل حکومت دانسته‌اند، اما در حقیقت هدف اصلی قیام امام علیه السلام، حاکمیت اسلام و ارزش‌هاست؛ چنانکه امام علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ؛ وَلَكِنْ لِنُرَدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ

۱. مریم: ۸۱. «و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزّ‌تشان باشد! (چه پندار خامی!)».

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۱۰.

۳. نساء: ۱۳۹.

فِي بِلَادِكُمْ؛ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكُمْ؛ وَتُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكُمْ.^۱
 خدایا تو می‌دانی که آنچه را ما [در امر حکومت] انجام دادیم، نه به
 خاطر به دست آوردن سلطنت و مقام بود و نه برای رسیدن به متاع
 پست دنیا؛ بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های محو شده دینت را
 بازگردانیم و بر پا سازیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار کنیم تا
 بندگان ستم‌دیده‌ات [از ظلم ظالمان] ایمن گردند و حدود و قوانین
 تعطیل شده‌ات اقامه و اجرا شود.

امام حسین علیه السلام برای تحقق این هدف، از روش شعار و ابزارهای
 متفاوتی استفاده نمود، اما آنچه در قیام حضرت موضوعیت داشت،
 حاکمیت دین و سنت بود که در پرتوی این دو، حق، عدالت، آزادی و
 مبارزه با منکر و ... شکل می‌گیرد؛ از همین رو بود که امام حسین علیه السلام به
 منظور حاکمیت دین و سنت، در قالب امر به معروف و نهی از منکر
 قیام کرد و از سنت‌شکنی و دین‌ستیزی یزید و امویان^۲ سخن گفت:
 «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ».^۳ انقلاب اسلامی نیز با الهام از
 قیام کربلا، به منظور پاسداری از دین و ارزش‌ها شکل گرفت؛ زیرا
 رهبران دین‌ستیز کمر به نابودی دین بسته بودند، از این رو امام
 خمینی رحمه الله در دوران مبارزه با رژیم طاغوت فریاد برآورد: «... ای سران
 اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای
 علمای قم به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام».^۴

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۴، ص ۱۱۱.

۲. ابومخنف کوفی؛ وقعة الطف؛ ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۷۳: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا...».

۴. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱، ص ۱۰۲ - ۱۰۶.

پایبندی مردم به اسلام، عزت اسلام، حقانیت مبانی فکری، مبارزه استکبار و دفاع از مظلومین را به همراه خواهد داشت؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «كُلُّ عِزٍّ لَا يُؤَيِّدُهُ دِينَ مَذَلَّةٌ»^۱ هر عزتی که دین تأییدش نکند، خواری است». امروزه دین در دنیا زنده و عزتمند است و این امر به رهبری امام خمینی علیه السلام و پایبندی مردم به دین به وجود آمد؛ هم چنانکه مقام معظم رهبری فرمود: «او [امام خمینی علیه السلام] به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید...»^۲ بنا بر آمارها، تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می کنند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان شده است.^۳ پرفسور اسماعیل کیلبس^۴ درباره عزت و احیای دین می گوید:

دین زنده شده است، کلیساها جان تازه گرفته اند، توجه به مذهب و اندیشه های مذهبی در دانشگاه ها دیگر زشت و کم بها تلقی نمی شود. زیبایی های معنوی در زندگی روزمره مورد بازبایی قرار گرفته است، جهان برای نجات و زیبا کردن روابط اجتماعی اش به قدرت دین و جاذبه های معنوی گرایش شدید پیدا کرده است و این همه ناشی از

۱. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عین الحکم و المواعظ؛ ص ۳۷۶.

۲. پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت، ۱۳/۰۳/۱۳۶۸.

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۰۷۹>

۳. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «امام خمینی علیه السلام در نگاه صاحب نظران شرق و غرب»؛

<https://www.yjc.ir/fa/news/۵۲۲۰۴۷۹>. ۱۳۹۴/۰۳/۱۳

۴. فیلسوف اسپانیایی (Ismail Kilbos)

دعوت نوینی بوده که امام خمینی علیه السلام با انقلاب دینی‌اش در عرصه افکار و ذهنیت جامعه جهانی آغاز کرد.^۱

۳. گسترش فرهنگ ایثار و شهادت

یکی از راه‌های حفظ عزت، گسترش فرهنگ ایثار و شهادت است؛ چنانکه یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا آمادگی خود را برای ایثار و شهادت اعلام کردند. مسلم بن عوسجه به امام عرض کرد: «هرگز از تو جدا نخواهم شد. اگر سلاخی برای جنگ با آنان هم نداشته باشم، با سنگ با آنان خواهم جنگید تا همراه تو به شهادت برسم».^۲ مردم ایران نیز با الهام از فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی امام حسین علیه السلام و یارانش، علیه شاه مبارزه کردند و تعداد زیادی از مردم به‌ویژه جوانان به شهادت رسیدند. برخی جوانان دیگر آرزوی شهادت می‌کردند، چنان‌چه جوانی در وصیت‌نامه خود نوشته بود: «احساس می‌کنم که روحم عوض شده است و مرا حال دیگری است. نمی‌دانم چرا وقتی سر به سجده می‌گذارم، بی اختیار گناهانم در خاطرم زنده می‌شود و اشک‌هایم مهر نماز را می‌شوید و در آن حال نمی‌دانم که چه هستم و کجا هستم؟ خدایا! چگونه شکر تو را به جای آورم که مرا رهرو راه حسین علیه السلام که همانا راه خون و شهادت است، قرار دادی!». ^۳ جوانان عزتمند کشور در طول هشت سال دفاع مقدس، ثابت کردند که برای حفظ دین، حاضرند جان خود را فدا کنند. بنابراین حفظ روحیه ایثار و

۱. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «امام خمینی علیه السلام در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب»؛

<https://www.yjc.ir/fa/news/5220479>. ۱۳۹۴/۰۳/۱۳

۲. جواد محدثی؛ پیام عاشورا؛ ص ۳۴.

۳. «خاطراتی سبز از یاد شهیدان»؛ مجله پاسدار اسلام؛ شماره ۲۶۶، بهمن‌ماه ۱۳۸۲.

جهاد برای بقای جامعه عزتمند، ضروری است؛ زیرا تقابل عزت و ذلت، تاریخ مصرف ندارد و عزت با جهاد گره خورده است. چنانکه امام علی علیه السلام فرمود: «وَالْجِهَادُ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ».^۱

اگر روحیه شهادت طلبی و جهاد در افراد جامعه‌ای نباشد، آن جامعه سرنوشتی ذلت بار خواهد داشت؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر دوستان خاص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خداوند لباس ذلت و خواری را بر او می‌پوشاند».^۲

۴. معنویت و اخلاق گرایی

معنویت و اخلاق، دو بالی بود که قیام امام حسین علیه السلام را جاودانه کرد. معنویت گرایی امام حسین علیه السلام و یارانش در شب عاشورا به اوج خود رسید. حضرت و یارانش تمام شب را به نماز، تسبیح، استغفار، دعا و تضرع مشغول بودند.^۳ راوی می‌گوید: «از کنار خیمه‌های اردوگاه امام حسین علیه السلام گذر کردم. صدای زمزمه، و راز و نیاز آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش می‌رسید. برخی در حال رکوع، جمعی در سجده و گروهی ایستاده و نشسته به عبادت مشغول بودند».^۴ امام علیه السلام نیز در آخرین لحظه‌های زندگی عرضه داشت: «خدایا! بر تقدیر تو صبورم، معبودی جز تو نیست، بر حکم تو صابرم؛ ای پناه بی پناهان».^۵

۱. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۴.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ جمل من أنساب الأشراف؛ ج ۳، ص ۳۹۴.

۴. ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۹۴.

۵. عبد الرزاق موسوی مقرر؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ ص ۳۵۷.

در انقلاب اسلامی نیز معنویت‌گرایی امام‌الله و مردم، عامل تعیین‌کننده سرنگونی رژیم شاه، استقلال، عزت‌مندی و خروج نیروهای بیگانگان از ایران بود. از سوی دیگر انقلاب اسلامی را کسی رهبری می‌نمود که طلایه‌دار معنویت بود. مقام معظم رهبری در این باره فرمود: «ایشان تا آخرین لحظات حیاتشان، ذکر و نماز و دعا را از دست ندادند ... بعد از اتمام نماز [ظهر و عصر] مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر می‌بردند، مرتب پشت سر هم می‌گفتند: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر»^۱. معنویت امام‌الله به گونه‌ای بود که اندیشمندان غرب را تحت تأثیر قرار داد. هنری کسینجر^۲ می‌گوید:

آیت الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد؛ تصمیمات او آنچنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاست‌مداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد، گویی از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت الله خمینی با غرب، برگرفته از تعالیم الهی او بود.^۳ رویین وود زورث^۴ درباره ملاقاتش با امام خمینی‌علیه‌السلام می‌نویسد:

احساس می‌کردم که از لابه‌لای آن گردبادی از نیروی معنوی می‌وزد.

۱. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۸/۰۳/۱۳۶۸.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۸۰>

۲. مشاور سابق رئیس‌جمهوری آمریکا.

۳. خبرگزاری صدا و سیما؛ «نظر اندیشمندان، رسانه‌های غربی درباره امام خمینی و

انقلاب اسلامی»؛ ۱۸/۰۵/۱۳۹۵. <http://www.iribnews.ir/fa/news/۱۴۹۵۳۵۷>

۴. خبرنگار آمریکایی.

گویا در ورای آن عبای قهوه‌ای، عمامه مشکی و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ به طوری که همه بینندگان را محو تماشای خود می‌کرد. در آن هنگام حس کردم که با حضور او همه ما کوچک شده‌ایم و گویا در سالن، کسی جز او باقی نمانده است. آری، او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حضار رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می‌کردم می‌توانند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کنند، در هم شکست. او با حضور خود، آنقدر در ما تأثیر گذارد که احساس کردم تمام روح و جسمم را فرا گرفته است... کمترین چیزی که می‌توانم بگویم، این است که گویا او، یکی از انبیای گذشته است و یا اینکه او موسای اسلام است و آمده تا فرعون کافر را از سرزمین خود براند.^۱

۵. نهاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر

ایجاد و حفظ عزت اسلام، در گرو امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این دو عنصر مانند جریان خون در رگ‌های یک پیکر است. ترک و سهل‌انگاری در این باره، بی‌رنگ شدن دین و مرگ تدریجی امت اسلامی را به دنبال خواهد داشت. متأسفانه امروزه این فریضه الهی بار دیگر فراموش شده و مردم در برابر آن، بی‌تفاوت شده‌اند و در برابر ناهنجاری‌هایی مانند بدحجابی عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. بی‌تفاوتی یک ملت نسبت به مفاسد و ستم‌ها، نشان مرگ آن جامعه است. جامعه‌ای که غیرت دینی را از دست داده باشد و نسبت به خوب و بد اوضاع، بی‌تفاوت باشد، مُرده است. نتیجه این بی‌تفاوتی

۱. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران؛ «استثنایی به نام امام خمینی».

نیز همان چیزی خواهد شد که در سخن گهربار امام رضا علیه السلام آمده است: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ»^۱ باید هر یک از شما امر به معروف و نهی از منکر نمایید، و گر نه شروترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما دعا و نفرین کنند، مستجاب نخواهد شد».

شهید مطهری رحمته الله در توضیح این روایت می‌نویسد:

وقتی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آنقدر پست می‌شوند و آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می‌رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می‌روند، هر چه ندا می‌کنند، به آنها اعتنا نمی‌شود.

بنابراین برای حفظ عزتمندی، باید همه افراد جامعه امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ زیرا سبب رستگاری جامعه می‌شود: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند».

۶. مبارزه با رفاه‌طلبی

یکی دیگر از روش‌های حفظ عزتمندی، مبارزه با تجمل‌گرایی است. برای حفظ عزتمندی، باید از برخی امکانات رفاهی چشم‌پوشد و بعضی از محرومیت‌ها را با جان و دل پذیرفت. در روایات نیز از قناعت به عنوان وسیله عزت یاد شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «لَا أَعَزُّ

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۶.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

مِنْ قَانَع: 'هیچ کس عزیزتر از فرد قانع نیست'. در مقابل، اسراف، تجمل و مصرف‌گرایی، وسیله ذلت معرفی شده است. بنا بر داده‌های تاریخی، ملتی می‌تواند به خودکفایی اقتصادی و پیروزی برسد که بر خود سخت بگیرد و ذلت زودگذر را فدای عزت پایدار نماید. کوزه چشم حریصان پر نشد

تا صدف قانع نشد، پر دُر نشد^۲

۷. استکبارستیزی

از دیگر شاخصه‌های عزتمندی، استکبارستیزی است. روحیه استکبارستیزی امام خمینی^{علیه‌السلام} سبب شد که هرگز با شاه مذاکره نکرد و در مقابل استکبار مثل کوه ایستاد؛ زیرا عقلانیت و دین‌مداری امام، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، عقب‌نشینی نکند.^۳ امام^{علیه‌السلام} در طول دوران مبارزه، تلاش نمود تا این حقیقت را برای ملت آشکار کند که راه سرافرازی، عزت و دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت، در گروه استقامت و ایستادگی در برابر استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با این اعتقاد که «همه بدبختی ما از آمریکاست»، خوی تجاوزگری آمریکا و ضرورت مبارزه و عدم رابطه با استکبار را برای همگان تبیین کرد و فرمود: «این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۳۹۲.

۲. جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بیت ۲۱.

۳. خبرگزاری تسنیم؛ «غیرت، عزت و مقاومت در الگوی امام خمینی^{علیه‌السلام}»؛

برای بره نیست. اینها می‌خواهند از ما بدوشند، اینها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند.^۱ همچنین ایشان فرمود: «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است».^۲

امروزه نیز استکبارستیزی سبب اقتدار ما شده است؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخست وزیر ژاپن، رئیس جمهور آمریکا را لایق مذاکره ندانست. این عزتمندی نتیجه پیروی از سیره امام حسین (علیه السلام) است که فرمود: «شگفتا! زنازاده فرزند زنازاده مرا بین یکی از دو چیز مجبور کرده است، بین مرگ و ذلت (تسلیم) و هیئات که ما خواری را بپذیریم».^۳ بنابراین رهبر عزت‌گرا و استکبارستیز، می‌تواند جامعه را از سلطه بیگانگان نجات داده و مردم را به عزت فرا خواند؛ چنانکه امام (علیه السلام) فرمود:

شما نمی‌توانید بگویید که ایران باید قدرتمند باشد و قدرتمند است و اگر شاه برود، قدرت از بین می‌رود. ما می‌خواهیم که این کسی که این ضعف را برای ایران آورده، قدرت را به هدر داده است، این برود.^۴

همچنین امام درباره ذلت رضاشاه فرمود:

من یک وقتی که در یک عکسی که در سال‌های سابق دیدم که محمدرضا پهلوی مقابل یکی از روسای جمهور آمریکا ایستاده بود که الآن اسم او را یادم نیست [لیندون جانسون] من دیدم مثل یک

۱. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه / امام؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۳. ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۹۷.

۴. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه / امام؛ ج ۵، ص ۹۷.

عبد ضعیف ایستاده است در مقابل یک قدرتمند؛ عینک برداشته است این‌طور و اصلاً به او نگاه نمی‌کند، نگاهش را به آن طرف انداخته است و این هم مثل یک بچه مکتبی مقابل معلم ایستاده است و من این قدر ناراحت شدم که وضع ما به اینجا رسیده است که یک کسی که دارد به ما حکومت می‌کند، سلطنت می‌کند، در مقابل... یک اجنبی که احتیاج دارد به این کشور، احتیاج دارد به سرمایه‌های این کشور، این‌طور بایستد.^۱

۸. افزایش توان علمی و نظامی

یکی دیگر از راه‌های حفظ عزت و اقتدار جمهوری اسلامی، افزایش توان نظامی است؛ زیرا قدرت نظامی، عامل مهم بازدارنده از تجاوز دشمن است. فلسفه فراخوانی قرآن به قدرت نظامی نیز همین است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوْكُمْ»^۲ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

امروز قدرت بازدارندگی یک کشور، محدود به ابزار نظامی نیست؛ بلکه دانش سبب اقتدار ملی می‌شود. از این روست که در منظومه ساختاری استعماری امروزه، تکنولوژی و علم موجب تسلط یک کشور بر کشور دیگر می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «علم، قدرت و

۱. همان؛ ج ۱۵، ص ۴۳۱.

۲. انفال: ۶۰.

اقتدار است. هر کس به آن دست یافت، فرمانرواست. کسی که بدان دست نیافت، فرمانبر خواهد بود».^۱

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۳۱۹.

ثبات قدم و استواری در راه حق

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی*

مقام والای حضرت ابوالفضل علیه السلام

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام دارای چند ویژگی خاص است که افراد معدودی در تاریخ چنین ویژگی‌هایی را دارند. ویژگی اول، مدح توسط ائمه معصومین علیهم السلام است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام ایشان را با عبارت «نَافِذُ الْبَصِيرَةِ»^۱ توصیف کرده و امام سجاد علیه السلام حضرت را صاحب مقام ویژه دانسته است. ویژگی دوم، شاگرد ویژه مکتب چهار معصوم بودن است. ویژگی سوم، مقام خاص آن حضرت است که همه شهدا روز قیامت به این مقام غبطه می‌خورند. امام صادق علیه السلام زیارت‌نامه خاص حضرت را با این سلام آغاز کرده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ».

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی و نخبه تبلیغی حوزه علمیه قم.

۱. ابراهیم بن محمد ثقفی؛ *الغارات*؛ ج ۲، ص ۲۷۵: «فَإِنَّهُ نَافِذُ الْبَصِيرَةِ مَطَاعٌ فِي الْعَشِيرَةِ شَدِيدٌ

عَلَى عَدُوِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ يَفْرُقَ بَيْنَهُمْ يَأْذِنُ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

ویژگی چهارم حضرت، جایگاه خاص ایشان در نزد امام حسین علیه السلام و در میان لشکر آن حضرت است. گاهی بعضی افراد، به تنهایی یک امت هستند؛ چنانکه قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام را یک امت معرفی کرده است. حضرت عباس علیه السلام هم به تنهایی یک لشکر برای امام حسین علیه السلام بود؛ زیرا وقتی همه یاران امام به شهادت رسیده بودند و حضرت عباس علیه السلام می خواست به میدان برود، امام به او فرمود: «لشکر من از هم می باشد». در گذشته علم لشکر را به دست کسی می دادند که دشمن بداند تا این فرد زنده است، جرئت ندارد به لشکر نزدیک شود. حضرت عباس علیه السلام قوام خیمه ها و لشکر امام حسین علیه السلام بود؛ از همین رو بود که وقتی علی اکبر علیه السلام و دیگر یاران به شهادت رسیدند، امام حسین علیه السلام با خیال آسوده خیمه ها را رها کرد و بالای سر هر یک از یاران آمد.

مقام و منزلت حضرت عباس علیه السلام تا آنجاست که می توان حضرت را مصداق دیگری از آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۱ دانست که در شب لیلۃ المبیت، در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است. حضرت عباس علیه السلام نیز نه تنها جان خود را فدای امام کرد؛ بلکه صبح روز عاشورا به برادرانش فرمود: «يَا بَنِي أُمِّي! تَقَدَّمُوا حَتَّى أَرَاكُمْ قَدْ نَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ»^۲ ای پسران مادرم! به سوی میدان مبارزه بروید تا ببینم که چگونه در راه خدا و پیامبرش اخلاص می ورزید و در این راه خیرخواهی می کنید». از همین روست که خداوند مقام باب الحوائجی را به ایشان عطا کرده است.

۱. بقره: ۲۰۷.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۰۹.

تفاوت ثبات قدم با لجاجت و تعصب

ثبات قدم، به معنای ایستادگی بر موضع حق و موضع برخاسته از عقل و منطق و دعای همیشگی مؤمنان است: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»^۱ پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار. اولین درس واقعه جانسوز عاشورا را می‌توان، ثبات قدم در دینداری و دفاع از حق دانست؛ چنانکه در زیارت عاشورا نیز همین مسئله را از خداوند در خواست می‌کنیم: «وَتَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ». در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «فَتَبِّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ».

حضرت عباس علیه السلام و یاران امام حسین علیه السلام، مصداق بارز ثبات قدم و استواری در راه حق هستند؛ زیرا اگرچه می‌دانستند به شهادت می‌رسند، اما در دفاع از حق با حضرت همراه شدند. دشمن نیز گاه در جبهه کفر خود استواری می‌کند، سپاهیان لشکر ابن سعد که در جبهه کفر خود باقی ماندند. این پافشاری و اصرار، لجاجت، تعصب و تحجر است؛ یعنی ماندن بر موضع باطل که صفتی منفی است؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «لَلْجَوِّ فِي طُغْيَانِهِمْ»^۲ امام سجاد علیه السلام درباره این لجاجت و تحجر لشکریان ابن سعد می‌فرماید:

در روز عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام عازم میدان شد، عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله را بر سر بست و شمشیر حضرت را در دست گرفت. وقتی وارد میدان شد، به لشکر ابن سعد فرمود: «این عمامه را می‌شناسید که

۱. بقره: ۲۵.

۲. مؤمنون: ۷۵: «وَلَوْ رَجَمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجَوِّ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ».

عمامه پیامبر ﷺ است؟». گفتند: «بله، می‌شناسیم». حضرت فرمود: «این شمشیر را می‌شناسید که شمشیر پیامبر ﷺ است؟». گفتند: «بله، می‌شناسیم». حضرت فرمود: «شما را به خدا قسم می‌دانید مادرم، فاطمه علیها السلام دختر پیامبر ﷺ است؟». گفتند: «بله، می‌دانیم». فرمود: «می‌دانید پدرم علی علیهما السلام، پسر عموی پیامبر ﷺ است؟». گفتند: «بله، می‌دانیم». سپس گفتند: «غَيْرُ تَارِكِكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطْشًا: ۱ تا تو را به شهادت نرسانیم، از این بیابان نمی‌رویم».

قرآن درباره این افراد به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى: ۲ تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی».

اهمیت ثبات قدم و جدا نشدن از دین

اهمیت ثبات قدم و استواری در دین، جهت‌دهنده مسیر زندگی است و عزت و سربلندی انسان را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت کلید دستیابی به موفقیت و پیروزی، در همین استقامت بر اصول و اعتقادات نهفته است. خداوند درباره کسانی که از این مسیر جدا می‌شوند، به پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ: ۳».

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴، ص ۳۱۸؛ محمد بن علی صدوق؛ الأمالی؛ ص ۱۵۹: «قَالُوا قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ كُلَّهُ وَ نَحْنُ غَيْرُ تَارِكِكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطْشًا فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْرِفُ لِحْيَتِهِ...».

۲. نمل: ۸۰.

۳. مائده: ۵۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَدْلَىٰ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

رسول خدا ﷺ نیز این مسئله را پیش‌بینی کرده بود. انس بن مالک می‌گوید:

خدمت حضرت رسیدم، در حالی که روی حصیری خوابیده بود. حضرت از من پرسید: «فرد دیگری هم همراه توست؟». گفتم: «خیر». حضرت فرمود: بدان که اجل من نزدیک شده و اشتیاقم به دیدار پروردگارم و برادرانم، پیامبران پیش از من، به درازا کشیده است. سپس گریست. عرض کردم: «برای چه گریه می‌کنید؟». حضرت فرمود: «چگونه نگریم، وقتی می‌دانم بعد از من چه بر سر اتم می‌آید». عرض کردم: «یا رسول‌الله! بعد از شما چه بر سر امت می‌آید؟». حضرت فرمود: «خواسته‌های گوناگون و بریدن رشته خویشاوندی و عشق به مال و مقام و به وجود آمدن بدعت در دین».^۱

تزلزل در دفاع از حق، ناشی از عجز، ضعف و سست‌عنصری است که موجب انحرافات بسیاری می‌شود. چنانکه در جنگ جمل، بسیاری از کسانی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) جنگیدند، یا از خویشاوندان آن حضرت بودند و ارتباط خویشاوندی خود را امام را قطع کرده بودند و یا کسانی که در جنگ با مشرکین، در کنار امیرالمؤمنین (علیه السلام) جنگیده بودند؛ اما گرفتار ریاست‌طلبی و پول‌پرستی شده بودند.

حبّ دنیا و پول‌پرستی، یکی از عوامل تزلزل ثبات قدم در دینداری است. تا زمانی که رسول خدا ﷺ در قید حیات بود، هیچ اختلاف و دعوایی بر سر مال و پول و دنیا نبود؛ اما پس از رحلت آن حضرت، وضعیت بسیاری از افراد به گونه‌ای تغییر کرد که مال‌التجاره و

۱. حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲، ص ۶۴.

اموالشان قابل شمارش نبود. عبدالرحمان بن عوف، یکی از این افراد بود که هنگام وفاتش، شمش‌های طلایش را با تبر تقسیم می‌کردند؛ در حالی که وقتی از مکه به مدینه آمد، نه غذایی برای خوردن و نه جایی برای استراحت کردن داشت. فردی او را به خانه‌اش برد و به او غذا و محل استراحت داد.

این اتفاق در انقلاب اسلامی ما نیز رخ داد. وقتی هواپیمای امام خمینی علیه‌السلام از پاریس در تهران بر زمین نشست، افراد بسیاری در کنار امام علیه‌السلام بودند که متأسفانه از انقلاب و آرمان‌های امام علیه‌السلام برگشتند، تا جایی که بعضی با لباس زنانه از کشور فرار کردند. اگر چه افراد بسیاری نیز در میانه راه سوار قطار انقلاب شدند و در دفاع از دین و ارزش‌های انقلاب، تا پای جان ایستادگی کردند.

دعایی برای ثبات قدم در دین

وقتی انسان مقصد و راه را شناخت، آن را پذیرفت و به آن ایمان آورد؛ باید در این راه، بر اساس روشی گام بردارد که پروردگار جهانیان تعیین کرده است. این، همان چیزی است که از آن به عنوان دین اسلام یاد می‌شود و همهٔ پیامبران در قالب شیوه‌ها و سبک‌های زندگی، به آن دعوت کرده‌اند. در واقع، استقامت‌ورزی در اصول دین که مأموریت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ابلاغ رسالات الهی است، از مهم‌ترین اصولی است که در استقامت حقیقی، لازم و ضروری قلمداد می‌شود؛ زیرا چنین استقامتی است که موفقیت‌آمیز خواهد بود و انسان را در دین و آخرت به پیروزی و فلاح و رستگاری و سعادت می‌رساند. اهمیت این مسئله تا

آنجاست که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام همواره آن را برای اصحاب خود طلب می کرده‌اند.

حضرت عبدالعظیم حسنی فردی فقیه، عالم و مفسر بزرگی بود. هنگامی که خدمت امام هادی علیهما السلام رسید، از حضرت اجازه گرفت تا عقایدش را ارائه کند تا اگر دینش مرضی و پسندیده است تا قیامت بر آن باقی بماند. پس از کسب اجازه، عقایدش را برای امام بازگو کرد. حضرت برایش چنین دعا کرد: «تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ».^۱

ثبات قدم در شرایط سخت

یکی از مواقعی که فرد می‌تواند ثبات قدمش را نشان دهد، شرایط بحرانی است؛ مانند وقتی که جنگی اتفاق می‌افتد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید». بسیاری از کسانی که از قطار انقلاب پیاده شدند، در حوادث و اتفاقات دچار ریزش شدند. برخی در جریان سال ۸۸ از قطار انقلاب پیاده شدند و برخی در سال‌های قبل‌تر از آن. تا زمانی که امام خمینی رحمه الله در قید حیات بود، بسیاری از این افراد در کنار ایشان بودند؛ اما پس از رحلت امام، دچار ریزش شدند.

۱. محمد بن علی صدوق؛ التوحید؛ ص ۸۲.

۲. انفال: ۴۵.

روزی فردی به امام جواد علیه السلام نامه نوشت و از پدرش که فردی ناصبی بود و به اهل بیت علیهم السلام ناسزای می گفت، شکایت کرد. امام جواد علیه السلام در پاسخ^۱ به سه نکته بسیار مهم اشاره کرد:

۱. «الْمُدَارَاةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ: مدارا برای تو بهتر از رو در رویی و مقابله کردن با پدر است». یکی از مسائل بین المللی اسلام، احترام به والدین اعم از کافر یا مسلمان است. احترام والدین در هر حالتی باید حفظ شود. مسئله دیگری که اهمیت بین المللی دارد و اختصاص به مسلمانان ندارد، امانت داری و وفای به عهد است.^۲

۲. «وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: شکیبایی و بردباری پیشه کن و صبور باش». روزهای سخت تمام می شود. انقلاب اسلامی موج های بلندی مانند جنگ تحمیلی، تحریم های سخت اقتصادی، موشک باران شدن شهرها و ... را پشت سر گذاشته است، اما اکنون هم پشتمانه مالی و هم پشتمانه قضایی دارد. برای مقابله با دشمن باید از حضرت زینب علیها السلام درس گرفت که در مجلس یزید به او فرمود: «فَكَدَّ كَيْدَكَ وَاسْعَ سَعْيَكَ وَ نَاصِبْ جُهْدَكَ فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا: هر چه می توانی نقشه بکش و تلاش کن. به خدا سوگند یاد ما محو شدنی نیست و وحی ما را، نام ما را، پیام ما را نمی توانی از میان برداری».

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۷۹: «عَنِ ابْنِ مَهْرَبَانَ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبَ صِهْرِي إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام أَنَّ أَبِي نَاصِبٌ خَيْبُ الرَّأْيِ وَقَدْ لَقِيتُ مِنْهُ شِدَّةً وَجَهْدًا فَرَأَيْتُكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي الدُّعَاءِ لِي وَ مَا تَرَى جُعِلْتُ فِدَاكَ أَفْتَرَى أَنَّ أَكْثِيفَهُ أَمْ أَدَارِيهِ فَكُتِبَ قَدْ فَهِمْتُ كِتَابَكَ وَ مَا ذَكَرْتُ مِنْ أَهْرِ أَيْبِكَ وَ لَسْتُ أَدْعُ الدُّعَاءَ لَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ الْمُدَارَاةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ وَ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرٌ فَاضْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ نَبَّكَ اللَّهُ عَلَى وَلَا يَبِ مِنْ تَوَلَّيْتَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ فِي وَدِيعَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضِيغُ وَدَائِعُهُ قَالَ بَكْرٌ قَعَطَفَ اللَّهُ بِقَلْبِ أَبِيهِ حَتَّى صَارَ لَا يَخَالِفُهُ فِي شَيْءٍ».

۲. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۶۷: «وَقَالَ عليه السلام ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رُحْصَةً بِرُ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ وَ وَفَاءً بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ».

۳. ابن طاووس؛ اللهوف على قتلى الطفوف؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ ص ۱۸۵.

۳. «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ: صبور باش که عاقبت نیک در انتظار متقین است». اگر انسان می‌خواهد دنیایی با آرامش و آخرتی سعادت‌مند و مطمئن در انتظارش باشد، باید با ایستادگی بر انجام واجبات و ترک محرمات، خود را در برابر حربه‌های شیطان و جنودش بیمه کند. حضرت در انتهای نامه نوشت: «تَبْتَكَ اللَّهُ عَلَى وَلَايَةِ مَنْ تَوَلَّيْتَ: خداوند تو را در راه محبت و ولایتِ آنان که دوستشان داری، ثابت قدم بدارد». ثابت قدم و استوار بودن، بر مسیر حق ماندن، از قطار اسلام و دین پیاده نشدن و این قطار را به آخر ایستگاه رساندن، بسیار مهم است. تاریخ انسان‌های بسیاری را به خاطر دارد که اگر چه ابتدا در جبهه کفر بودند، اما سعادت‌مند از دنیا رفتند. چنانکه حر بن یزید ریاحی، ابتدا مقابل امام حسین علیه السلام ایستاد و راه را بر امام علیه السلام بست، اما متحول شد و در رکاب امام علیه السلام به شهادت رسید. انسان‌های بسیاری نیز بوده‌اند که اگر چه در جبهه حق بودند، اما دچار انحراف شده و در حال کفر از دنیا رفتند. آنچه مهم است اینکه انسان در انتها از مسیر حق جدا نشود. از همین رو بود که پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمود: «الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ»^۱ هر کاری به پایان آن است».

راهکارهای ثابت قدم بودن

۱. خواندن آیات و دعاها برای ثبات قدم

آیات و دعا‌های بسیاری وجود دارد که در آنها از خداوند طلب ثبات قدم شده است؛ مانند این آیه شریفه که می‌فرماید: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا

۱. عبدالله بن جعفر حمیری؛ قرب الإسناد؛ ص ۲۴: «وَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ، الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ».

وَتَبَّتْ أَقْدَامَنَا: ^۱ پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار». امام صادق (ع) نیز در سختی‌ها به خواندن این دعا سفارش کرده است: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ تَبَّتْ قُلُوبِي عَلَى دِينِكَ». ^۲ مؤمن آل‌فرعون پیرو موسی (ع) بود. وقتی تهدید شد، این دعا را زیاد می‌خواند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا». ^۳ در روایت دیگری امام صادق (ع) کسانی را که از مکر و خدعه می‌ترسند، به خواندن این آیه سفارش کرده است: «أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ». ^۴

دعا باعث رشد انسان می‌شود: «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ». ^۵ خداوند در انتهای سوره فرقان می‌فرماید: «قُلْ مَا يَغْنَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» ^۶ بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند». امیرمؤمنان علی (ع)، مردی را دید که از روی نوشته، دعایی طولانی می‌خواند. به او فرمود: «ای مرد! آن که زیاد را می‌شنود، اندک را هم پاسخ می‌دهد». مرد گفت: «سرورم! پس چه کنم؟». حضرت فرمود: «بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ: ستایش خدای را بر هر نعمتی، و هر خوبی را از خدا می‌خواهم و از هر بدی، به خدا پناه می‌برم و از هر گناهی، از خدا آمرزش می‌طلبم». ^۷

۱. بقره: ۲۵۰.

۲. محمد بن علی صدوق؛ کمال‌الدین و تمام النعمة؛ ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل‌أبی‌طالب (ع)؛ ج ۱، ص ۵۷.

۴. غافر: ۴۴.

۵. بقره: ۱۸۶.

۶. فرقان: ۷۷.

۷. محمد باقر مجلسی؛ بحار‌الانوار؛ ج ۹۱، ص ۲۴۲.

۲. خواندن نماز شب

خداوند در سوره مزمل به پیامبر ﷺ درباره سنگینی امر رسالت می‌فرماید: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»^۱ و برای ثبات قدم در این راه به او دستور می‌دهد که نماز شب بخواند: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»^۲ اهمیت دادن به نماز و به‌ویژه نماز شب، در ثبات قدم ماندن در مسیر حق، بسیار مؤثر است.

در ایام ماه صفر در یکی از کشورهای اروپایی که برای تبلیغ رفته بودم، هنگام نماز در یک پارک روزنامه انداختیم و نماز خواندیم. مردم مسیحی آمدند و ما را تماشا کردند. بعد از نماز یکی از آنها پرسید: «این چه عملی بود که انجام دادید؟». گفتیم: «نماز خواندیم». پرسید: «چند وقت یک‌بار می‌خوانید؟». گفتیم: «هر روز و روزی پنج بار می‌خوانیم: صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء». آن فرد اندکی فکر کرد و گفت: «این کار شما صحیح‌تر است تا اینکه هفته‌ای یک‌بار به کلیسا برویم. کار شما مانند این است که هر روز غفلت‌زدایی می‌کنید، مثل هر روز دست شستن». آن فرد مسیحی نمی‌دانست حقیقت نماز چیست، اما مطلبی را بیان کرد که در روایت آمده است. در روایت آمده است: «هر کس نمازهای پنج‌گانه را به وقتش انجام دهد، از غافلین نخواهد بود».^۳ در واقع، نماز کارواش روح است و سبب

۱. مزمل: ۵.

۲. همان: ۲.

۳. احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۱، ص ۵۱: «أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ خَافِظْ عَلَى صَلَاةِ الْقَرِصَةِ

فَصَلَّاهَا لَوْفَتْهَا فَلَيْسَ هُوَ مِنَ الْغَافِلِينَ».

اعتدال در زندگی می‌شود. قرآن، انسان را موجودی حریص و بی‌تاب معرفی می‌کند که وقتی بدی به او می‌رسد، نالان می‌شود و هر گاه خیری به او می‌رسد، بخیل است،^۱ اما نمازگزاران را از این صفات استثناء کرده است.

۳. عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان

مطالعه تاریخ گذشتگان و سرگذشت انبیای گذشته، می‌تواند به ثبات قدم در راه حق کمک کند. قرآن به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ»^۲ و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم».

هست اندر صورت هر قصه‌ای خرده‌بینان را ز معنا حصه‌ای

پیامبر ﷺ را مجنون می‌خواندند. خداوند قصه نوح ﷺ را برای حضرت بیان می‌کند که در طول ۹۵۰ سال مردم آن حضرت را مجنون، بیکار و پیر خطاب می‌کردند.

آن یکی می‌گفت بیکاری مگر یا شدی فرطوت و عقلت شد ز سر

پیامبر ﷺ را با سنگ می‌زدند، خداوند قصه حضرت نوح ﷺ را بیان می‌کند که مردم ایشان را هم اذیت می‌کردند؛ هم‌چنانکه حضرت هود ﷺ را هم مورد آزار و اذیت قرار می‌داند. مردم به سخنان پیامبر ﷺ اهمیت نمی‌داند و از حضرت اطاعت نمی‌کردند، خداوند قصه

۱. معارج: ۲۱-۱۹.

۲. هود: ۱۲۰: «و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت

می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم».

حضرت صالح علیه السلام را بیان می‌کند که مردم از او اطاعت نکردند و ناقه الله را به قتل رساندند. مطالعه سرگذشت انبیای گذشته و تاریخ گذشتگان، درس استقامت و ثبات قدم بودن در مسیر حق و تحمل سختی‌ها می‌دهد.

۴. کمک به دیگران

خداوند درباره کمک به دیگران و ثبات قدم در راه حق می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۱ و مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند، مثل بوستانی است که در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان (که منتظرند) دهد، و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد)، و خدا (به کار شما) بیناست.

مرحوم طباطبایی رحمته الله در تفسیر «تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، ۷ تا ۸ احتمال را مطرح می‌کند و سپس همه این احتمالات را رد می‌کند و می‌نویسد: «افرادی که به مردم کمک می‌کنند و باری از دوش مردم بر می‌دارند و دائماً به دیگران خیر می‌رسانند و از کار زشت دوری می‌کنند، در راه حق ثابت قدم هستند».^۲

۱. بقره: ۲۶۵.

۲. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۳۹۱.

تجلی فضایل اخلاقی در کربلا

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی *

اشاره

قیام مقدس سیدالشهداء علیه السلام از ابعاد مختلف، قابل بررسی و الگوگیری برای جوامع بشری است. یکی از ابعاد با عظمت این نهضت خونین، فضیلت‌های اخلاقی است که از سالار شهیدان علیه السلام در این نبرد تاریخی به یادگار مانده است. بر خلاف بسیاری از جنگ‌ها که فرماندهان فقط به فکر پیروزی بر دشمن هستند، نهضت جاودانه کربلا را باید تجلی فضایل اخلاقی نامید. در این مقاله به پاره‌ای از فضیلت‌های سیدالشهداء علیه السلام که در این حادثه تاریخی جلوه‌گر شد و آن را از دیگر قیام‌ها ممتاز کرد، می‌پردازیم؛ فضایی مانند: «رحمت عام»، «جوانمردی»، «احترام به حقوق مردم»، «اعتماد به پروردگار»، «حلم و بردباری» و «صبر و پایداری». اگر چه فضیلت‌های بسیار دیگری از آن امام شهید در تاریخ کربلا ثبت شده است اما به دلیل رعایت اختصار، از آن صرف‌نظر می‌شود.

* نخبه تبلیغی حوزه علمیه قم.

۱. رحمت عام

اگر چه افراد بسیاری در مسیر حرکت امام حسین علیه السلام با دعوت امام روبه‌رو شدند، ولی حاضر به یاری آن حضرت نشدند و امام علیه السلام را در میان گرگ‌صفتان لشگر کوفه تنها گذاشتند، اما گزارش‌های فراوان تاریخی حاکی از لطف و رحمت امام نسبت به این‌گونه افراد بی‌وفاست. امام علیه السلام از آنها خواست زودتر از این منطقه دور شوند تا صدای «هل من ناصر» حضرت را در روز غربت و تنهایی نشنوند. در واقع امام نمی‌خواست حتی چنین افرادی، گرفتار بار سنگین تر گناه خود شوند. برخی از این افراد عبارتند از:

الف) عبیدالله بن حرّ جعفی

پس از مخالفت عبیدالله بن حرّ جعفی با یاری امام علیه السلام، آن حضرت از سر دلسوزی به او فرمود:

وَلَكِنْ فَرَّ فَلَا لَنَا وَلَا عَلَيْنَا فَإِنَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ لَمْ يُجِبْنَا
كَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛^۱ و لیکن تو هم از اینجا فرار کن که
نه با ما باشی و نه علیه ما، چرا که هرکس صدای کمک‌خواهی ما
اهل بیت علیهم السلام را بشنود و اجابت‌مان نکند خداوند او را به صورت در
آتش جهنم اندازد.

ب) عمرو بن قیس

عمرو بن قیس مشرقی می‌گوید: به همراه پسر عمویم در قصر بنی مقاتل خدمت امام علیه السلام رسیدیم. پسر عمویم به امام گفت: آنچه در موی

۱. محمد بن علی صدوق؛ *الأمالی*؛ ص ۱۵۵.

شما می بینم، رنگ طبیعی است یا خضاب کرده اید؟ حضرت فرمود: «خِضَابٌ وَ الشَّيْبُ إِلَيْنَا بَنِي هَاشِمٍ يَعْجَلُ»^۱ خضاب است، پیری زود به سراغ ما بنی هاشم می آید. سپس فرمود: «آیا برای یاری من آمده اید؟» گفتم: من سالخورده هستم و عیالوار و از طرفی کالاهایی از مردم در دست من است و نمی دانم آینده چه خواهد شد و دوست ندارم امانت‌هایی که در اختیار دارم، از بین برود. پسر عمویم نیز همین سخنان را گفت. امام علیه السلام فرمود: «فَانْطَلِقَا فَلَا تَسْمَعَا لِي وَاعِيَةً وَ لَا تَرِيَا لِي سَوَادًا فَإِنَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعِيَتَنَا أَوْ رَأَى سَوَادَنَا فَلَمْ يُجِبْنَا وَ لَمْ يُعِنَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُكَبِّهَ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ»^۲ حرکت کنید تا صدای یاری مرا نشنوید و لشگر مرا نبینید. هر کس صدای مرا بشنود و سپاه مرا ببیند، اما پاسخی ندهد و ما را یاری نکند، سزاوار است که خداوند او را به دوزخ افکند.

ج) هرثمه بن سلیم

هرثمه بن سلیم می گوید: در جنگ صفین در رکاب علی بن ابی طالب علیه السلام جنگیدیم. هنگامی که به سرزمین کربلا رسیدیم، امام علیه السلام پس از نماز، قدری از خاک کربلا را برداشت، بوئید و فرمود: «وَاهَا لَكَ أَيُّهَا الثُّرْبَةُ لِيُحْشَرَنَّ مِنْكَ أَقْوَامٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۳ به به ای خاک، گروهی از تو محشور می شوند که بدون حساب وارد بهشت خواهند شد. وقتی به خانه رسیدم، این داستان را برای همسرم که از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بود، بازگو کردم و از اینکه حضرت از غیب سخن

۱. همو؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۲۵۹.

۲. همان.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۲۵۶.

می‌گفت، اظهار شگفتی کردم. هم‌سرم گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام جز به حق سخن نمی‌گوید. سال‌ها گذشت تا آنکه همراه با سپاه عیدالله بن زیاد به کربلا آمدم. هنگامی که با امام حسین علیه السلام و لشگریانش روبه‌رو شدم، آن منزل‌گاه را شناختم و سخنان علی علیه السلام را در آن سرزمین به یاد آوردم. کراهم از ادامه همراهی با لشگر کوفه، سبب شد به سوی امام حسین علیه السلام حرکت کنم. به حضرت سلام کردم و ماجرای را که از پدر بزرگوارشان دیده بودم، بازگو کردم. حضرت فرمود: «مَعَنَا أَنْتَ أُمَّ عَلَيْنَا»^۱ با ما هستی یا با دشمنان ما؟». پاسخ دادم: نه با شما و نه علیه شما، اهل و عیالم را تنها گذاشته‌ام و می‌ترسم که ابن‌زیاد به آنها آسیبی برساند. امام علیه السلام فرمود: «قَوْلٌ هَرَبًا حَتَّى لَا تَرَى لَنَا مَقْتَلًا فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَرَى مَقْتَلَنَا الْيَوْمَ رَجُلٌ وَلَا يُغِيثُنَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ»^۲ زود از این منطقه دور شو و بگریز تا قتلگاه ما را نبینی. سوگند به آن کس که جان محمد در دست اوست، هیچ کس قتلگاه ما را نمی‌بیند در حالی که ما را یاری نکند، مگر اینکه خداوند او را به آتش افکند».

۲. جوانمردی

جوانمردی و مردانگی هنگام روبه‌رویی با سپاه دشمن، سیره امام حسین علیه السلام در واقعه عظیم کربلا بود. شیخ مفید رحمته الله در الارشاد این جوانمردی را چنین گزارش می‌دهد:

۱. محمد بن علی صدوق؛ *الأمالی*؛ ص ۱۳۷؛ نصر بن مزاحم؛ *وقعة صفین*؛ ص ۱۴۱؛ محمد باقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۴۴، ص ۲۵۶؛ ابن ابی الحدید؛ *شرح نهج البلاغة*؛ ج ۳، ص ۱۷۰.

۲. نصر بن مزاحم؛ *وقعة صفین*؛ ص ۱۴۱.

هنگامی که سپاه کوچک امام علیه السلام با لشگر تشنه هزار نفره حرّ بن یزید ریاحی روبه‌رو شد، به اصحاب خود فرمان داد تا آنان و مرکب‌هایشان را سیراب کنند. جالب‌تر آنکه قبل از این، امام علیه السلام هنگامی که به منزل «شراف» رسیدند، به جوانان خود سفارش کردند بیشتر آب به همراه بردارید: «أَمَرَ فُتَيَانَهُ فَاسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ فَأَكْثَرُوا».^۱ هنگامی که لشگر حرّ رسیدند، حضرت فرمود: «اسْقُوا الْقَوْمَ وَأَرْوَوْهُمْ مِنَ الْمَاءِ وَرَشُّوا الْخَيْلَ تَرْشِيفًا: این گروه را کاملاً سیراب کنید، اسبان را هم آرام سیراب کنید». علی بن طعان می‌گوید: آن روز من هم ملازم لشگر حرّ بودم که با تأخیر رسیدم. امام که مرا تشنه یافت، فرمود: «أَنْخِ الرَّأِيَّةَ: شتر را بخوابان». من گمان کردم منظور امام علیه السلام از «راویه»، مشک است. دوباره حضرت فرمود: «يَا ابْنَ أَخِي أَنْخِ الْجَمَلَ: ای پسر برادر! شتری را که بارش آب است، بخوابان». نمی‌توانستم به خوبی دهانه مشک را در دست بگیرم و به همین دلیل آب‌ها بر زمین می‌ریخت. امام فرمود: «اُخْنِثِ السَّقَاءَ: دهانه مشک را برگردان». من متوجه منظور امام نشدم. در این حال حضرت از جا بلند شد و مرا کمک کرد تا خودم و اسبم آب نوشیده و سیراب شدیم.

در کدام جنگ، فرمانده سپاه دستور می‌دهد لشگریان دشمن را سیراب کنند، اسب‌های آنان را هم سیراب کنند و فرمانده شخصاً برای سیراب کردن باقی‌مانده لشگر دشمن تلاش می‌کند؟!

۳. احترام به حقوق مردم

در تاریخ اغلب جنگ‌ها، فرماندهان نظامی از هر راهی برای پیروزی استفاده می‌کنند و برای اموال مردم ارزشی قائل نیستند، اما امام

۱. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۷۶.

حسین علیه السلام حتی در حساس‌ترین لحظات نیز رعایت حقوق مردم را به یاران خود سفارش می‌فرمود. گزارش‌های رسیده از حوادث شب عاشورا، حاکی از عبادت و بندگی، راز و نیاز، آمادگی برای نبرد، گفت‌وگوی امام علیه السلام با یاران و اهل بیت خود است. یکی از سخنان تاریخی امام علیه السلام در شب عاشورا که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، اعلام همراهی نکردن کسانی بود که دین دیگری را بر دوش داشتند. امام علیه السلام به یکی از یاران فرمود: «نَادِ أَنْ لَا يُقْتَلَ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دِينٌ وَ نَادِ بِهَا فِي أُمُومِ الْقِيَامَةِ»^۱ به همه یارانم اعلام کن هر کس دینی بر عهده دارد، با من کشته نشود؛ زیرا من از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر کس از دنیا برود و دینی بر دمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می‌شود».

آخرین سفارش

امام باقر علیه السلام فرمود: «در آخرین لحظات زندگانی پدرم علی بن الحسین علیه السلام، آن حضرت مرا به سینه چسبانید و فرمود: پسر! همان وصیتی که پدرم در آستانه شهادت به من فرمود و اضافه کرد که این وصیت پدرش است، به تو می‌گویم: «إِيَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»^۲ پرهیز از ستم به کسی که جز خداوند، یآوری ندارد».

۱. محمود شریفی؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ ص ۴۱۷ به نقل از إحقاق الحق

و إزهاق الباطل، ج ۱۹، ص ۴۲۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۳۱.

۴. اعتماد به پروردگار

ایمان قوی، اعتماد به وعده‌های الهی و توکل بر خداوند، بالاترین رمز اطمینان سیدالشهداء علیه السلام بود. آنچه جامعه پر اضطراب امروز ما بیش از هر چیز به آن نیاز دارد، توکل بر وعده‌های الهی است. ضحاک بن عبدالله مشرقی می‌گوید:

همراه با مالک بن نضر ارجبی در کربلا به حضور امام علیه السلام رسیدیم. آن حضرت ضمن خوشامدگویی، علت حضور ما را پرسید. گفتیم: «جِنَّا لِنُسَلِّمَ عَلَيْكَ، وَنَدْعُو اللَّهَ لَكَ بِالْعَافِيَةِ»^۱ برای عرض سلام و دعای عافیت، شرفیاب شدیم تا هم تجدید عهدی کرده باشیم و هم اخبار کوفه را تقدیم کنیم. مردم کوفه برای جنگ با شما اجتماع کرده‌اند. هنگامی که امام علیه السلام گزارش آمادگی مردم کوفه برای جنگ را شنید، فرمود: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». آری کسی که به خدا، توکل کند، از آمدن و رفتن مردم هراسی ندارد، از اقبال و ادبار دنیا نگران نیست. همان تعبیری که قرآن در توصیف یاران وفادار پیامبر اسلام دارد: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۲.

مؤمنانی که چون مردم منافق به آن‌ها گفتند، لشگر بسیاری برای حمله به شما اجتماع کرده‌اند، از آن‌ها بترسید، اما این سخن بر ایمان‌شان افزود و گفتند خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ما است.

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۵، ص ۴۱۸.

۲. آل عمران: ۱۷۳.

این ایمان قوی، اعتماد به وعده‌های الهی و توکل بر خداوند، بالاترین رمز اطمینان سید الشهداء علیه السلام بود، سخن آن حضرت، در زمانی که هیجده هزار دعوت‌نامه‌ی مردم کوفه را دریافت نمود، با زمانی که گزارش، اجتماع مردم کوفه بر علیه خود را می‌شنید یکی بود، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

طبری در ادامه‌ی داستان را چنین گزارش می‌کند، ضحاک بن عبدالله و مالک بن نضر می‌گویند: هنگامی که آماده حرکت شدیم و با امام خداحافظی کردیم، فرمود: «مايمنعکما عن نصرتی؟» چه مانعی دارید که مرا یاری کنید؟». مالک گفت: دینی به گردن دارم و عیالوار هستم. من نیز همان سخن را تکرار کردم، اما گفتم: حاضریم با یک شرط، شما را همراهی کنم. تا زمانی در رکاب شما می‌جنگم که یاورانی داشته باشی و جنگ من برای شما مفید باشد و بتوانم از شما دفع خطر کنم، اما هر گاه یاری من برای تو مفید نبود، اجازه داشته باشم تا برگردم. امام علیه السلام شرط مرا پذیرفت و همراه امام ماندیم.^۱ روز عاشورا تمام بنی‌هاشم و اصحاب به شهادت رسیدند. تنها سوید بن عمرو خثعمی و بُشَیر بن عمرو خضرمی باقی ماندند. به امام گفتم: یابن رسول‌الله! به یاد دارید که بین من و شما قراری بود؟ قرار گذاشتم تا زمانی که یاورانی داری، در رکاب شما بجنگم و هر گاه یآوری نداشتی، اجازه رفتن داشته باشم. امام فرمود: «راست می‌گویی، ولی چگونه می‌توانی نجات پیدا کنی؟ اگر می‌توانی، مرا با تو کاری نیست». من به طرف اسبم حرکت کردم؛ زیرا هنگامی که لشکر عمر سعد اسب‌ها را پی می‌کرد،

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۳، ص ۳۱۵.

اسبم را در خیمه‌ای بسته بودم و پیاده می‌جنگیدم. اسبم را از خیمه بیرون آوردم و بر آن نشستم، آنگاه او را زدم تا بر کنار سم‌های خود ایستاد؛ در آن حال او را رها کردم. لشگر به ناچار راه را بر من باز کردند، ولی پانزده نفر از لشگریان عمر سعد به تعقیب من پرداخته تا نزدیکی یکی از روستاها [به نام شفیه] مرا دستگیر کردند. سه نفر از آن جمع مرا شناختند و گفتند: این پسر عموی ماست و دیگران را سوگند دادند تا از من دست بردارند و به این ترتیب نجات پیدا کردم.^۱

اوج آرامش در سایه توکل

امام سجاد علیه السلام درباره حالات پدر بزرگوارش در روز عاشورا و در اوج سختی‌ها می‌فرماید: «چون کار [در روز عاشورا] بر حسین بن علی علیه السلام سخت شد، کسانی که با او بودند به او نگاه می‌کردند. دیدند حال او بر خلاف دیگران است. امام علیه السلام و بعضی از یاران ویژه‌اش، چهره‌هایشان می‌درخشید و اندام‌هایشان آرام و جان‌هایشان مطمئن بود».^۲

۵. حلم و بردباری

حلم و بردباری، از صفات پروردگار است که بیش از ده بار در قرآن

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۳، ص ۳۱۵ و ۳۲۹؛ علی بن محمد ابن اثیر؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۴، ص ۷۳.

۲. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۳؛ محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص ۲۸۸؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۲۹۷: «لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ ... وَ كَانَ الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَوَاصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَ تَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَ تَسْكُنُ نَفُوسُهُمْ».

تکرار شده است.^۱ قرآن کریم پیامبران الهی را نیز با وصف حلم و بردباری ستوده است.^۲

بسیار مناسب است آیات ۶۹ تا ۷۵ سوره هود را یک بار با دقت مورد مطالعه قرار دهیم، در حالی که فرستادگان الهی برای مجازات قوم لوط، قومی که زشت‌ترین گناه در تاریخ، به نام آنان ثبت شده، آماده می‌شوند.

پیامبر با عظمتی همانند ابراهیم خلیل الرحمن با خداوند مجادله می‌کند تا شاید عذاب را به تأخیر اندازد.

«فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ» خداوند متعال هم، ابراهیم علیه السلام را به خاطر این کار مدح و ستایش می‌کند «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَكَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ».^۳

در روایتی از امام رضا علیه السلام نزدیک به هفتاد ویژگی از صفات ائمه علیهم السلام بیان شده که یکی از این صفات، حلم و بردباری است: «مَوْسُومٌ بِالْحِلْمِ».^۴ در سخنان اهل بیت علیهم السلام از جمله در نهج البلاغه، سفارش به حلم و بردباری و آثار و برکات آن فراوان دیده می‌شود. در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز مدارا با افراد نادان، بسیار گزارش شده است.

۱. ر.ک: بقره: ۲۲۵، ۲۳۵ و ۲۶۳؛ آل عمران: ۱۵۵؛ مائده: ۱۰۱؛ اسراء: ۴۴؛ فاطر: ۴۱؛

نساء: ۱۳؛ حج: ۵۹؛ احزاب: ۵۱؛ تغابن: ۱۷.

۲. ر.ک: توبه: ۱۱۴؛ صافات: ۱۰۱؛ هود: ۷۵.

۳. هود: ۷۵.

۴. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۳۹؛ محمد بن علی صدوق؛ الأمالی؛ ص

۶۷۷؛ احمد بن علی طبرسی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ ج ۲، ص ۴۳۵.

تبسم بر قاتل

در روز عاشورا اگر چه داغ هفتاد و دو شهید بر قلب حضرت نشسته، بدن مطهرش صدها زخم و جراحت برداشته بود و اهل بیت خود را در آستانه اسارت می‌دید، اما چنان با حلم و بردباری با دشمن سخن می‌گفت که زیباترین صحنه تاریخی را آفرید. ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب - از مصادر قدیمی - آخرین لحظات امام علیه السلام را چنین گزارش کرده است: «در حالی که شمر بر سینه مبارک امام علیه السلام نشسته و محاسن شریف حضرت را در دست گرفته و آماده کشتن امام بود، آن حضرت تبسمی کرد و از نصیحت و موعظه شمر در آخرین نفس‌های عمر شریف دریغ نکرد و فرمود: آیا مرا به شهادت می‌رسانی و مرا نمی‌شناسی؟!».

«وَجَلَسَ (شمر) عَلَى صَدْرِ الْحُسَيْنِ وَقَبَضَ عَلَى لِحْيَتِهِ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ فَضَحَكَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَتَقْتُلُنِي وَلَا تَعْلَمُ مَنْ أَنَا»^۱

برای درک عظمت عکس العمل امام علیه السلام لازم است یک بار دیگر به عبارت «فَضَحَكَ الْحُسَيْنُ عليه السلام» دقت کنیم و از طرفی شرایط سخت امام علیه السلام را در ذهن خود ترسیم کنیم، امام تشنه، امام مظلوم، امام غریب، امام داغ دیده، امامی که می‌داند دشمن، به زنان و کودکان او رحم نمی‌کند و لحظه‌ای دیگر خیمه‌های او را غارت می‌کند، اما هنگامی که دشمن را روی سینه‌ی خود می‌بیند، باز هم می‌خندد و موعظه می‌کند. امروز جامعه‌ی ما نیازمند توجه به چنین آموزه‌هایی است. با کمال تأسف، شاهد کم شدن آستانه‌ی صبر و تحمل گروهی از مردم هستیم.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۵، ص ۵۶.

گاهی در برابر یک حادثه‌ی کوچک، عکس‌العمل‌های بسیار زشت و وحشتناکی از خود نشان می‌دهیم.

عظمت روحی امام تا آنجاست که اگرچه تشنه، مظلوم، غریب و داغ‌دیده است و می‌داند دشمن، به زنان و کودکانش رحم نخواهد کرد و خیمه‌هایش را غارت خواهد نمود، اما باز دشمن نشسته بر سینه خود را با لبخند موعظه می‌کند. در جامعه‌ی امروزی که آستانه‌ی صبر و تحمل بسیاری از افراد به شدت کاهش یافته، توجه به چنین آموزه‌هایی بسیار ضروری است.

جذب سرسخت‌ترین دشمن

حلم و سعه صدر حسینی می‌تواند از دشمنی که او و پدرش را کافر می‌داند، ارادتمندی بسازد که با اشک چشم از سخن خود برگردد و به توصیف امام بپردازد. در منابع قدیمی عامه و خاصه آمده است روزی ابن عباس برای شاگردانش حدیث می‌خواند و سخن می‌گفت. نافع بن ازرق برخاست و گفت: «چرا درباره مورچه و شپش برای مردم فتوا می‌دهی؟! خدایی را که می‌پرستی، برای من توصیف کن» و به این ترتیب مجلس او را بر هم زد. ابن عباس که مجلس خود را بر هم خورده دید، سرش را پایین انداخت و ساکت شد. امام حسین علیه السلام که در گوشه‌ای نشسته بود، خطاب به او فرمود: «به سوی من بیا تا از توحید برایت بگویم». نافع با کمال جسارت به امام پاسخ داد: «از شما نپرسیدم». ابن عباس گفت: «امام، از اهل بیت نبوت و وارثان علم و دانش است». برخورد امام علیه السلام همراه با حلم و بردباری و شرح صدر، نافع بن ازرق را به خود جلب کرد. آن حضرت در بیانی بسیار زیبا در توصیف پروردگار فرمود: «أَصِفْ إِلَهِي بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَأَعْرِفْهُ بِمَا عَرَفَ

بِهِ نَفْسَهُ لَا يَذْرُكُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ فَهُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ مُلْتَصِقٍ وَ بَعِيدٌ غَيْرُ مُتَقَرِّصٍ يُوحَّدُ وَلَا يُبَعَّضُ مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى»^۱ اخلاق و سخن دلنشین سیدالشهداء علیه السلام اشک نافع بن ازرق را جاری ساخت. امام از فرصت استفاده کرده و با توجه به عقاید خوارج، فرمود: «به من خبر رسیده است که تو پدر و برادرم و مرا کافر می‌دانی». نافع پاسخ داد: «به خدا سوگند! اگر هم چنین گفته باشم، شما چراغ فروزان اسلام و ستارگان درخشان احکام الهی هستید».

۶. صبر و پایداری

واژه صبر، نزدیک به ۱۰۰ بار در قرآن کریم آمده است. قرآن گاهی دلیل انتخاب پیامبران الهی را صبر و استقامت در سختی‌ها دانسته و گاهی پاداش بهشتیان را منوط به صبر آنها بیان کرده است.^۲ گاهی امدادهای الهی را مشروط به صبر دانسته: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا يَأْتِكُمْ مِنْ قَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۳ و در آیاتی به پیامبران و به‌ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمان صبر داده است. «و

۱. محمد بن علی صدوق؛ /التوحید؛ ص ۸۰، محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴، ص ۲۹۷: «خدایم را همان‌گونه که خود توصیف نموده، وصف می‌کنم: با حواس درک نمی‌شود و با مردم قیاس نمی‌گردد. او نزدیک است، اما نه متصل به اشیاء و او دور است، اما نه آن‌طوری که فاصله داشته باشد. واحد است، اما نه چون اعداد که یکی، بعضی از اعداد باشد. به وسیله نشانه‌ها شناخته شده و به وسیله علامت‌ها توصیف شده است. نیست جز او خدایی؛ خدایی که بزرگ است و بلندمرتبه».

۲. ر.ک: سجده: ۲۴؛ انسان: ۱۲؛ فرقان: ۷۵؛ رعد: ۲۴؛ مؤمنون: ۱۱۱؛ قصص: ۵۴.

۳. آل عمران: ۱۲۵.

اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا».^۱ «وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُزْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا».^۲ «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا».^۳

گاهی نیز همراه با فرمان صبر به پیامبر اسلام ﷺ، به آن حضرت سفارش کرده است همانند یونس نبی ﷺ که بردباری را از دست داد، نباشد. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ».^۴ گاهی همه مؤمنان را به صبر و پایداری فرا می خواند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ».^۵ و گاه نیز همگان را به استعانت از صبر و نماز سفارش نموده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».^۶ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۷ در آیاتی، درخواست صبر پیامبران و اولیاء خدا را حکایت می کند. «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».^۸ و در برخی آیات، پیامبران الهی را با صفت صبر و برداری ستایش کرده است. «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ».^۹ «وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ».^{۱۰} گاهی نیز به صابران

۱. طور: ۴۸.

۲. مزمل: ۱۰.

۳. معارج: ۵.

۴. قلم: ۴۸.

۵. آل عمران: ۲۰۰.

۶. بقره: ۱۵۳.

۷. بقره: ۴۵.

۸. بقره: آیه ۲۵۰؛ اعراف: ۱۲۶.

۹. ص: ۴۴.

۱۰. انبیاء: ۸۵.

مژده داده است که پاداش صبرشان، بدون کم و کاست به آنان داده می‌شود. «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ».^۱

سیری در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام، گویای هزاران حدیث در موضوع صبر، آثار و برکات آن است. کتاب /ستقامت از آیت‌الله صدر و کتاب دو جلدی وعده‌های الهی به صابران اثر نگارنده، به طور گسترده در موضوع صبر مطالب قابل توجهی دارد.

صبر در سخنان سیدالشهداء علیه‌السلام

واژه صبر را در سخنان امام علیه‌السلام در طول مسیر حرکت از مدینه تا مکه و تا کربلا، بسیار می‌توان دید. حضرت در خطبه تاریخی خود که یک روز قبل از حرکت به سوی کربلا در مکه ایراد کرد، فرمود: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِيرٌ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُؤَفِّيْنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ»^۲ رضایت پروردگار، رضای ما خاندان است. بر بلاها صبر می‌کنیم و خداوند پاداش صبرکنندگان را به طور کامل خواهد داد».

صبح عاشورا

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که سیدالشهداء علیه‌السلام پس از اقامه نماز صبح با یارانش، آنان را به صبر و پایداری دعوت کرد: «إِنَّ الْخُسَيْنَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الْغَدَاةَ ثُمَّ التَّفَّتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ».^۳ خداوند متعال از شهادت شما خبر داد، بر شما باد به صبر و استقامت.

۱. زمر: ۱۰.

۲. علی بن موسی ابن طاووس؛ *التهوف علی قتلی الطفوف*؛ ص ۶۱.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه؛ *کامل الزیارات*؛ ص ۷۳؛ محمد باقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۴۵، ص ۸۶.

ظهر عاشورا

در ظهر عاشورا وقتی جمعی از یارانش به شهادت رسیده بودند، باقی‌مانده یارانش را به صبر و پایداری در برابر انبوه دشمن دعوت نمود. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ لَا نَهْمُ كَلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَازْتَعَدَّتْ فَرَائِصُهُمْ وَوَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ... فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ»^۱

چون کار در روز عاشورا بر حسین بن علی علیه السلام سخت شد، کسانی که با او بودند به وی نگاه کردند، دیدند حال او بر خلاف دیگران است؛ زیرا چهره آنان تغییر می‌کرد و بر اندامشان لرزه می‌افتاد و ترس به دل‌هایشان راه پیدا می‌کرد. در این حال امام علیه السلام به آنان فرمود: ای بزرگ‌زادگان! صبر پیشه کنید؛ زیرا مرگ جز پلی نیست که شما را از سختی و شداید دنیا، به بهشت گسترده و نعمت‌های جاودانه می‌رساند.

دعوت علی اکبر علیه السلام به صبر

امام علیه السلام جوان دلاورش را که پس از نبردی جانانه با دشمن، به محضر پدر رسید و از تشنگی شکایت کرد، به صبر و پایداری دعوت کرد و فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِيَّ يَسْقِيكَ جَدُّكَ بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى»^۲.

۱. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۳؛ محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص

۲۸۹؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۲۹۷.

۲. محمد بن علی صدوق؛ الأمالی؛ ص ۱۶۲؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴،

ص ۳۲۱.

هنگام شهادت عبدالله بن حسن

در جریان شهادت عبدالله بن حسن، عبدالله که غربت عموی بزرگوارش را در قتلگاه دید، دوان دوان به سوی حضرت حرکت کرد. امام علیه السلام به خواهرش زینب علیها السلام فرمود: «او را به خیمه‌ها برگردان»، اما این مجاهد ده ساله سوگند یاد کرد که از عمویم جدا نخواهم شد. وقتی حرمه شمشیر خود را به طرف امام علیه السلام حرکت داد، عبدالله بن حسن دست خود را سپر عمو کرد، دست به بدن آویزان شد و فریاد زد: «یا امّاه». در این حال امام علیه السلام او را به خود چسباند و فرمود: «يَا ابْنَ أَخِي اصْبِرْ عَلَى مَا نَزَلَ بِكَ وَ اخْتَسِبْ فِي ذَلِكَ الْخَيْرَ».^۱

خطاب به اهل بیت علیهم السلام

امام علیه السلام برای آماده کردن اهل بیت خود برای اسارت به دست دشمنان شقاوتمندی همچون سپاه کوفه، آنان را به صبر دعوت نمود و به آنان وعده داد که هرگز روی ذلت و خواری نخواهند دید: «يَا بَنِي عُمَوِيَّة! صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي فَوَ اللَّهِ لَا زَأَيْتُمْ هَوَانًا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَبَدًا»^۲ ای عموزادگان! صبر کنید. ای اهل بیت من! صبر کنید. به خدا سوگند هرگز بعد از امروز خواری نخواهید دید».

توصیف به صبر در خطبه امام سجاد علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام در خطبه آتشین خود در مسجد جامع دمشق، جد بزرگوارش علی بن ابی طالب علیه السلام را این چنین توصیف نمود: «أَنَا ابْنُ

۱. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۱۰؛

محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۵، ص ۵۴.

۲. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه احمد فهري

زنجانى؛ ص ۱۱۵؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۵، ص ۳۶.

صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ النَّبِيِّينَ وَقَامِعِ الْمُلْحِدِينَ وَيَعْسُوبِ الْمُسْلِمِينَ وَنُورِ
الْمُجَاهِدِينَ وَزَيْنِ الْعَابِدِينَ وَتَاجِ الْبُكَائِيِّينَ وَأَصْبِرِ الصَّائِرِينَ: ^۱ من فرزند صالح
مؤمنان، وارث انبیاء، از بین برنده مشرکان، امیر مسلمانان، فروغ
جهادگران، زینت عبادت‌کنندگان، افتخار‌کریه‌کنندگان و بردبارترین
بردبارانم».

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۵، ص ۱۳۸.

صبر و صابران در کربلا

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

اشاره

حادثه کربلا، نه به عنوان واقعه‌ای غم‌انگیز یا مبارزه‌ای حماسی که در گذشته اتفاق افتاده و سپری شده؛ بلکه به عنوان حادثه‌ای که الگوی دینداری، حق‌مداری و باطل‌ستیزی است؛ از این رو درس‌های بسیاری دارد که می‌تواند برای عصر حاضر نیز الهام‌بخش باشد؛ درس‌هایی همچون: آزادگی، وفا، حق‌طلبی، مبارزه با ظلم، بصیرت، ایثار، شجاعت، عزّت، فتوّت و جوانمردی، شهادت‌طلبی، رضا و تسلیم، تکلیف‌محوری، عدالت‌خواهی، امر به معروف و نهی از منکر، امتحان، تولّی و تبرّی، احیای دین، اقامه نماز، پیروی از امام و... .

یکی از درس‌های مهم حادثه عاشورا، «صبر و استقامت» است که در گفتار، رفتار، جهاد و شهادتِ عاشوراییان جلوه‌گر است. بررسی عوامل صبورساز و جلوه‌های صبر اصحاب امام در واقعه عاشورا، می‌تواند الگویی شایسته برای درس‌آموزی از آنان و نهادینه کردن صبر در وجود هر یک از ما باشد.

الف) عوامل صبر آفرین

۱. جهان بینی صابرا نه

یکی از عوامل صبر آفرین، نگاه و بینش انسان به زندگی، مسائل آن و جهان امروز و آخرت است. وقتی دنیا ناپایدار است و مرگ به سراغ همه خواهد آمد، وقتی هر کس در هر شرایطی باید این جهان را بگذارد و برود، تحمل سختی ها و آمادگی برای شهادت بیشتر خواهد شد. امام حسین (علیه السلام) در یکی از سروده های خود با این نگرش چنین می فرماید:

فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ أَغْلَى وَأَنْبَلُ
وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشِئَتْ فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ^۱

اگر دنیا ارزشمند شمرده می شود، پاداش الهی برتر و شریف تر است و اگر بدن ها برای مرگ پدید آمده اند، کشته شدن انسان با شمشیر در راه خدا، برتر است.

شهادای دفاع مقدس و نیز شهادای مدافع حرم و تمام کسانی که در راه حفظ دین و اعتلای کلمه الله، دنیای فانی را با تمام زیبایی ها و امکاناتش رها کرده و از ایثار جان شیرین خویش نیز ابایی ندارند، در حقیقت از این آموزه بزرگ عاشورائیان الگو گرفته اند که این چنین مشتاقانه به سوی مرگ در راه خدا قدم بر می دارند.

۲. کسب رضایت الهی

خداوند، صابران را دوست دارد و به آنان مژده می دهد و از آنان راضی است. بنا بر آیات قرآن، خوف و هراس در راه خدا و تحمل

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه احمد فهری

آسیب‌های جسمی، جانی، ضررهای مالی، مرگ و میر عزیزان و مصیبت‌های مختلف، همه امتحان‌های الهی است و به کسانی که از این آزمون‌ها رو سفید بیرون آیند و صبر کنند، بشارت داده شده است: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱ عرصه جهاد، تمامی این موارد را در بردارد. عاشورائیان با درس‌آموزی از این نکته قرآنی، اهل صبر بر سختی‌های آن جهاد فی سبیل الله شدند و اجر الهی را دریافت کردند.

معاذ بن جبل، صحابی رسول خدا ﷺ وقتی فرزند خود را از دست داد، بسیار بی‌تابی می‌کرد. خبر که به رسول خدا ﷺ رسید، حضرت برای او نامه‌ای نوشت و به او فرمود:

به من خبر بی‌تابی تو بر فرزندت که خداوند به مرگ او حکم کرده، رسیده است. همانا فرزند تو از هدیه‌های گوارای خدا و از عاریه‌های به ودیعه گذاشته او نزد تو بود. خداوند تا مدتی تو را از آن بهره‌مند ساخت و در وقتی که مشخص شده بود، او را گرفت. پس ما از خداییم و به سوی خدا بازمی‌گردیم.^۲

۳. صبر، پل عبور به بهشت

امام حسین علیه السلام برای اینکه یاران خود را بهشتی کند، چشم‌انداز روشن و امیدبخشی از فرجام کار صابران را به آنان نشان داد و شهادت همراه با صبر را پل عبور به آن فضای دلانگیز معرفی کرد. امام علیه السلام برای امیدبخشی، دل‌داری و انگیزه‌آفرینی در یاران خویش و خانواده‌اش و آمادگی آنان برای تحمل سختی‌های این راه، فرمود:

۱. بقره: ۱۵۵.

۲. ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۹.

صَبْرًا يَبْنِي الْكِرَامَ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ يَغْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ: ^۱ صبر و مقاومت کنید ای بزرگ زادگان! چرا که مرگ، تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت های همیشگی می رساند.

همچنین خطاب به خانواده خود و دعوت آنان به صبوری نیز فرمود: «بنگرید! اگر من کشته شدم، به خاطر من گریبان چاک ندهید و صورت مخراشید».^۲

۴. ایمان به هدف

کسی که در انتخاب هدف و راه بصیرت نداشته باشد، راه را با تردید می پیماید و در مواجهه با مشکلات، کم طاقت می شود؛ اما آنکه «حق» را هدف قرار دهد و با بصیرت گام در راهی بنهد، نه سست می شود و نه از سختی ها می هراسد، حتی مرگ در راه هدف حق را هم با آغوش باز می پذیرد.

وقتی امام علیه السلام در مسیر کربلا، عبارت «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را که گویای شهادت بود، بر زبان جاری کرد؛ حضرت علی اکبر علیه السلام از پدر پرسید: «أَوَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟ مگر ما بر حق نیستیم؟». امام فرمود: «بَلَى وَ الَّذِي إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْعِبَادِ: آری! قسم به خدایی که بازگشت همگان به سوی اوست، ما بر حقیق».^۳ حضرت علی اکبر علیه السلام گفت: «فَإِنَّا إِذَا لَا تُبَالَى أَنْ نَمُوتَ مُحَقِّقِينَ: پس ما را باکی از مرگ در راه حق نیست».

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶، ص ۱۵۴.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۸۹.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد؛ ج ۲، ص ۸۲.

امام حسين (عليه السلام) هنگام آخرين وداع با اهل بيت خویش نیز ضمن آنکه آنان را آماده تحمل بلا و رنج ساخت، فرجام خوش این مصیبت‌ها را نیز بیان کرد تا آنان به سلاح صبر مجهز شوند:

وَيَعُوْضُكُمْ عَنْ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ اَنْوَاعَ النِّعَمِ وَالْكَرَامَةِ فَلَا تُشْكُوا وَلَا تَقُولُوا بِالسَّيِّئَةِ مَا يَنْقُصُ قَدْرَكُمْ^۱ خداوند انواع نعمت‌ها و کرامت را در عوض این بلا و گرفتاری به شما عطا می‌کند. پس شکوه نکنید و چیزی بر زبان نیاورید که قدر و منزلت شما را کم کند.

از همین رو بود که حضرت زینب (عليها السلام) در مجلس ابن‌زیاد و در پاسخ به وی، عزتمندانه و صبورانه فرمود: «مَا زَايَتْ إِلَّا جَمِيْلًا»^۲. این بیان، گویای روحیه صبر در آن بانوی کرامت و قهرمان صبر است که دشمن را در هم شکست. چنین ایمانی به درستی راه و حق بودن هدف، آستانه تحمل و صبوری انسان را در برابر همه مشکلات، از جمله کشته شدن در راه عقیده حق را بالا می‌برد.

۵. حضور در محضر خدا

از دیگر عواملی که هم سبب افزایش آستانه تحمل و صبوری انسان می‌شود و هم برای آدمی آرامش روحی به ارمغان می‌آورد، خود را در محضر خدا دیدن و پروردگار را حاضر و ناظر و باخبر از احوال خویش دانستن است. همچنان که وقتی حضرت ابراهیم (عليه السلام) به آتش افکنده شد، فرشتگان بزرگ الهی می‌آمدند و می‌گفتند: آیا نیازی داری؟

۱. جمعی از محققان پژوهشکده باقرالعلوم (عليه السلام)؛ موسوعة کلمات الامام الحسين (عليه السلام)؛ ص ۴۹۱.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۱۱۶.

آن حضرت به آنان می‌فرمود: به شما احتیاجی ندارم. جبرئیل گفت: پس از خدا بخواه. حضرت فرمود: «حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي»^۱ همین که او از حال من خبر دارد، برایم کافی است».

امام حسین علیه السلام در اوج سختی‌ها و بلاهای جانکاه، درباره میزان و عامل صبر و تحمل خویش فرمود: «هُوَ عَلَى مَا نَزَلَ بِهِ أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ»^۲ آنچه این داغ‌ها و مصیبت‌ها را برایم قابل تحمل می‌سازد، این است که در برابر چشم خداست و خداوند می‌بیند و شاهد است». یاد خدا و انس با پروردگار، قدرت تحمل شداید را بالا می‌برد. از همین روست که خداوند فرموده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۳.

توکل نیز عنصری صبرآفرین است؛ زیرا نوعی احساس پشتوانه الهی در امور سخت و تکلیف‌های سنگین و به عبارتی همان احساس حضور در محضر الهی و برخورداری از نصرت و امداد و عنایت اوست. از همین روست که سیدالشهداء علیه السلام در صبح عاشورا با حمله سپاه دشمن، این گونه با خدا مناجات می‌کند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ...»^۴ خدایا! تو در هر گرفتاری تکیه‌گاه منی و در هر شدت و سختی، مایه امید منی».

۱. محمد محمدی ری‌شهری؛ میزان الحکمه؛ ح ۲۲۰۳۲.

۲. جمعی از محققان پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ ص ۴۷۷.

۳. بقره: ۴۵: «به وسیله صبر و نماز، استعانت بجوید».

۴. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۹۶.

ب) جلوه‌های صبر اصحاب در کربلا

۱. صبر بر سختی‌های میدان نبرد

میدان نبرد یکی از عرصه‌های بروز مشقت‌هاست. زخم شمشیر و نیزه، جراحت و خون، قطع اعضا، تشنگی، خستگی، جان باختن و یا اسیر شدن، از پیامدهای حضور در میدان مبارزه است. هر کس صبر و مقاومت بر اینها را نداشته باشد، مرد میدان جهاد نیست. حضرت سیدالشهداء علیه السلام از آغاز حرکت، نیروهایی را همراه خود آورد که تحمل تیغ و تیر و زخم شمشیر و مرگ در این راه را داشته و خود را برای همه اینها آماده کرده باشند. چنانکه در یکی از سخنرانی‌های آغازین خطاب به آنان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْأَيْدِي فَلْيُتِمَّ مَعَنَا
وَالْأُخَرُ فَلْيُنْصَرَفْ عَنَّا: ^۱ ای مردم! هر کس از شما که صبر و مقاومت بر
تیزی شمشیرها و زخم نیزه‌ها دارد، همراه ما بماند و گرنه بازگردد.
پس از نماز ظهر عاشورا نیز یاران خود را به صبر دعوت نمود و
فرمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا». ^۲

این فرهنگ در یاران آن حضرت نیز متجلی بود و در شعرها و
رجزهایشان نمود داشت؛ به عنوان نمونه سعد بن حنظلّه چنین رجز
می‌خواند:

صَبْرًا عَلَى الْأَسْيَافِ وَالْأَسْتِهِ صَبْرًا عَلَيْهَا لِدُخُولِ الْجَنَّةِ ^۳

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی؛ ینابیع المودة؛ ص ۴۰۶.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۸۹.

۳. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۱۰۱: «برای رسیدن به بهشت، بر شمشیرها و نیزه‌ها صبر می‌کنیم».

کسی که صبر داشته باشد، درد و مصیبت و زخم و مشقت را بهتر و بیشتر تحمل می‌کند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «مقاومت و صبر، فاجعه و مصیبت را آسان و قابل تحمل می‌سازد».^۱

۲. صبر بر مصیبت عزیزان

حادثه کربلا، صحنه بزرگ‌ترین داغ‌ها و عظیم‌ترین صبرها و مصیبت‌ها بود. عزیزترین انسان‌ها مقابل چشم امام حسین علیه السلام و خاندانش پریپر شدند. محبوب‌ترین چهره‌ها به شهادت رسیدند و بازماندگان‌شان داغ دیدند و صبوری کردند. امام حسین علیه السلام پس از شهادت حضرت قاسم علیه السلام، عموزادگان و اهل بیت خود را به صبر دعوت کرد و فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِي عُمُومَتِي صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي»^۲ ای عموزادگان، صبر کنید. ای خانواده من، صبر کنید». در روز عاشورا حضرت علی اکبر علیه السلام را به صبر بر تشنگی دعوت کرد و به فرزند امام حسن علیه السلام هم فرمود: «يَا بُنَيَّ اصْبِرْ قَلِيلًا». به دخترش سکینه سفارش کرد که زبان به شکوه و اعتراض نگشاید و بر تقدیر الهی صبور باشد: «فَاصْبِرِي عَلَى قَضَاءِ اللَّهِ وَ لَا تَشْكِي».^۳ در واپسین لحظات حیات خود نیز هنگامی که بر زمین کربلا افتاده بود، زمزه عرفانی‌اش صبر بر همه این مصیبت‌ها و داغ‌ها بود: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ! لَا إِلَهَ سِوَاكَ... صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۷، ص ۱۹۰: «الضَبْرُ يُهَيِّئُ الفَجِيعَةَ».

۲. جمعی از محققان پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ ص ۴۶۵.

۳. همان، ص ۴۹۰.

غِيَاثُ لَه: ^۱ خدایا! بر تقدیر تو صبورم، معبودی جز تو نیست، بر حکم تو صابریم، ای پناه بی پناهان!.

شهید اسماعیل یزدان‌پور، شهید مدافع اسلام و وطن است که در جاده زاهدان - خاش به دست اشرار به شهادت رسید. مادر این شهید بزرگوار درباره صبر بر مصیبت از دست دادن فرزند جوانش می‌گوید: مدتی قبل از اینکه او شهید شود، در عالم خواب دیدم که یک عرب، یک لباس بلند سفیدی به من داد و گفت بیا، این چادر را حضرت زینب علیها السلام به تو داده‌اند. من در همان عالم خواب گفتم: آیا این چادر بر سر حضرت زینب علیها السلام بوده؟ گفتند تو آن را بردار، اگر از کمر به پایین خار و خاشاک داشته باشد، حتماً همان چادر است و اگر تمیز باشد که نبوده. من چادر را گرفتم و دیدم که از کمر به پایین همه خار و خاشاک است. چادر را محکم در آغوش گرفتم و گریه کردم و گفتم: این، همان چادر است. من این خواب را نشانه این می‌دانم که خدا صبر شهادت پسر را زودتر به من داده است.^۲

۳. صبر در برابر جاذبه‌های دنیوی

جاذبه‌های دنیا و میل به راحتی، لذت، ثروت و مقام، سبب سستی بسیاری از افراد در میدان «عمل به تکلیف» و دور شدن از صحنه‌های خوف و خطر می‌شود؛ اما اگر کسی در برابر این جاذبه‌ها صبور و مقاوم باشد و فریب دنیا را نخورد، می‌تواند از انصار امام حسین علیه السلام

۱. سید عبدالرزاق موسوی مقرّم؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ ص ۳۵۷.

۲. فاش نیوز (پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ ایشار و شهادت)؛ «خدا قبل از شهادت فرزندم، صبر این مصیبت را به من داده بود»؛ ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

باشد و پای در میدان جهاد بگذارد. این، درسی برای همه تاریخ و بشریت است. اگر عمر سعد نتوانست از «مُلکِ رِی» بگذرد و دست به آن جنایت بزرگ زد، بسیاری هم بودند که دنیا و رفاه و زندگی خود را فدای حق‌گویی و یاری امت‌ها کردند؛ از مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کوفه تا قیس بن مسهر صیداوی، قاصد شهید امام، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، زهیر بن قین و شماری از اصحاب امام علیه السلام که هر کدام شأن و موقعیتی داشتند، ولی بر جاذبه‌های دنیوی غلبه کردند و در میدان صبر خوش درخشیدند. زندگی و شهادت حرّ، یکی از بارزترین نمونه‌های چنین صبری است. او که فردی شجاع و نام‌آور و فرمانده هزار نفر از نیروهای کوفه بود، وقتی راه را بر امام علیه السلام بست، از همه افتخارات دنیوی و مادی گذشت و به امام حسین علیه السلام پیوست و شهید راه حق شد.

امام حسین علیه السلام پیش از حرکت از مکه، در جمع همراهان خود خطبه خواند و فرمود: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتُهُ، فَلْيُزَحِلْ مَعَنَا:»^۱ هر کس حاضر است جان و خون خود را در راه ما نثار کند، با ما حرکت کند. آن حضرت می‌دانست که بعضی حاضر نیستند از جان و زندگی بگذرند. از همین رو بود که به تصفیه نیرو پرداخت تا افراد سست و بی‌انگیزه در میان عاشورائیان نباشند.

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما سر گیرد و برون رود از کربلای ما
ناداده تن به خواری و ناکرده ترک سر نتوان نهاد پای به خلوت سرای ما
برگردد آن که با هوس کشور آمده سر ناوَرَد به افسر شاهی گدای ما^۲

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۶۶.

۲. محمد تقی نیر ممقانی؛ دیوان آتشکده حجت‌الاسلام نیر؛ ص ۱۰۸.

وقتی امام علیه السلام در شب عاشورا بیعت از اصحاب خویش برداشت و فرمود هر که می‌خواهد، برود؛ یکایک اصحاب و جوانان هاشمی برخاستند و اظهار کردند حاضرند بارها در راه یاری امام کشته شوند، زنده شوند و دوباره شهید شوند. امام علیه السلام نیز وفای آنان را ستود. این گونه اظهار وفا و یاری، جلوه دیگری از همان صبر و مقاومت در برابر جاذبه‌های زندگی و دنیاطلبی و عافیت‌خواهی است.

شهیدان حبیب بدوی از اهالی خوزستان و احمد محمد مشلب از اهالی لبنان، با سرمشق قرار دادن این آموزه از آموزه‌های کربلا بود که به تمام جلوه‌های دنیایی و ثروت و امکاناتی که داشتند، پشت پا زدند و در مسیر اعتلای کلمه الله و دفاع از حرم آل‌الله از جان خویش نیز گذشتند.

۴. صبر بر اسارت

شرایط زندگی در اسارت دشمن، بسیار سخت است. نبودن عنصر صبر، می‌تواند سبب از دست رفتن روحیه اسرا شود تا آنجا که با دشمن همکاری کنند یا ذلیلانه و ملتسمانه درخواست‌هایی داشته باشند یا خود را حقیر و شکست خورده بدانند؛ اما اگر عامل صبر وجود داشته باشد، دوران سخت اسارت را می‌توان قهرمانانه و با روحیه سپری کرد. بازماندگان حادثه عاشورا علاوه بر صبر بر آن همه داغ و مصیبت، بر سختی راه کربلا تا کوفه و کوفه تا شام، شرایط دشوار و سختگیری‌های سپاه کوفه و شام، توهین‌ها، آزارها و تحقیرهای شامیان و... هم صبور بودند و عزت خود را حفظ کردند.

سر سلسله این صابران، حضرت زینب علیها السلام بود که در سلام بر او نیز گفته می شود: «السَّلامُ عَلَى قَلْبِ زَيْنَبِ الصَّبُورِ»

صبر از زبان عجز، ثناخوان زینب است عقل بسیط، واله و حیران زینب است
ایوب، صابر است ولیکن در این مقام حیرت زده ز صبر فراوان زینب است
در قتلگاه، جسم برادر به روی پوست بگرفت، کای خدای من، این جان زینب است
برهم زن اساس جفاکاری یزید لحن بلیغ و نطق درخشان زینب است^۱

حادثه کربلا و صبر قهرمانانه اهل بیت علیهم السلام در دوران اسارت، به رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس و به خانواده های آنان، درس صبوری آموخت که خانواده های آزادگان، سال ها چشم به راه بازگشت فرزندان اسیرشان بودند. امام امت علیه السلام در ترسیم صبر و مقاومت مردم ایران در پیامی فرمود:

مبارک باد بر خانواده های عزیز شهدا، مفقودین و اسرا و جانبازان و بر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایداری و پایداری، به بنیانی مرصوص مبدل گشته اند که نه تهدید ابرقدرت ها آنان را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبودها به فغان می آیند... زندگی با عزت را در خیمه مقاومت و صبر، بر حضور در کاخ های ذلت و نوکری ابرقدرت ها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می دهند.^۲

۵. صبر بر غربت و تنهایی

برخی افراد تا وقتی در مسیر می مانند که یاران و هوادارانی داشته باشند. اگر کسی آنان را یاری نکند، عقب نشینی می کنند. بعضی نیز

۱. محمد حسین صغیر اصفهانی؛ حسین علیه السلام پیشوای انسان ها؛ ص ۲۰۶.

۲. روح الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۲۰، ص ۵۹.

آنچنان به راه خود ایمان دارند و مقاوم و صبورند که اگر تنها و بی‌یاور هم بمانند، دست از هدف و مبارزه بر نمی‌دارند. امام حسین علیه السلام و عاشورائیان این‌گونه بودند و بر غربت و تنهایی صبر کردند. وقتی محمد حنفیه از روی خیرخواهی از امام علیه السلام خواست که به کوفه نرود و بی‌وفایی کوفیان را یادآور شد، امام علیه السلام در پاسخ او فرمود: «یا اخی! وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مُلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ: ^۱ برادرم! به خدا سوگند اگر هیچ پشتیبان و پناهگاهی نداشته باشم، هرگز با یزید بیعت نخواهم کرد». در روز عاشورا نیز ضمن ردّ ذلت تسلیم در برابر دشمن، فرمود: «أَلَا وَإِنِّي زَاحِفٌ بِهَذِهِ الْأُسْرَةِ مَعَ قَلِيلَةِ الْعَدَدِ وَكَثْرَةِ الْعَدُوِّ وَخَذْلَةِ النَّاصِرِ: ^۲ من با همین گروه از خانواده و یارانم، با کمی تعداد و زیادی دشمنان و یاری نکردن یاران، با دشمن جنگ خواهم کرد».

امام خمینی رحمه الله نیز با الهام از فرهنگ عاشورایی و صبر بر تنهایی و غربت در راه انجام تکلیف الهی در هنگام هجرت به فرانسه فرمود: «اکنون که من به ناچار باید ترک جوار مولی امیر المؤمنین علیه السلام را نمایم و در کشورهای اسلامی، دست خود را برای خدمت به شما ملّت محروم که مورد هجوم همه جانبه اجانب و وابستگان به آنان هستید باز نمی‌بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه، ممانعت نموده‌اند، به سوی فرانسه پرواز می‌کنم. پیش من مکان معینی مطرح نیست. عمل به تکلیف الهی مطرح است».^۳

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۸۳؛ ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. روح الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۲، ص ۱۱۱.

۶. رجزهای حماسه‌سازان نماد اعتقاد و صبر

رجزها و شعرهای حماسی اصحاب امام حسین علیه السلام، حاکی از ایمان، اندیشه، روحیه، باورها و خصلت‌های اخلاقی آنان است. مروری بر رجزها، ما را با مجموعه‌ای از مفاهیم توحیدی، اعتقادی، ولایی و جهادی آشنا می‌سازد؛ مفاهیمی همچون: حمله کردن و نترسیدن، پشت به میدان نکردن، اظهار عجز و بیم نداشتن، ایستادن در برابر شمشیرها و نیزه‌ها، نهراسیدن از سختی‌ها، حمایت از امام تا آخرین لحظه، صبر تا رسیدن به آرزوها، صبر بر مرگ و شهادت تا رسیدن به بهشت جاودان، پایداری بر سر بیعت، سر خم نکردن در برابر سپاه دشمن و ... رجزهای حماسی حضرت عباس علیه السلام و شعار «إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي» پس از قطع شدن دست راست و جنگیدن با دشمن تا شهادت، رجزهای امام حسین علیه السلام هنگامی که به تنهایی با آن سپاه می‌جنگد، گویای صبر و مقاومت و برنگشتن از راه حق است:

أَنَا الْحَسَنِ بْنُ عَلِيٍّ أَلَيْسَتْ أُنْ لَا أَنْتَنِي
أَحْمِي عِيَالَاتِ أَبِي أَمْضِي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ^۱

من حسین بن علی هستم، سوگند خورده‌ام که از راهم برنگردم و از خانواده پدرم حمایت کنم و بر اساس دین پیامبر پیش بروم).

نتیجه‌گیری

حماسه کربلا، درس صبر و مقاومت به انسان‌هاست. شهدای عاشورا، نه از تهدیدهای دشمن و انبوه لشکریان کوفه ترسیدند و سست شدند،

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۴۹.

نه جمعیت اندک و قطع پشتیبانی کوفیان آنان را متزلزل ساخت، نه تشنگی و زخم شمشیر و سختی کارزار آنان را به ستوه آورد، نه شهادت‌های متعدد، سبب ترس و وحشت‌شان شد، نه تن به ذلت و تحقیر و خواری دادند و نه جاذبه‌های مال و مقام و ریاست، آنان را در عزمشان ضعیف ساخت.

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ، با صبر و استقامتی بی‌نظیر، مشعل عاشورا را همواره فروزان نگاه داشتند. از این رو مکتب عاشورا در همه عرصه‌ها - از جمله صبر و مقاومت و پایداری - به اسوه‌ای ماندگار تبدیل شد. اکنون ما در مقابل تهدیدهای دشمنان، خود را «فرزندان عاشورا» می‌دانیم و جبهه وسیع مقاومت در جهان اسلام، موفقیت خود را در گرو درس‌هایی می‌داند که از عاشورای حسینی آموخته است. ما نیز برای حفظ عزت و اقتدار و استقلال سیاسی و اقتصادی، نیازمند «صبر و مقاومت» به عنوان آموزه مهم عاشورایی هستیم.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زين الدين؛ عوالي اللئالي العزيزية في احاديث الدين؛ تصحيح: مجتبى عراقى؛ قم: دار سيد الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن اثير، على بن محمد؛ الكامل فى التاريخ؛ بيروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن شعبه حرانى، حسن بن على؛ تحف العقول؛ تصحيح على اكبر غفارى؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن على؛ مناقب آل ابى طالب عليه السلام؛ قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن طاووس، على بن موسى؛ اللهوف على قتلى الطفوف؛ ترجمه احمد فهرى زنجانى؛ تهران: جهان، [بيتا].
۷. ابن قولويه، جعفر بن محمد؛ كامل الزيارات؛ تصحيح عبد الحسين امينى؛ نجف اشرف: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش.
۸. ابن نما حلى، جعفر بن محمد؛ مثير الاحزان؛ تصحيح مدرسه امام مهدي عليه السلام؛ قم: مدرسه امام مهدي عليه السلام، ۱۴۰۶ ق.

۹. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی؛ *وقعة الطف*؛ تصحیح محمد هادی یوسفی غروی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمة فی معرفة الائمة*؛ تصحیح: هاشم رسولی محلاتی؛ تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۱. استادی، رضا؛ *آئینه صدق و صفا*؛ قم: نشر مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. اکبرزاده، محمود؛ حسین علیه السلام پیشوای انسان‌ها؛ قم: حق‌بین، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. انصاریان، حسین؛ *عرفان اسلامی*؛ قم: دارالعرفان، ۱۳۸۶ - ۱۳۹۱ ش.
۱۴. بحرانی اصفهانی، عبدالله؛ *عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال* (مستدرک سیده النساء علیها السلام إلى الإمام عجل الله فرجه)؛ تحقیق مدرسه امام مهدی عجل الله فرجه؛ قم: مدرسه امام مهدی عجل الله فرجه، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. برقی، احمد بن محمد؛ *المحاسن*؛ تصحیح: جلال‌الدین محدث؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی؛ *جمل من انساب الاشراف*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. پاک‌نیا، عبدالکریم؛ *خاطرات ماندگار*؛ قم: نشر فرهنگ اهل‌بیت علیهم السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج‌الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله)؛ تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*؛ تصحیح مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۲۰. _____؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ تصحیح سید مهدی رجایی؛ قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۲۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد؛ *الغارات*؛ تصحیح: عبدالزهره حسینی؛ قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم؛ *گلشن ابرار*؛ چاپ سوم، قم: نشر معروف، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. جمعی از محققان پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ *موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام*؛ قم: نشر معروف، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. جمعی از نویسندگان؛ *زبان بایدها و نبایدها*؛ قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۹۷ ش.
۲۵. جمعی از نویسندگان؛ *سیمای خانواده در اسلام*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۵ ش.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله؛ *مفاتیح الحیة*؛ قم: مؤسسه اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. حافظ، شمس الدین محمد؛ دیوان غزلیات؛ تصحیح خطیب رهبر؛ تهران: صفی علیشه، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ قم: ۱۴۰۹ ق.
۲۹. حمیری، عبدالله بن جعفر؛ *قرب الاسناد*؛ تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. خنیفر، حسین؛ *مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش*؛ چاپ دوم، قم: نصایح، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت‌نامه*؛ تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵ ش.
۳۲. دوانی، علی؛ *امام خمینی رحمه الله در آینه خاطره‌ها*؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۲ ش.

۳۳. دیلمی، حسن بن محمد؛ *اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین*؛ تصحیح: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ تصحیح صفوان عدنان داوودی؛ بیروت - دمشق: دار القلم - دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. زحیلی، وهبه؛ *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*؛ چاپ دوم، سوریه - دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۳۶. ساروخانی، باقر؛ *درآمدی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی*؛ چاپ سوم، تهران: کیهان، ۱۳۸۰ ش.
۳۷. ستوده، هدایت‌الله؛ *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*؛ چاپ دوم، تهران: آوای نور، ۱۳۷۳ ش.
۳۸. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله؛ *بوستان*؛ تصحیح: غلامحسین یوسفی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. _____؛ *کلیات سعدی*؛ به اهتمام فروغی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ش.
۴۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج‌البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. شریفی، محمود و دیگران؛ *موسوعة کلمات الامام‌الحسین علیه‌السلام*؛ قم: دار‌الاسوه للطباعة و النشر، ۱۳۸۳ ش.
۴۲. شعیری، محمد بن محمد؛ *جامع‌الانخبار*؛ نحف: مطبعة الحیدریة، [بیتا].
۴۳. صادقی‌تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۴. صدوق، محمد بن علی؛ *الامالی*؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

۴۵. _____؛ التوحید؛ تصحیح هاشم حسینی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۹ ق.
۴۶. _____؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۴۷. _____؛ علل الشرایع؛ قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۴۸. _____؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۹. _____؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ تصحیح: علی اکبر غفاری؛ تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
۵۰. _____؛ معانی الاخبار؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. صغیر اصفهانی، محمد حسین؛ حسین علیه السلام پیشوای انسان‌ها؛ مشهد: کتابفروشی جعفری، ۱۳۴۳ ش.
۵۲. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
۵۳. _____؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، تهران: اسوه، ۱۴۲۱ ق.
۵۴. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ تصحیح محمد باقر خراسان؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۵۶. _____؛ تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹ ق.
۵۷. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ تصحیح: مؤسسة البعثة؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۵۸. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام؛ الصحيفة السجادية؛ ص ۱۲۴. قم: دفتر نشر الهادی چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۵۹. فرجاد، محمدحسین؛ آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات؛ چاپ ششم، [بیجا]: بدر، ۱۳۷۴ ش.
۶۰. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۶۱. قربان حسینی، علی اصغر؛ جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت؛ تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱ ش.
۶۲. قمی، عباس؛ سفینه البحار؛ قم: نشر اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۶۳. قمی، علی بن ابراهیم؛ التفسیر القمی؛ تصحیح: طیب موسوی جزایری؛ قم: دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۶۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ ینابیع المودة؛ نجف: مکتبه‌الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۶۵. کراجکی، محمد بن علی؛ کنز الفوائد؛ تصحیح: عبدالله نعمة؛ قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح: دار الحديث؛ قم: دار الحديث، ۱۴۲۹ ق.
۶۷. _____؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.

۶۸. کوفی اهوازی، حسین بن سعید؛ المؤمن؛ قم: نشر مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام ۱۴۰۴ ق.
۶۹. لیشی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ تصحیح حسین حسنی بیرجندی؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۷۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ تحقیق جمعی از محققان؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷۱. _____؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. محدثی، جواد؛ پیام عاشورا؛ پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم: فراز اندیشه، ۱۳۸۳ ش.
۷۳. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمة؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۷۴. مختاری، رضا؛ سیمای فرزندگان؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ ش.
۷۵. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، بی تا.
۷۶. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ چاپ بیست و سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
۷۷. مفید، محمد بن محمد؛ الاختصاص؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۷۸. _____؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ تصحیح مؤسسه آل البيت عليهم السلام؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۷۹. _____؛ مناسک المزار؛ تصحیح: محمدباقر ابطحی؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۸۱. موسوی خمینی، سید روح الله؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.
۸۲. _____؛ چهل حدیث؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. _____؛ صحیفه نور؛ چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
۸۴. موسوی مقرر، سید عبدالرزاق؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
۸۵. _____؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ قم: مکتبه بصیرتی، ۱۳۸۳ ق.
۸۶. مولوی بلخی، جلال الدین محمد؛ مثنوی معنوی؛ چاپ نهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۸۷. _____؛ مثنوی معنوی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۸۸. نراقی، احمد؛ معراج السعاده؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ ش.
۸۹. نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین؛ تصحیح عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۹۰. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۹۱. نیر ممقانی، محمد تقی؛ دیوان آشکده حجة الاسلام نیر؛ به کوشش علی اکبر عماد؛ تبریز: کتابفروشی هاتف، ۱۳۱۹ ش.
۹۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهه الناظر؛ قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.

ب) نشریات

۱. الهی، طاهره و دیگران؛ «خشم در نگاه اسلام و روانشناسی؛ کظم غیظ چیست؟ سرکوب خشم یا مدیریت آن»؛ مجله علمی ترویجی معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۹۲، آذر ۱۳۹۲، ص ۳۱ - ۴۶.
۲. پاکستانیا، عبدالکریم؛ «نواب صفوی، آذرخشی در ظلمت»؛ مبلغان؛ دی و بهمن ۱۳۸۲، شماره ۴۹، ص ۲۷ - ۴۰.
۳. عبدالحسینی، معصومه؛ «سیره رفتاری علما در کمک به محرومان»؛ مجله طبوبی؛ تیر ۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۸۳ - ۸۶.
۴. کوشکی، نظرعلی؛ «درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین علیه السلام»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ششم، زمستان ۱۳۸۱، ص ۸۱ - ۹۸.
۵. مجله پاسدار اسلام؛ «خاطراتی سبز از یاد شهیدان»؛ شماره ۲۶۶، بهمن ماه ۱۳۸۲.
۶. معماری، داوود و رسول زمردی؛ «خشم و مدیریت آن در قرآن کریم»؛ فصلنامه سراج منیر؛ دوره ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۱۵ - ۱۳۶.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

۱. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «امام خمینی علیه السلام در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب»؛ ۱۳/۰۳/۱۳۹۴، کد مطلب: ۵۲۲۰۴۷۹.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۳. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران؛ «استثنائی به نام امام خمینی»؛ کد مطلب: ۱۱۳۲۷.
۴. پایگاه خبری آفتاب‌نیوز؛ «قتل همسر به دلیل یک لحظه عصبانیت»؛ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، کد مطلب: ۵۰۸۰۵۲.

۵. پایگاه خبری تحلیلی پارسینه؛ «آمار تکان‌دهنده از نزاع‌های خیابانی در تهران»؛ ۱۳۹۴/۰۹/۲۹، کد مطلب: ۲۶۶۲۹۵.
۶. پایگاه خبری تحلیلی فاش‌نیوز؛ «خدا قبل از شهادت فرزندانم، صبر این مصیبت را به من داده بود»؛ ۱۳۹۸/۰۴/۱۶، کد خبر: ۶۷۴۸۲.
۷. جام‌جم آنلاین؛ «دست‌هایی که ناخواسته خون‌آلود می‌شود»؛ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱، کد مطلب: ۱۶۹۱۴۰۷۵۵۳۳۶۵۸۵۴۴۷۹.
۸. جام‌جم آنلاین؛ «طلاق، ریشه پیدایش آسیب‌های اجتماعی»؛ ۱۳۹۰/۰۱/۲۸، کد مطلب: ۱۰۰۸۴۱۰۸۰۶۲۸.
۹. خبرگزاری اهل‌بیت علیهم‌السلام (ابنا)؛ «اخلاق عملی "حسینی اخلاق در خانواده" در برابر شایعات و ترور شخصیت»؛ ۱۳۹۷/۰۵/۱۰، کد مطلب: ۷۳۹۰۵۳.
۱۰. خبرگزاری تسنیم؛ «غیرت، عزت و مقاومت در الگوی امام خمینی رحمته‌الله»؛ ۱۳۹۴/۰۳/۰۸، کد مطلب: ۷۵۴۳۶۳.
۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ «تهران رکورددار نزاع»؛ ۱۳۹۷/۰۵/۳۱، کد مطلب: ۸۳۰۰۸۸۸۸.
۱۲. خبرگزاری صدا و سیما؛ «نظر اندیشمندان، رسانه‌های غربی درباره امام خمینی و انقلاب اسلامی»؛ ۱۳۹۵/۰۵/۱۸، کد مطلب: ۱۴۹۵۳۵۷.
۱۳. خبرگزاری فارس‌نیوز؛ «جای شهید و جلاد در دهه ۶۰ عوض نشود»؛ ۱۳۹۶/۰۳/۱۵، کد مطلب: ۱۳۹۶۰۳۱۵۰۰۰۱۱۱.
۱۴. خبرگزاری فارس‌نیوز؛ «مردم فلسطین دوستدار اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند»؛ ۱۳۹۸/۰۳/۰۸، کد مطلب: ۱۳۹۸۰۳۰۸۰۰۰۵۶۱.
۱۵. خبرگزاری مشرق‌نیوز؛ «آمار وضعیت کتابخوانی از زبان آقای وزیر»؛ ۱۳۹۷/۰۹/۰۳، کد خبر: ۹۱۳۶۵۲.

۱۶. خبرگزاری مشرق‌نیوز؛ «ردپای یک شبکه خزننده در شهادت مظلومانه طلبه همدانی»؛ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰، کد مطلب ۹۵۴۹۶۱.
۱۷. مجله اینترنتی مددکاری اجتماعی ایران؛ «نگاهی کوتاه به آمار و ارقام آسیب‌های فضای مجازی»؛ ۱۳۹۵/۰۴/۲۹.

